ژوندون

مجله هفتگی شنبه ۲ قوس ۱۳۵۲
شماره ـ ۳۶۰

سوفیا لورن در آستانهٔ پیری

رجوع به صفحه ۳۶

رئیس دولت وصدراعظم فرمودند:

افغانستان همیشه یك اصل را تائید کرده و آن عبارت از پشتیبانی آمال ملی برادران پښتون وبلوچ مامیباشد

اخیرا دلیپ موکرجی نماینده تایمزآف اندیا بافغانستان آمده وجهت انجام مصاحبه ای ازطرف بناغلی رئیس دولت وصدراعظم پذیرفته شد.

درآغاز حین پذیرفتن ژورنالست هندی بناغلی رئیس دولت وصدراعظم از دیدن موصوف ومسافرت بافغانستان اظهار خوشی کردند. درمقابل بناغلی موکرجی گفت با پذیرفتن موصوف رئیس دولت افتخار زیادی بایشان دادند وبا وجود مشغولیت های زیادی شان وی راپذیرفتند.

سوال :- حکومت جمهوری شما حیات بهتری رابافغانها وعده داده است بادرنظر گرفتن اینکه (۹۰) فیصد نفوس این کشور دردهات بسر میبرند این وعده چگونه عملی شده میتواند ؟

جواب:- هرحکومت ونظامی که پیشرفت وطن خود وبلند بردن سویه حیات مردم خودرا درنظر دارد وبه آن علاقمند است طبعا برای رفع مشکلات وبرای آسایش مردم در حدود امکان کوشش میکند وسعی میورزد تاموفقیت هایی درزمینه حاصل نماید .

بهتر ساختن حیات بمعنی اصلی آن به شهریان منحصر نمی ماند بلکه بهبود حیات حق قاطبه مردم است که ملت راتشکیل مینماید والبته بخود شمامعلوم است برای کشور های روبه انکشاف مثل ماتطبیق وعملی کردن پلان هابرای بهبود وضع زندگی مردم چیز ساده وآسان نیست والبته یك مدتی رابکار دارد تاپلان هایی درزمینه طرح وتطبیق گردند.

بعد ازروی کارآمدن رژیم جمهوری در افغانستان مادو وظیفه عمده در پیشرو داشتیم :

اول- استقرار جمهوریت .

دوم- توجه به مسایل اقتصادی وبهتر ساختن حال مردم توسط انکشاف ساحات مختلف اقتصاد .

باارتباط به بهبود حال مردم از ابتداتا امروز مامشغول آنیم که به چه ترتیب و بچه صورت میتوانیم وعده های خودرا عملی کنیم برای این مقصد مجبوریم پرو گرام های همه جانبه برای انکشاف وطن خود ترتیب نماییم وامروز مصروف آنیم تاچنین پرو گرام وپروژه هایی ترتیب گردد، چنانچه تاکنون به همکاری کشور های دوست دراین زمینه کار شده وامیدواریم در ظرف یکی دوسال دیگر عملا دراین کار پیشتر برویم البته وقتیکه همه جانبه گفتیم تمام ساحات در نظر میباشد ازقبیل سرک سازی خط آهن زراعت برق آبیاری صنایع ومسایلی مربوط به انکشافات اجتماعی پرو گرام های ما شاید برای کشور های دیگر بسیار بزرگ نباشد امابرای مردم ماو بهتر ساختن زندگی مردم مادر جریان پنج تاشش سال آینده تصور میکنم خیلی مفید ومثمر ثابت خواهد شد، البته رسیدن باین اهداف که ضرورت ووقت وزمان بکار دارد، امید است این اهداف دروقت وزمان بر آورده شود.

سوال :- درچند ماه اخیر شماره های مختلف کابل تایمز خبرهایی را نشر کرده که درولایت هلمند وبعضی ساحات دیگر کشور زمین برای اشخاص بی زمین توزیع شده است . لطفا جناب شان پلان دولت جمهوری رادر حصه توزیع زمین برای اشخاص بی زمین وکم زمین توضیح فرمایند. من حین سفرم به شاهراه سالنگ کوچی هارادیدم که از آنجاعازم مناطق گرمسیر بودند. پلان شمادر زمینه چیست ؟

جواب:- درین قسمت مثلی که پیشتر ازین اظهاراتی ازطرف دولت جمهوری صورت گرفته ریفورم اجتماعی واصلاح اراضی ازاهداف دولت جمهوریست . پرو گرام وقانون این اصلاحات همین اکنون زیر مطالعه و کار است ودرقدم اول به توزیع زمین های دولت برای مردم بی زمین شروع کرده ایم این مسأله نزدما یکی ازپرو گرام های عمده اجتماعیست ، اما اینقدر گفته میتوانیم که در افغانستان درساحه ملکیت اراضی تفاوت به حدی نیست مثلیکه دربعضی کشور های دیگر وجوددارد .

باین سبب ماامید وار هستیم که بزودی این موضوع راحل کرده بتوانیم، برای ما مشکل موجوده درزمینه نداشتن احصائیه های دقیق ونقشه های اراضیست مادر پلان های خویش این موضوع را زیر کارگرفته ایم .

سوال :- افغانستان براساس تعریفات متداوله ملل متحد یك کشور کمترین انکشاف یافته محسوب میگردد وبدون تردید مستحق کمك است تا بتواند پروبلم هایی را که در اثر اوضاع اقتصاد بین المللی خلق شده است حل نماید . درعمل چه اندازه کمك اضافی در یافت کرده اید واین کمك اضافی بامشکلات اضافی که در پیش دارید تاچه اندازه مقایسه میگردد ؟.

جواب :- درین موضوع شك نیست که بحیث یك کشور در حال انکشاف به کمك ضرورت داریم در این هم شك نیست که از نگاه یك کشور روبه انکشاف خود را مستحق کمك میدانیم لیکن معنی کمك های اضافی که شما افاده کردید درست فهمیده نشد اگر مقصد شما از کمك های اضافی مجموع کمك هایی باشد که افغانستان از کشورهای دوست گرفته است آن موضوع تفصیل بیشتر بکار دارد که شما میتوانید معلومات بیشتر درزمینه از وزارت پلان بدست آورید .

سوال :- در مورد سرجمع مساعدت هایی که برای افغانستان میسر است باتماس های که با بناغلی محترم جلالر وزیر تجارت بناغلی محترم فروغ معین پلان وهم بناغلی وحید عبدالله معین سیاسی گرفتم معلومات لازم در یافت نمودم مقصد من در اینجا دریافت نظر جناب شما راجع به منابع جدید کمك مانند مساعدت از ایران عربستان سعودی ، عراق وبانك اسلامی میباشد افغانستان ازاین منابع چه نوع کمك را توقع دارد ؟.

جواب :- همانطوریکه تفاوت ها دربین طبقات دریك جامعه تاثیرات ناگوار دارد همان طور وجود فرق های بزرگ در بین ملل تاثیرات ناگوار میداشته باشد ، باین اساس من فکر میکنم تاوقتیکه در جهان تفاوت های بزرگ در بین سویه زندگی ملل وجود داشته غربت ومرض موجود باشد مشکل است دردنیا آرامی وتفاهم حقیقی تأمین شده بتواند .

کمك ومساعدت به کشور های روبه انکشاف بهر طریق دوجانبه باشد یا دسته جمعی من فکر میکنم که باید کشور های پیشرفته ثروتمند این موضوع رادرنظرداشته باشند که یك عدالت نسبی در دنیای ماقایم گردد واین یگانه راهی برای آرامی و آسایش بشر خواهد بود .

سوال :- لطفا نظر جناب شان را درباره بانك اسلامی ابراز فرمایند ؟.

جواب :- درین شك نیست که تشکیل چنین بانك را به نظر نیك می بینیم واز همه بیشتر مافکر می کنیم که این بانك بیشتر به کشور هایی که به کمك نیاز دارند

(بقیه درص۵۱)

فشرده اخبار کشور

عده ای ازپناه گزینان بلوچ که‌ازشر بیدادگری حکومت پاکستان به افغانستان مهاجرت نموده اند .

(خبر مربوط به مهاجرت پناه گزینان بلوچ درشمارهٔ قبلی نشر شده بود.)

سفر دگرجنرال عبدالکریم مستغنی لوی درستیز به هند

درعکس دگر جنرال عبدالکریم مستغنی‌باښاغلی فخرالدین علی‌احمد رئیس جمهورهند دیده میشود .

دگر جنرال عبدالکریم مستغنی لوی درستیز که درراس یك هیئت بنابر دعوت وزارت دفاع هند بتاریخ ۱۳ عقرب عازم آنکشور گردیده بود بتاریخ ۲۳ عقرب بوطن‌مواصلت کرد .

درمیدان هوایی بین‌المللی کابل ښاغلی محمد اکبر رئیس دفتر ریاست جمهوری ، جنرال هاوبعضی از صاحب منصبان‌اردوی جمهوری ،ښاغلی سلیمان معاون نشرات وزارت امور خارجه ، سفیر کبیر و اعضای سفارت کبرای هند درکابل برای استقبال حضور داشتند.

مراجعت خارندویان افغانی از هند

دسته یکصدو چارده نفری پسران و دختران خارندوی تحت ریاست ښاغلی محمدنسیم معین دوم وزارت معارف و رئیس دافغانستان خارندوی تولنه بعد از اشتراك درهفتمین جمبوری هند روز جمعه‌اول قوس بوطن مراجعت کرد.

درجمبوری هند که بتاریخ شانزدهم عقرب دردهلی بر گزار شد یك تعداد از خارندویان کشور های آسیا یی،امریکایی و اروپایی دعوت شده بودند.

رئیس خارندوی افغانی درختم جمبوری تحایفی ازپیداوار کشور رابه خارندویان هند اهدا نمود.

همچنان رئیس جمهور هنداعلی‌ترین مدال خارندوی هند رابه رئیس خارندوی‌افغانی اهدا کرد .

سفارت کبرای ایران روز نظامی آنکشور را تجلیل کرد

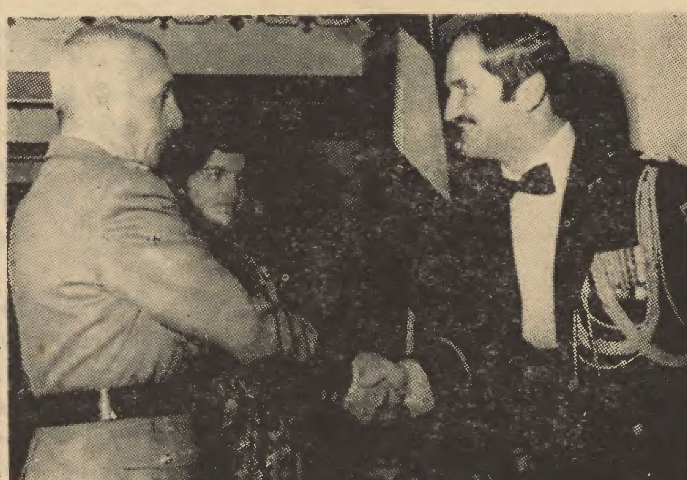

تورن جنرال غلام حیدر «رسولی» قوماندان‌قوای مرکز روز نظامی ایران رابه اتاشه نظامی سفارت کبرای ایران درکابل تبریك‌میگوید .

به‌مناسبت روزنظامی ایران ساعت هفت‌ونیم شام روز ۲۷ عقرب دعوتی از طرف اتاشه نظامی آنکشور در هوتل انترکانتی‌ننتل‌ترتیب شده‌بود.

درین دعوت دکتور عبدالمجید وزیر عدلیه‌دگر جنرال عبدالکریم مستغنی لوی درستیز، عده ازجنرالها وصاحب منصبان اردوی‌جمهوری‌مامورین عالیرتبه ، بعضی از اعضای کوردیپلوماتیك مقیم کابل باخانم های شان‌اشتراك نموده بودند.

پیوند شریان‌در شفاخانه‌وزیر اکبرخان‌موفقانه‌انجام‌یافت

عملیات پیوند شریان پای یك پسر چهارده ساله درسرویس جراحی‌شفا خانه وزیر اکبرخان موفقانه‌انجام شد.

یك منبع آن شفاخانه پیرامون این‌عملیات که‌در افغانستان بی سابقه می‌باشد گفت درحالیکه شریان فخذی‌مریض بطول چهار سانتی متر دراثر ضربه چاقو قطع شده و بحالت کوما بسر می برد روز ۲۷ عقرب به شفاخانه توسط اقاربش آوردەشد.

منبع گفت مریض درحالیکه خونریزی شدید داشت بعداز تدابیر مقدماتی توسط وریدسفن پیوند شریان موفقانه صورت‌گرفت که‌فعلا وضع پای مریض بهبود یافته است.

منبع علاوه کرد مریض سید ابراهیم‌ساکن چهارقلعه کابل میباشد.

ژوندون

شنبه ۲قوس ۱۳۵۳ مطابق۹ ذیقعدهٔ الحرام برابر با ۲۳ نوامبر ۱۹۷۴

مطالب عمده این شماره

آثار کشف شده بلخ شاهد تمدن های قدیم این سر زمین است .

مدد گاران اجتماعی در خدمت‌مردم

جراحی قرن، عملیات که درست ده ساعت بطول انجامید

قلت مواد غذایی در جهان حیات بشر را تهدید میکند

امتحانات نهایی شاگردان معارف

هفتهٔ گذشته امتحانات نهایی‌مکاتب سر دسیر شاگردان معار ف آغاز یافت واینك شاگردان معارف‌درجریان امتحانات نهایی قراردارند.

منظور از امتحانات نهایی‌معارف‌که ارزیابی فهم آنانرا در بر میگیرد نه تنها ارتقا و بلند بردن یکعده به‌صنوف بالاتر است ، بلکه رکن اساسی که همهٔ ما به آن بیشترارزش‌میدهیم، بالا رفتن وارتقا جستن‌سویهٔ علمی و فهم ودانش آنها و بالاخره‌تقدیم آنها منحیث نسل روشن و مستعد به اجتماع می باشد .

آنانیکه در مدت یکسال تعلیمی‌با حوصله مندی وآگاهی از مسؤلیت های خویش آنچه از استادان‌آموخته‌اند و بدرستی درك کرده اند، بدون شك در امتحان نهایی که بعد ازیك‌مدت طولانی تعلیمی اخذ میگردد ، موفقانه نتیجه مطلوب ونیك بدست‌می آورند ، در غیر آن‌گذشت یکسال، بدون درك ارزش حیاتی و پهلوگرفتن باسیر خود بخودی ایام،جز نتیجه منفی وتلخ، مفهوم دیگرمتصورنیست .

تلقین این مفهوم که شاگرد فقط‌در چار چوبه امتحان و بخاطر امتحان درس بخواند ومدت‌یکسال‌پرارزشش‌را به غافل بودن و تنبلی سپری کرده باشد نه تنها برای خودش‌نتایج منفی دارد ، بلکه اجتماع نیز ازان متضرر میگردد .

اگر جوانان از این موقع مغتنم‌وفرصت گرانبها که در طول سال تعلیمی برای‌شان میسر است‌استفاده‌نیك کرده نتوانند، از یکطرف وقت گرانبهای شان تلف گردیده و ازجانبی تو جها ت و مصار ف‌گزاف که در راه تربیه آنان از طرف‌مقامات‌مربوطه تدارك شده است‌بهدرمیرود.

سپری کردن یك دوره طولا نی‌حیات جهت‌کسب تعلیم،بادرك نتیجه آن ، مخصوصا دراین دوره حساس‌زندگی وظیفه جوانان معارف است تا آنها به دنباله این امتحانات‌تعلیمی‌در آزمایشات آینده زندگی موفقانه بدر آیند .

خوشبختانه در روشنی‌رژیم‌مترقی‌جمهوریت مانند سایر تو جهات بهی خواهانه آن، اکنون شرایط بهتر‌برای‌گسترش امکانات تعلیم و تربیه‌برای نسل حال و آینده کشور بو جودآمده است. همانطوریکه دو لت جمهوری در تما م شئون حیاتی‌اجتما ع ، پلا ن ها ی سودمندی روی دست دارد ، مو ضوع تعلیم‌وتربیه نیز هدف عمده آنرا تشکیل داده واز بدو استقرارش در این راه‌قدم های ار زشمندی بر داشته‌است یقین داریم با تطبیق پلان های‌وسیع‌دولت جمهوری در زمینه تعلیم‌وتربیه تسهیلات بیشتری جهت تحصیل‌برای جوانان ما میسر گردیده و با استفاده از تسهیلات جدید جوانان ما‌آماده خدمات بیشتری به کشور خویش گردند .

اکنون که امتحانات سالانه معارف‌دوا م دارد ما امید واریم تا جوانان ما نتایج مفید تری از زحمات یك‌سالهٔ شان بگیرند و آنانیکه دوره دوازده ساله را موفقانه به پایان‌رسانیده اند ، برای ادامه تحصیلات عالی آماده شده و هم جوانانیکه‌هنوزدوره مکتب را بپا یان نرسانیده اند، ایا م رخصتی را با تهیه پرو گرا م های منظم وسود مند ، همنواء سازند تا در آینده بتوانند بدون مشکل به‌صنوف بالاتر ارتقا نمایند .

ارزشهای نظام جمهوری در آئین اسلام

پیوسته بگذشته — **نوشتهٔ هبا**

درتاریخ اسلام دورهٔ خلافت و زعامت خلفای راشدین ، درماهیت وطرز کار ونحوهٔ اندیشه های اداری ومردم داری وسایر مسایل وموضوعات متعلق بحیات اجتماعی مردم ، غالبا امتداد لاینفکی است از دورهٔ **حیات پیامبر واپسین ویا نخستین شیرازه‌بند** وانسجام بخش حیات کتله ها و جوامع بشری ازینرو آنچه ازکارنامه های واقعی حیات اجتماعی وفعالیت بمنظور تحقق بخشیدن بمفاهیم عالی وپر ارج انسانی، اگر خواسته **باشیم در آئین اسلام بیابیم بایست نظری** بران روز گاران بیفگنیم و حقایق را جسته جسته دراعمال وکردار رهبران بزرگوار جهان اسلام بچشم مشاهده‌نمائیم .

روی این اصل مسلم هرگاه ما مسایل اسلامی رادر پرتو زعامت آن‌زمان ودرفروغ طرز کار واجراآت اداری ورسمی ایکه مورد تطبیق وعمل قرار داده میشد، مورد بحث قرار میدهیم، درواقعیت امر،بحث ما روی اصیل ترین مسایل اسلامی صورت میگیردو ماناز مندآن نخواهیم بود تادر صددتفکیک امور و تعیین جنبه های حق و باطل برائیم .

حضرت پیامبر اسلام (ص) که‌آئین‌آسمانی وطرز عقیده وپندارش منهدم کننده کاخ‌های ظلم واستبداد بود در روزگاران واپسین حیاتش فرمود : «دو چیز راپس ازخود درمیان شما گذاشتم وتا آنکه بران متمسک باشید ومطابق به‌آن درزندگی عمل نمایید همواره پیروز وسعادتمند خواهیدبود واین دوچیز عبارت از قرآن وروش‌های پیامبر اسلام است»))

حال بر میگردیم‌به تحقیق اینکه این دو عامل تضمین کننده سعادت بشری چه‌راه و روشی رابرای انسانها تعین نموده و چگونه طرز فکر وعملی را برای ایجاد زمینه‌سعادت آور حیات ایشان توصیه و تاکید کرده است .

قرآن درهمان گیرو دار زندگانی‌نابسامان انسانها، گیرو داریکه آتش سوزندهٔ تبعیض ها وامتیازات وفر مانروایی های جا برانه‌وضد کرامت بلند پایهٔ انسانی افراد بشر را بی رحمانه میسوخت وکتله های بی دفاع‌اولادآدم درتنگنای شرایط ناگوار ناشی از اندیشه‌های خود خواهی وتفر قه‌جویی ونژاد پسندی‌وقوم **پرستی موجودیت خویش را ازدست میدادند،** بسر وقت جهانیان رسید واعلان کرد که بنی نوع بشر از هرقوم وقبیله و نژادی که هستند وتحت هرگونه شرایط ودر هر گوشه وکناری که‌زندگی دارند، خبر اصل تقوی و مبارزه درطریق نیکویی ها، عاملی وجود ندارد که یکی رابر دیگری برتری وامتیاز بخشد ویاما یه‌واساس‌تفاخرگردد.

همچنانیکه متذکر شدیم پیامبر اسلام از آنجاییکه هیچ نوع پدیده های منافی کرامت انسانی ومناقض بروح و حیثیت‌آدمیت **در آئین ودین وی موجود نبود .**

بنابر همین مرام عالی جهانی وانسانی، پیامبر اسلام (ص) در همان دوران نخست ، ملت عرب رامورد خطاب قرار داده و گفت :

ای مردم عرب شما چنان فکر نکنید که بهترین دیگران هستید وچنان نیندیشید که لغت وزبان عرب وعرب بودن، شمارا نسبت بدیگران ممتاز ومر جح میدار د بلکه شما وهمه انسانهای دیگر در انسانیت یکسان و مساوی هستید و حضرت پیامبر اسلام این هشدار وتنبیه را ازان رو برای اعراب‌فرمود که‌خوب میدانست عربها عرب بودن رابر هر چیز دیگر ترجیح میدهند وخودرا نسبت بدیگران دارای مقام و ار زش ممتاز ی میشمارند.

پیامبر اسلام مبارزات انقلابی خو یش را بدون جزئی‌ترین هراس وبیم از نخستین کار ونا همواری راه، روبه پیش پیروزمندا نه دنبال کرد‌ودر میان دسته های مبارزا تی‌ازان نوع اشخاص وافرادیکه بخاطر داشتن رنگ سیاه در اجتماعات طبقاتی واشرافی آن‌وقت جایی وراهی نداشتند ، نیز جاوموقع داد و آنها رادر وظایف‌بزرگ ومهم گماشت و برای شان نام وعنوان نوینی از مفهوم‌انسانیت وکرامت بشری وداشتن حق‌زندگی ماننـد دیگران عطاکرد.

محمد(ص) با آنکه شخص محبوب‌وممتاز وزمان بود مگر برای تامین سعادت طبقهٔ بزرگتر که‌عبارت کتلهٔ انسان وأولاد آدم‌است کمر بست وچون ایشان بااهداف عالی و انسانی اش سر سازش نداشتند همـه را گذاشت وبا افرادی چند که درپرتو ایمان وعزم متین وخلل ناپذیر مبارزات انقلا بی شان را دردل اجتماعات پیش بر د ندوپیروز شدند.

مادریکی ازبحث های خویش گفتیم که پیامبر اسلام (ص) این سیاهان رادر وظایف خطیر ومهمی که عبارت از رساندن پیغام دعوت اسلام ازطرف محمد(ص) به‌حکمر وایان غیر اسلامی بود نیز مو ظف می فرمود ونامهٔ دعوت را دردست آنها می سپرد،نامهٔ دعوت آنهایی که از روبرو شدن با افرادسیاه‌ننگ داشتند وآن را برخویشتن عـاری بـزر گ می‌پنداشتند .

زمانی نامه‌ای عنوانی یکی از حکمروایان بزرگ وقت در دست گرو هی از همین **سیاهان سپرده شد تاضمنا آن حکمروا درك** کند که‌آئین محمدی ، آئینی نیست اشرا فی ومتکی به‌نژاد ونسب وتابداند که‌درین آئین جز اصل کرامت وارزش واقعی بشری‌بچیزی دیگر وقعی داده نمیشود .

این عده سیاهان مطابق به ماموریتی که داشتند نامه راگرفتند و به‌آن صو ب‌رهسپار گردیدند وپس ازطی فاصله ،بدروازه حکم روا رسیدند وتقاضا کردند تا اجازه دخول درحضورحکمروا یابند درنتیجه اجازه داده‌شد بزرگتر ویار هبران دسته داخل گردد، همینکه شخص بزرگتر ایشان پیش روی حکمر و ا حاضر شد ونظرش بروی او افتاد با خشم وعتاب به‌دربان صدازد که این چه مو جود نادیدنی وکریه المنظری است که در برابر چشمان من قرارش دادی زود باش واورا از جلو نظرم بدور نما که بیش ازین حوصله دیدن اوراندارم وبرای من چه ننگ و عاری بزرگترازینکه چهره ای باین سیاهی وزشتی دربرابر من قرار بگیرد وبامن حر ف هم بزند .

آن سیاه مبارز وباایمان ، لب گشود و گفت هرگاه مسئله رنگ و قیافه و زیبا یی ودر پشت سر من قرار دارند سیاه تر ازمن مطرح باشد پس آنهاییکه بامن آمده ا نـد **ولزد شما نادیدنی تراز من میباشد امامساله** رنگ ونژادنیست بلکه آنچه مطرح بحث قرار دارد عبارت است از معیار ارزش هاو اصولی که اعتبارات وارزندگی های حیاتی بشر روی آن استوار میباشد وما پیغام‌دینی را بتو داریم که جز اصل انسانیت‌نمی‌پسندد واعتبار رنگ ونژاد وامثال آن در اساسات جهانی‌آن راه‌ندارد .

آئین اسلام از آنجاییکه آئینـی است همگانی ومردمی در همه موارد روح اجتماعی ومردم پسندی راتر جیح میدهد وبخاطرتامین اسباب سعادت‌وخوشبختی همگان مساعی‌بعمل می‌آورد ، ازآن رو درهمان مبارزات نخستین خود برای استحکام وتحقق بخشیدن با صل مساوات بشری ومساوات عمومی و بـرای تثبیت معنی اصیل انسانیت ، تلاش میکندو اساساتی‌نیز درزمینه جهت بقای این مبداء وضع مینماید ، بنابران این یك وا قعیت است که نظام جمهوری نظر به‌خصو صیت وممیزه های خاصی که درجهت تامین‌سعادت همگانی وتامین اصل مساوات بشری دارد و برای امحای تبعیض وتفرقه ومظالم و بـی عدالتی‌مساعی بخر ج میدهد، **ازین‌ارزش‌های** عالی اسلامی بتمام معنی بر خـور دار و بهره مند میباشد .

اسلام درین نقطه نیز ارتباط ناگسستنی خود رابانظام جمهوری بصورت روشن وآشکار **تبارز میدهد.**

وقایع مهم سیاسی هفته

(از کاظم آهنگ)

تشنجات شرق میانه در مذاکرات سران شوروی وامریکا تاثیر خواهد داشت

« من حاضرم هزاران میل مسافه را برای صلح طی نمایم و لی یک گا م هم در راه جنگ بر نمی دارم» این کلمات را جرالد فورد رئیس جمهور ایالات متحده امریکا هنگام عزیمت از قصر سفید برای مسافرت بیست روزه به شرق دور ابراز نمود ، فورد از جاپان، جمهوریت کوریا، واتحاد شوروی در این مسافرت خود باز دید می نماید .

مسافرت فورد به دنبال یک سلسله تماس ها ومسافرت هائی صورت میگیرد که طی سالهای ۱۹۷۲ ۱۹۷۳ و سال جاری توسط رئیس جمهور سابق ایالات متحده امریکا وما مورین عالیرتبه رسمی آنکشور مخصوصا در اتحاد شوروی صورت گرفته است . نخستین مرحله مسافرت فورد در جاپان صو ر ت میگیرد و قرار است موصوف برای پنج روز در جاپان باسران حکومتی آنکشور ملاقات ومذاکراتی انجا م دهد .

مبصرین سیاسی ابراز عقیده میکنند که هدف مهم سفر فورد از جاپان یکی این است تا آنکشور رادر مورد مسایل تامین امنیت ایقان اطمینان بدهد و علاوتا در این مسافرت خود وی سعی خواهد کرد جاپان را در لست آنعده از کشور هائی قرار بدهد که از پلان تازه داکتر هنری کیسنجر وزیر خارجه ایالات متحده امریکا حمایت نماید . پلان کیسنجر اینست که قیمت نفت پایان آورده شود و هم امور پو لی ومالی غرب حفظ گردیده و استحکا م یابد .

اما باید گفت که جاپان قبلا یک پلان و طرح را در مورد قیمت نفت امضاء کرده است که این طرح در جهت مقابل ابتکار کیسنجر قرار میگیرد البته جاپان این پلان فرانسه را بخاطری امضاء کرده که از نظر آنکشور ضروری پنداشته میشود چه جاپان تما م تیل ضرو رت خـود را وارد میکند ونیاز مندآنست که تاباآن عده از کشور های جهان که درین امر مفید بوده میتوانند مخصوصا تولید کنند گان نفت روابط دوستانه داشته باشد . پلان وطرح فرانسه عبارت از این است که تولیدکنندگان نفت مصرف کنندگان و کشورهای رو به انکشاف کنفرانسی را تشکیل بدهند دران راجع به مشکلات خودبا واقعیت هائیکه احساسی میکنند تصامیمی اتخاذ نمایند، اما کیسنجر به بر گزاری چنین کنفرانس عقیده ندارد و ی طرحی را مبنی بر ذخیره تیل واستحکا م پولی مصرف کنندگان بزرگ نفت در نظر دارد .

چون جاپان نمیخواهد کاری بکند که دشمنی تولید کنند گان نفت را ویا مخالفت فرانسه و اتحادشوروی را در برابر خود بر انگیزد بناء این کشور غالبا به تعهد خود مبنی بر پلان فرانسه باقی خواهد ماند ولی کیسنجر در هر حال سعی خوا هد نمود تاجاپان را متقاعد سازد که نظر اورا بپذیرد و مهمترین نقطه ایکه کیسنجر روی ان استدلال خوا هد کر د این خوا هد بود کـه جا پا ن را تشو یق کند تا همکار ی های چند جانبه برای جاپان مهمتر نشان دهد و بدین وسیله آنکشور را برای قبول طرح خود متقاعد سازد ولی جاپان آنرا نخواهد پذیرفت .

از این موضوع که بگذریم سفر فورد در جاپان غالبا راجع به سایر مسایل مورد علاقه دوکشور موفقانه پیش خواهد رفت .

مرحله دوم سفرفورد درجمهوریت کوریاست و به تعقیب آن به‌اتحاد شوروی مسافرت مینماید ، دراتحاد شوروی جرالد فورد ولیونیدبریژنف رهبر حزب کمونست اتحادشوروی در شهر بندری و لادی واستوک مذاکرات خود را آغاز مینمایند و این مرحله مسافرت فوردحقیقتاًمهمتر ین مرحله مسافرت او خواهد بود چه د راین مسافرت وی و همراهانش بشمول داکتر کیسنجر سلسله پیشرفت مذاکرات قبلی سران‌امریکا وشوروی را دنبال مینمایند که این خود خالی از اشکال نیست .

چون زعیم شوروی باچهره تازه ای رو برو میشود امکان آن هـم موجود است که نسبت به گذشته در مفاهمه های آنان در بدو امر هم مشکلاتی ایجاد شود ولی در هر حال روی موضوعی که آنها به بحیث ومذاکره می پر دازند ازنظر صلح وامنیت جهانی واز نگاه بقا و دوا م انسانی خیلی مهم وارزشمند است آنها در این مذاکرات خود موضو ع محدود ساختن سلاح ستراتیژیک اتومی را مطرح بحث قرار مید هند که درین موضوع در مذاکرات سا ل ۱۹۷۲ و۱۹۷۳ وماه جون سال جاری خود نکسن .سابق رئیس جمهو ر امریکا و بریژنف به نتیجه مثبتی نرسیدند .

هردو جانب نیک آگاه اند کـه محدود ساختن سلاح ستراتیژیک ذروی و جلو گیری از مسابقات تسلیحاتی از اقدا م های خواهد بود که مصارف گزاف اقتصادی را مانع شده و صلح را در جهان تا مین میکند حین باز دید و مذاکره سا ل جاری نکسن و بریژنیف طرفین اظهار نمودند که آنها طرقی را جستجو مینمایند تا از استعمال قوه بین همدیگر جلو گیری کنند وقد م هایی به نفع صلح جهان بر دارندااما گا م اساسی که عبارت است از محدود ساختن سلاح تعرضی ستراتیژیک ذروی ومرمی های‌دارای چند سر گلوله ذروی بین آنها برداشته نشده است و در این امر به نتیجه مثبتی نایل نیامده اند و غالبا عد م رسیدن به این نتیجه روی این دلیل خواهد بود که اتحاد شوروی به تناسب امریکا تعداد زیاد راکت های بین القاروی را دارا میباشد در حالیکه امریکا از نظر داشتن مرمی های دارای چند سر گلوله ذروی مقد م تر است ، شاید هردو جانب باین فکر باشند تا در تعداد این دونوع مرمی موازنه را بین خود حفظ نمایند آنگاه روی محدود ساختن این سلاحها اقدام‌کنند .

بجز موضوع سلاح ذروی مخصوصا شکل تعرضی آن اتحاد شورو ی و ایالات متحده امریکا راجع به یک سلسله مسایل دیگر زمینه همکاری ها را بین‌خودمساعد ساختەوقسمتی

(بقیه درصفحه ۶۳)

شهرت دوگانه

وجی آنند کارگردانی که هنرپیشگی میکند

مترجم مهدی دعاگوی

این دائرکتر بفلم های امروزی سینمای هند چندان خوش بینی ندارد و میگوید هنرمند باید تنها بپول فکر نکنند.

(وجی انند) جوانترین برادر دیوانند که از دایرکتران ماهر و کارگردان درسینمای هند محسوب میشود و از این رهگذر صاحب شهرت زیادی در حلقه های سینماتی هند و مخصوصا در شهر بمبئی میباشد یکی از چهره های موفق وکامیابی در جهان سینما قبول شده واخیرا رو بهنرنمایی درپردهٔ فلم آورده است. و جی انند صاحب شیوهٔ کار پسندیده و جالب بوده در انتخاب داستان، حرکت وپیشرفت سناریو وموضوع داستان، حرکت کامره و فلمبرداری، کتک، انتخاب

وجی آنند دریکی از صحنه های فلم

موزیك و هنرپیشگی دسترس زیادی داشته واز همه امور فلم بررسی ووارسی می نماید واز همین جاست که فلم های ساخته و پرداخته شده اش بگرمی استقبال میشود.

او علاوه از کارگردانی، سناریو نویسی نیز می نماید و در نوشتن موضوعات جدید وبکر ذوق بخصوص دارد وبدین ترتیب بامور فلم هایش آگاهی و تسلط کامل میداشته باشد.

نخستین فلمی را که (وجی انند) دایرکت نموده (نودو گیارا) نام دارد که در سال ۱۹۵۷ تکمیل گردید اگر چه این فلم طوریکه توقع بود استقبال نشد ولی تهیهٔ فلم بعدی اورا به آرزویش نزدیك ساخت درسال ۱۹۶۰ فلم (کالابازار) را دایرکت نمود که بخاطر تازگی هایی که در داستان آن وجودداشت جالب توجه واقع گردید.

درسال ۱۹۶۳ فلم (تیری گهرکی سامنی) اورا بشهرت نزدیك ساخت ولی سال ۱۹۶۵ ستارهٔ اقبال او در آسمان هنر درخشیدن گرفت وبا دایرکت فلم (گاید) بحیث بهترین دایرکتر شناخته شده و جایزهٔ فلم فیررا دریافت نمودکه گاید رامیتوان بهترین محصول کار (وجی انند) در طول سالهای متوالی که در سینما خدمت نموده است قبول نمود.

فلم های (تیسری منزل) که در سال ۱۹۶۶ تکمیل شد و (جیول تیف) که در سال ۱۹۶۷ بپایه تکمیل رسید به محبوبیت این دایرکتر جوان افزوده و نامش را روی زبانها انداخت، پس از آن فلم (گهین اورچل) و یك تعداد فلمهای دیگری را دایرکت نمود اماسرانجام درفلم (تیری میری سپنی) تصمیم گرفت که خودش بحیث هنرپیشه در فلم ظاهر شود و بدین ترتیب

(وجی انند) که کار هنری را از سناریو نویسی، داستان نویسی ودیالوگ نویسی برای فلم هاشروع نموده بالاخره بحیث پرودیوسر ودایرکتر عرض وجود کرد وشهرت ومحبوبیت خود را در کارگردانی تکمیل نمود سرانجام تسلیم ذوقش شده واکنون بحیث اکتور در عالم سینمای هند ظاهر گردیده است اگرچه وجی انند در فلم (تیری میری سپنی) که نقش های عمدهٔ آنرا ممتاز و دیوانند ایفاکرده اند اودارای نقشی است که این نقش مختصر بوده و آرزوی قبلی او را هما نا ظهورش بحیث هیرو در فلم است برآورده ساخته نتوانسته لذاتصمیم گرفته نقش های اول و عمده را که شایستهٔ او باشد در فلم های خودش ایفا نماید.

نخستین فلمی که بحیث هیرو دران رول ایفا میکند (دوبل کراس) نام دارد که نقش هیروئین آنرا (ریکها) بدوش دارد داستان فلم عشقی بوده و لی از آنجا ئیکه شیوهٔ کار (وجی انند) تراژیدی است واین شیوه در تمام فلم هایش مراعات شده واز ایجاد چنین صحنه ها لذت میبرد این فلم نیز از آن بی بهره نمانده وصحنه های تراژیدی دران گنجانیده شده است که از هرحیث جالب توجه واقع میشود وجی انند همچنان در فلم (کوراکاغذ) نقش عمدهٔ فلم را بدوش داشته ونقش مقابل او را (جیه بهادری) ستارهٔ نو ظهور سینمای هند ایفا مینماید جیه بهادری که در قسم اول هنری خود استعدادش رابرخ سینما دوستان کشیده ازستاره های شوخی است که از زیبائی هم بهرهٔ کافی دارد این فلم که هنوز زیر کار است بزودی تکمیل و روی پرده خواهد آمد (فلم چهارستم) از دائرکشن های دیگر او ست که وجی در آن

وجی آنند خوش دارد درفلم های ساختهٔ خودش بازی کند

نقش عمدهٔ را ایفا میکند این فلم که جنبهٔ سکسی آن بیشتر است دران از(بندو) بم سکس سینمای هند استفاده شده است.

(وجی) فلم های دیگری را نیز زیر کار دارد که دران از ستاره های مشهور سینمای هند استفاده بعمل خواهد آورد.

وجی پانزده سال در سینمای هند بحیث نویسنده، دیتور، پردیوسر ودایرکتر خدمات قابل ملاحظهٔ هنری نموده و فلم های خوب و با ارزشی به دوستداران سینمای هند تقدیم نموده است که ازانجمله میشود از فلم های گائید ،تیسری منزل،جیول تهیف و تیری میری سپنی نام برده اور فلم هایش بشتر از دیوانند برادر بزرگش که از جملهٔ اکتوران موفق

بقیه در صفحه ۶۳

مددگاران اجتماعی

راپوراز: دریا

تامین حقوق زن وبر خور دا ری او ازمزایای که مرد درزندگی خانوادگی ،اجتماعی وفرهنگی واقتصادی ازآن برخور دار است، به‌منظور سازندگی وبوجود آوری یك جامعه مدنی تر وبالابردن سطح تولیــد وگسترش‌هرچه بیشتر ساحه خدمات گرو هی یکی از آرمانهای بزرگی است که‌جامعه‌زنان افغانستان باپشتکار وجدیت ومبارزه پیگیر وهمیشگی خواهان آن بوده‌اند.

ازآن روز که‌زن درکشورما‌از حصارچادری بیرون کشیده شد وتوانست خودش را در اجتماعش بقبولاند وتبارز دهد، همیشه برای گروه زنان پیشتازروشنفکروهمه‌خوب‌اندیشان‌و روشنفکران محیط این پر سش مطر ح بوده‌است.

ـچگونه میتوان ازقدرت انسا نی زن درچوکات وسیع تربرای به‌ثمر رسانیدن‌اهداف والای اجتما عی ، سود جست و بهــره‌گرفت ؟ وهمیشه نیز بپاسخ این پرسش نه درتیوری، بلکه درعمل گامهای استوار ومتین‌برداشته شده است . که فعالیت (دمیر منو تولنه) نمودی مشخص ازآن‌دارد.

سال گذشته بیش از هشتصد خانواده در نادر شاه‌مینه به اساسات زندگی آپار تمان نشینی آشنا ساخته شدند

یك کودك سالم وبانشاط از کو دکستان، مادر این کودك باخاطرجمع کار میکندوطفلش ازمراقبت صحی برخور دار است .

یکی ازمشکلات اساسی که‌جلو رشــد و توسعه این‌گونه فعالیت هارا می گیرد، نفــوذ خرافات وسنن موهوم‌است که‌درمیان اکثریت خانواده های کشور که مجادله باآن باید در سطحی گسترده صورت گیرد وموسسه‌نسوان نیز بادرك همین معضله است که مددگاران اجتماعی راتربیه میکند وبکار می گماردداین راپور نحوه فعالیت شعب تنویر افکارموسسه ومددگاران اجتماعی معرفی‌میگردد .

شنیده ام مددگاران اجتماعی دمیر منــو تولنه فعالیتی گسترده درجهت رفع مشکلات خانوادگی دارد به همین اساس ملاقاتی‌داریم بایك منبع ازبین موسسه اولین سوال این طور طرح‌میگردد.

ـممکن است توضیح دهید که‌مدد گار ان اجتماعی وظایف شان درچه مواردی. خلاصه میگردد ونقش کلی شان دربهبود حال‌خانواده چه‌میباشد ؟

پاسخ میشنوم :

ـهدف بزرگ مددگاران اجتماعی درچوکات تنویر افکار موسسه نسوان این است که‌از یکسو باتمام سنن خرافی وموهومی که‌اقتصاد خانواده ها را متضرر میسازد مبارزه گر دد برای خانواده ها شرایط عملی و تطبیق‌زندگی نوآموختانده شود، در جلو گیری از معایب عمومی خانواده هاتاجای امکان نقش‌وقا یوی داشته باشد واز جانب دیگر در چو کاتی وسیع‌تر امکانات زندگی صحتمند بــر ا ی کودکان خانواده بوجود آید وبــرای ما در حامله وشیرده وکودکان‌آنها مادتاً ومعناً‌امداد گردد .

ـکمك به‌مادر ان شیرده وحامله ازدیدگاه مابیشتر وظیفه ژیژ نتون هاست ،شما چرا وچگونه درامور مربوط به‌آنها مداخله‌میکنیــد

ـحدود مسوولیت های ما مشخص‌است ، مادران هستند که باید کار کنند و چر خ زندگی شان رابگر دا نند درچنین مواردی‌باید اینگونه مادران متیقن‌باشند که‌کود کــانشان زیر شرایطی سالمی زیر مراقبت قرار دارند کودکستان وشیر خوار گاه مادر خدمت همین مادران است ومددگاران اجتماعی نیزمیکوشند درتمام امور مربوط به‌مشکلات چنین خانواده های سهم بگیرند طور مثال این‌مدد گارا ن پرابلم های صحی خانواده هارا باشعــب مسوول صحی درمیان میگذارند و بــرایشان عملا زمینه کمك رافراهم میکنند، حتی‌درصورت لزوم اطفال راشامل مــی سازند ، برایشان تذکره می‌گیرند، پروگرامهای تغذی شان را ترتیب می نمایند واگر لازم باشدروز هــا صرف وقت می کنند تاآن مادر باخیال آرام بتواند بکار خود مصروف باشد.

ـممکن است شما باخانواده های درتماس باشید که‌بیکاری اعضای آن عاملی باشدبرای بازماندن اطفال ازشمول به‌مکتب و فقــر اقتصادی انگیزه خیلی از مشکلات دراین‌گونه موارد چه‌کمکی‌می کنید ؟

یکی از اعضای تنویر افکار باین‌پر سش پاسخ میگوید :

ـماهمین اکنون باصد هاخانواده ازهمین قبیل تماس داریم ، خانواده هایی که‌فرزند شان درصنوف عالی لیسه هادرس میخوانند ویا شامل پوهنتون میباشند وخانواده نان آور نیز ندارد درچنین مواردی ماباستفاده از صندوق مادر وامدا د بدون عوض بایــن خانواده هاموقع میدهیم آبرو مندا نه زندگی کنند وفرزندانشان ازپو هنتون ومعارف فارغ شوند وشامل کار گردند وآنگاه که یك عضو خانواد ه خود توانست چرخ زندگی‌رابگرداند

در خدمت مردم

کمك ماهم قطع میگردد وباز به خانوادهٔ مستحقق ترداده میشود.

ـبودجه این صندوق امدادی که‌به چنین مادرانی کمك می‌نماید ازچه راهی تامین می‌گردد ؟

ـکمك موسسات خیریه ،بانکها واشخاص انفرادی وخانواده های روشن فکر مرفه‌همیشه بماداده میشود واز همین راه این سلسله امد اد دوام دارد.

ـ تعداد مددگاران اجتماعی شماکه‌در کشف واقعیت ه‌ای اندوهبار چنین خانواده های نقش مثبت دارند چندنفراست‌وتحصیلات شان بچه‌پیمانه ؟

ـمادرحال حاضر ۲۵ نفر مددگار اجتماعی داریم که تمام‌شان به‌سویه بکلوریا ومافوق آن در رشته اختصا صی خود تحصیل نموده اند البته میکوشیم بااستفاده ازبورس های بکلی جدید بازهم این تعداد زیا د گردد چنانکه همین امسال ماهمین کار ر ا نموده ایم.

ـتاآنجا که‌من دریافته‌ام و ظایف و مسوولیت های تنویر افکار بیشتر در مواردی خلاصه‌میگردد که سروکار شان بافامیل های کم سوا د بی سواد باشد ، درحالیکه قشر روشنفکر ماهم بامشکلات فرا وانی درسا حه زندگی خانوادگی خود رو بروست بر ای این خانواده هاچه کمکی‌نموده‌اید ؟

سلسله کنفرانس های هفتگی تنو یر افکار بصورت دوامدار جریان دارد، دراین کنفرانس هااز یکسو کوشش می گرددهمکاری بیشتر خانمهای منور درسهم گیری فعا ل برای پیشبرد پروگرامهای تنو یر ی ما جلب گردد واز جانبین نیز تاجای امکا ن باتوجه به‌مشکلات خاص این خانواده هابزبان علمی برایشان معلوماتی ارائه گردد همچنان درساحه تطبیقی نیز مادر میان همین قشر سلسله اقداماتی داشته ایم وداریم ، مثلا سال گذشته بشتر از ۸۰۰ خا نواده در نادرشاه مینه توسط مددگاران اجتماعی‌ویزیت گردید وکوشش شد تا اساسات کلی‌ز ندگی پارتمان نشینی برایشان تفهیم گردد و در پهلوی آن مشکلات این خانواده ها برای مطالعه بیشتر موزد ارزیابی قرار گیر د همچنان همین اکنون در هر ناحیه کا بل وهمه روزه دونفر مدد گار اجتماعی این موسسه وظیفه دارند تامشکلات خانواده هاو مادر ان را از نزدیك دیده و طرق حل آن را میسر گردانند که‌این جریان بدون وقفه دوام دارد.

ـ تاآنجا که‌من‌دیده ام فعالیت شعب موسسه نسوان در ولایات کشور محدو دتر است درحالیکه من فکر میکنم بخاطر یك سلسله عادات خرافی رایج در ولایات ضرورت فعال گشتن این شعب درخارج ا ز مرکز محسو س تراست ، برای رفع این نقیصه چه‌فکر ی نموده اید ؟

ـدرست است میتوان گفت هر چه قدر ارتباطات فرهنگی درمیان مردم کمتر باشدبه همان نسبت خرافات حاکمیت بیشتری دارد ، ماهم میکوشیم ساحه فعالت مابه‌همین دلیل درولایات وحتی رو ستاهای کشور پهن تر گردد وزمینه کمك عملی فراهم تر، ولی

بقیه درصفحه ٦٣

مؤسسه میکوشد استعداد های نهفته کودکان راکشف کند وبکار اندازد .

عده ای از مدد گاران اجتماعی دمیر منو تولنه روی یکی از پرابلم های یك خانواده وطرق چاره جویی آن بحث میکنند .

برگی از تاریخ کشور

بلخ، شهری با تمدن های ۳۰۰۰ ساله

از گل احمد زهاب نوری

آثار پنج تمدن کهن درو یرانه های شهر باستانی بلخ نهفته است،

• • •

سطح آب‌های تحت الارضی در بلخ بلند آمده و اقشار مختلف باستانی را، پنهان ساخته است.

• • •

در دوره‌های دور تاریخ، ساحه شمال کشورما از نگاه زراعت پیشرفته ترین منطقهٔ آسیا بوده است.

بلخ شهری‌که امروز ویرانه های آن حکایتگر تمدن های کهنی است که در ست ۳۰۰۰ سال قبل شهری بوده با جمعیت کثیری، با آبادی های با شکوه، با تجارت وزراعت پیشرفته یی ....

سالها بعد وقتیکه راه (ابر یشم) بزرگترین شاهراه تجارتی آسیا بود از بلخ می گذشت واین شهر از مراکز بزرگ تجارتی آن عصر بود .

در شماره گذشته گزارشی مختصر داشتیم ،از نه گنبد ،یکی از مساجد با عظمت دوره اسلامی در بلخ. همچنان وعده داده بودیم که به این سلسله علاوه از (نه گنبد) بر تاریخ کهن بلخ باستان ، از روی مطالعات باستان شناسی نیز روشنی خواهیم انداخت ...

نه گنبد ، قدیمی ترین آبده دوره اسلامی است ، که تا حال درین منطقه آسیا کشف گردیده است ، که بر قسمتی از تاریخ قدیم این منطقه روشنی می اندازد .

خانم پوگه چن کوا دانشمند روسی، ملکیان شیروانی باستان شناس فرانسوی و اولك گرابر پروفیسور یونیورستی‌های روالرد امریکا ،نیز در باره آبده و آثار باستانی .در نه گنبد مطالعاتی انجام داده و هریك نظراتی داده اند .

ملکیان شیروانی از روی مقایسه تزئینات گچی مسجد نه گنبد با آثار کشف شده دوره اموی ها این

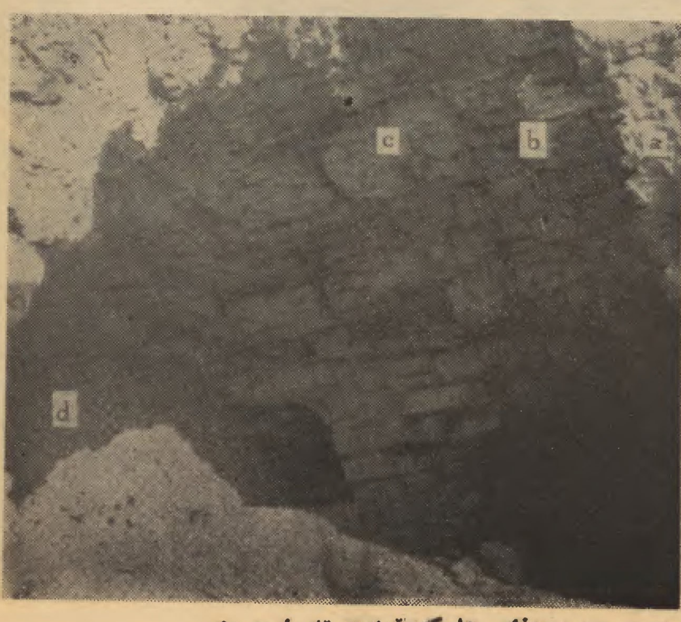

مغاره ها که قدامت تاریخی دارد

پایه های از دیوار قدیم بلخ

آثار کشف شده بلخ شاهدتمدن های قدیم این سر زمین است

آبده تاریخی را منسوب به قرن‌هفت میلادی میدانند .

پرو فیسور گرابر ،در یادداشت هایش ، نه گنبد بلخ را ، از بقایای آثار قرن نهم می خواند ...

تزئینات گچی بقا یای نه گنبد ، حکایت از شکوه و عظمت ،مسجدی می کند که از شهکار های هنر معماری عصر خود بوده و با همه مقاومت و گرنگی اش ، زیبا خاصی را ، دارا بوده است .

داکتر زمریالی طرزی مدیر عمومی باستان شناسی وزارت اطلاعات و کلتور که در تهیه این گزارش ها همکاری میکند ،پیرامون شهر بلخ میگوید :

ـ این شهر از نقطهٔ های تاریخی افغانستان است که ،در آن تمد ن های کهنی نهفته است .

شهر بلخ نه تنها از نگاه آثار باستا نی دوره اسلا می چون خواجه پارسا ونه گنبد ،در تاریخ و علم باستا نشناسی ،حایز اهمیت است، بلکه مطالعه اقشار با ستانی این‌شهر ، با تاریخ سه هزارساله این منطقه روشنی می اندازد .

این شهر در اسناد قدیم تاریخی بنام های بخدی باکتریا با ختر یا باکترین وبلخ یاد شده است .

فعالیت های باستانشا سی ،درین شهر ، در اوایل قرن بیست آغاز گردید ،نخست پرو فیسور فوشه محقق وباستان شناس فرانسو ی‌و بعد از آن در سال ۱۹٤۷ پروفیسور دانیل شو لمبرژی به مطالعا ت پرداخت ...

همچنان همین حالا هیات علمی باستا نشناسی مشترك افغا نستا ن واتحاد شوروی در ساحه شمال بلخ به تحقیقات و حفریات باستانی می پردازند .

داکتر طرزی می افزاید :

ـاما متاسفا نه نتایج مثبت ،از تحقیقات علمی درین منطقه هنوز به دست نیامده است .

از کاوش های بالا حصار تا شهر بلخ وتپهٔ زرگر ها، معلوم شد که قشر های زیادی، یکی‌بر بالای دیگر افتاده است ،که هر یك مربوط به دوره یی از تاریخ است .

قشر فوقانی که درین منطقه مطالعه گردیده مربوط به‌دوره اسلامی است.

بلند آمدن سطح آب‌درین قسمت زمین ،سبب‌شده‌تا تحقیقات وحفریات باستا نشناسی در بلخ به مشکلات زیادی مواجه شود .

پنج تمدن کهن درین سر زمین یکی بعد دیگری گذشته است که اقشار مربوط دو دوره آن در زیر آب شده است وفقط حفریات هیات های علمی تا دوره کوشانی ها ،مطابقت می کند .

برای تکمیل مطالعات‌علمی ،هیات های باستا نشناسی به نقاط دیگر ی از صفحات شمال به تفحصا ت پرداخته اندواز جمله هیات مشترك افغا نستان واتحاد شوروی تا ساحه دولت آباد پیشرفته اند .

مدیر عمومی باستا نشناسی در پاسخ سوالی میگوید :

ـبه اساس مطالعات این هیات معلوم گردیده که تحولات هنری در صفحات شمال افغا نستان از دور ه ماقبل تاریخی برو نز تا زمان کوشانی ها ادامه داشته و بعد از یك وقفه مجددا در دوره اسلا می به شگو فانی پرداخته است .

دلایلی وجود دارد که آریا یی ها نخست در شمال افـغا نستا ن مسکن گزین شده واز بادیه نیشنی به زندگی متمدن آغاز کرده ، به زراعت واعمار شهر هارا پرداخته اند .

سپس یونانی ها به‌این منطقه هجوم می آورند ، مگر بعد از مدتی جنبشی رخ میدهد وساکنین‌این ـ مناطق مجددا آزادی خود را، بدست می آورند .

بقیه در صفحه ٦٠

دیوار های قدیم بالا حصار بلخ

فلسطینی ها بحیث یك قدرت

ترجمه از تایمز

قسمت دوم

یاسر عرفات درمیز کنفرانس

فلسطین چون سمنت جهان عرب رابهم وصل میکند و یامانند مو اد منفجره آنرا از هم میپاشد

یاسر عرفات

دوسال بعد افراد مربوط این گروپ وطیارهٔ لفتنزا آلمان را اختطاف نموده و پنج ملیون دالر برای رهایی طیاره ومسافرین آن بدست آوردند.

حبش که یکی از رهبران نهایت فهمیده وذکی این گروپ است معتقد است که فعالیت های انقلابی ودهشت افگنی یگانه راه رسیدن به اهداف موسسات آزادی بخش فلسطین است که عبارت از ایجاد یك دولت فلسطین عوض اسرائیل می باشد .

۳ـ جبهه عوامی دیمو کراتیك آزادی بخش فلسطین سومین گروپ فدائیان است . این جبهه ازطرف نایف ها واسمح یك عیسوی اردنی رهبری می شود. وی با ۵۰۰ نفر طرفداران خود درسال ۱۹۶۹ از جبهه آزادی بخش فلسطین که رهبری آنرا حبش بعهده دارد جداشده وجبهه جدیدی را تشکیل داد .

موضوع فلسطین :

۴ـ قو ما ندانی عمو می جبهه عوامی آزادی بخش فلسطین گرو پ نظا می دیگر یست که ازجبهه حبش منشعب گردیده است. رهبری این گرو پ بعهده (احمد جبریل) مردچهل وپنج سا له ایست .

۵ـ الصا عقه دسته ایست که در سال ۹۱۶۷ درسو ریه بر هبری ظو هیر محسن مرد ۴۵ ساله تاسیس گردید. گرو پ الصاعقه دوهزار عضو داشته و هزار شا نگیریلایی های منظم می باشند. اکثر از اعضای این دسته مها جرین فلسطینی اند که ازسوریه فرار نموده اند .

۶ـ جبهه آزادی بخش عرب متشکل از فلسطینی هایی می باشد که ر هبری آنهارا عبدالو هاب کیانی بعهده دارد .

درین دسته یکصد نفر فداییان منظـــم شامل می باشد .

اینکه این دسته ها در طو ل سا لهای متمادی مو جودیت و حد ت خودرا حفظ نموده اند همه ازبر کت انر ژی ومهار ت هـــای سیاسی یاسر عر فات بوده است .

عرفات که معمو لا عینك های سیاه بچشم می گذارد واز شخصیت های مشهور جهان عرب بوده واصلا یك انجنیر می باشد .

وی نسبت به وظیفه مو سسه آ ز ادی بخش فلسطین عقیده راست ورا سخ دارد. وی میگوید (بحیث یك پناهگزین و مهاجر وقت زیاد ندارم تا در مورد جناح راست ویا جناح چپ استد لا لنمایم آنچه که مهم است عمل ونتیجه می باشد).

عرفات که ۴۴ سال عمر دارد در بیـــت المقدس بدنیا آمده است و پسر یك تاجر رخت می باشد. درایام جوانی درسا لهای ۱۹۴۷ و۱۹۴۸ در جنگ عر ب و اسرا ییل شر کت نمودو هنگا میکه فا میل وی بغزه فرار نمود وی در جمله پنا هگز ینان درآمد هنگا میکه در پو هنتو ن قا هره تحصیل می کرد، رئیس فید راسیو ن متعلمین فلسطینی گردید. وی در اردوی مصر در جنگ ۱۹۵۶ عرب واسراییل خدمت کرد. بعداً وی بـه کویت رفت ودر وزار ت فواید عا مه آنجا شامل وظیفه شد درسا ل ۱۹۶۴ عر فات از وظیفه خوددر کویت منصر ف شد تاتمام قدر ت وانر ژی خودرا در تامین دا عیـه موسسه الفتح که خود یکی ازمؤسیسن آن بود صر ف نماید .

عرفات تاحا ل ازدوا ج نه نموده است واو تمام او قات خود یعنی ۲۴ روز ،۳۰ روزماه

تصاویر بالا مهاجرین فلسطینی رادرنزدیك کمپ های شان نشان میدهد.

در شرق میانه تبارز می نمایند

و۳٥٦ روز سال راو قف فلسطین نموده است.

عرفات در رفتار ودر دو ش نان میخورد نه سگر ت میکشد ونه مشروبا ت‌می‌نوشد. وی خانه مشخصی ندارد که ازآن سخن‌گوید.

یك‌شب در دفتر مو سسه آزادی بخش فلسطین در بیروت میخوابد وشب دیگررادر خانه یکی از دوستان سپری میکند. حتی معاونین ویاوران وی نمیدانند که آیادر بیرو ت است ویا در دمشق الجزایر ویا قاهره. وی پیوسته درین شهر ها برای جمع آوری پو ل و جلب حمایت و پشتیبانی ازموسسه آزادی بخش فلسطین مسا فر ت میکند.

عرفات ندرتاً ازخود ویا ازگذشته خود حرف میزند . وی آرزو دارد تا ازجلب دیگران بدور شخصیت خود ، اجتناب ورزد.

در داخل الفتح و مو سسه آزادی بخش فلسطین وی با مشاورین ویانزد یکان حود حلقهٔ راتشکیل نداده ونمیدهد . در مجالس ...مه وی ... نظرات ... کس گوش میدهد و ازاین نظرات استفاده می نماید .

باید گفت که ازنظر افکار عامه. موسسه آزادی بخش فلسطین ازنگاه عملیات دهشت افگنی مورد ملا مت قرار گر فته است.

حقیقت اینست که خودعر فات هم دربسا موارد از کنترو ل بعضی عناصر افراطی‌این موسسه عاجز آمده است . وی علنا بعضی‌از فعالیت های دهشت افگنی افراد این‌موسسه رانکو هش نموده نه ازنگاه ملاحظات اخلاقی بلکه ازاین لحاظ که همچو فعالیت هاتصویر فداییان را در چشم دیگرا ن خراب مــــی سازد.

نتیجه بیست و پنج سال فعالیت هــای دهشت افگنی بین هر دو جانب، تشدید ـ مخاصمت و دشمنی بین اسراییل و فلسطینی ها بوده است. سوا ل بزرگ اینست کـه اکنون در شر ق میانه این مخا صمت مــی تواند ازبین برود واگر برده شده میتواند چطور؟ البته ایـن کـارسهل وآسان نیست زیرا اهداف و نقاط نظر اسراییلی هـاو فلسطینی ها آشتی ناپذیر می باشداسراییل

درحفظ مو جودیت دو لت یهود در سوا حل مدیترانه سعی می ورزد .

عرفات وحبش ، شاید درطرق‌رسیدن‌بهدف اختلاف نظر هایی دارند. و لی هردو تمام مساعی‌خودرا وقف یك هد ف یعنی تعو یض دولت اسراییل به‌یك دو لت فلسطینی،نموده اند. عر فات حاضر است تا عجالتا موضوع فلسطین را ازطریق ایجادیك دولت محدود متشکل ازسواحل غربی ، غزه ومنطقه حمه حل‌نماید . ولی این امر اساس یك رقا بت دوامدار کلتـوری ، سیاسی و نظـامی‌بـا اسراییل خوا هندبود.

باتعیین عر فات بحیث یگانه نطاق تمام فلسطینی ها زعمای عر ب در کنفرا نـس رباط کو شیده اندتا انتخا ب یکی از دوراه یعنی صلح و جنگ رابدو ش‌اسراییل‌بگذرانند بهرحال ،عر فات اکنون در حلقه های عربي درهمه‌جا بحیث یگانه نطاق فلسطینی هــا شناخته شده است گر چه بیت المقدس و واشنگتن امید وارند تا ملك حسین نقش اساسی در مذاکرات راجع به آینده ساحل

عرب واسراییل خد مت کرده بعدا وی بـه موضوع فلسطین نمیتوان از عرفات ونقش‌وی چشم پوشی کرد.

ازبعضی جهات، مو قف اسراییل بـا موقف فرانسه در جنگ الجزایر مشا بهت دارد. در ابتداء حکو مت فرانسه از مذاکره باجبهه آزادی بخش ملی الجزایر امتناع‌ورزید ولی با لاخره فرانسه دریافت که یگانه‌راه‌حل پرابلم مذاکره باجبهه آزادی بخش ملی‌بوده است.

البته جنگ بر مو ضوع فلسطین تاوقتی ادامه می یابد که اسراییل حاضر شود بـا عرفات مذاکره کند و عر فات حاضر شودتا مستقیما با اسرا ییلی ها مفا همه‌نماید.

بنابر این گره حل این عقده دردست هر دو جانب است . اگر اسراییل خواهان صلح با همسایگا ن باشد این صلح‌راتاوقتی بدست آورده نمیتوا نند که حاضر شوندتابه فلسطینی ها امتیازات بزرگ قایل گردند. حتی در خوداسراییل هم عده زیادی و جود دارند اعتراف میکنند فلسطینی ها مصا یب ومشکلات زیادی را در طو ل تاریخ آوارگی خود دیده اند .اما مشکل است که قبول‌کرد اسراییل حاضر است اراضی رابه فلسطینی هاتاوقتی بد هد که فداییان درراه‌ا محـــای اسراییل کمر بسته اند .

سوال مهم درسیاست پیچیده شرق‌میانه اینست کـه‌آیا یاسرعـرفات قادر خـواهد شدتا تعد یلی در اهدا ف‌خودبدو ن اینکـه محبوبیت و وفا داری مردم را از دست دهد بمیان آرد.

بسیاری از اعرا ب فکر میکنند که سر انجام فداییان رام شده میتوانند و بهتر ین طریق آغاز حل پرابلم اینست که فداییان شریك دیالو گ شر ق میانه سا خته شوند درغیر آن یگانه راهی که باقی می ماند آغاز یك‌جنگ تازه است که حتی نسبت به‌جنگ اخیر عر ب واسراییل خو نین تر خوا هـد بود.

گوشه ای ازکمپ های مهاجـرین‌درشمال عمان

اعصاب:

فشار تمدن سرعت و عجله استعمال مواد کیمیاوی دخانیات شور و غالمغال انعکاس آن:

عصبانیت نارامی و فشار روحی بیعلاقگی بزندگی سستی و افسردگی هروئینی و معتاد

ترجمه: ع، کهگدا

انکشاف سریع تخنیك ، و جود ماشین آلات ، زندگانی اتو ماتیك و ترانزیستور ، ویتا مین ها، مـــواد کیمیاوی ، سا مانهای پلاستیکـــی ، نایلونی و غیره کار ها را آسان و سریع ساخته است و از طرف دیگر باو جودیکه‌هفته یکروز تعطیل‌عمومی وبعضی روز ها را در طول مـــاه بعنوان ضرورت و مریضی از کار کناره و بفراغت میپر دازیم و لی باز هم کلمه خستگی از هر دهنی‌شنیده میشود .

لذا علت اصلی چنین خستگـــی ، عصبانیت و افسردگی بصورت‌عموم چیست ؟ عصبانیت و نا رامی روحی بذات خود یك نوع مریضیست کـــه میتوان آنرا مریضی تمدن و عصر ی شمرد که از خودهزاران علت‌وسببی دارد. از اینکه آیا این عصبانیت را تداوی و یا اینکه میتوان از بین‌برد؟

عصبانیت یك نارامی و افسردگی مزمن را تولید و بالاخره یك انسان معتاد را بوجود می آورد

یکی دیگر از عوامل عصبانیت‌بیدارخوابیست که تا سحر چشم بهم‌پیش نمی آید

مسؤلیت بس جامع‌که بسیاری‌علمای طب و روانشناس را بخود جلـــب کرده است .

اپتیمست ها چنین عقیده دارنـــد که علاج اصلی آن موازنه طرز حیات وقایع سپورت و غیره میباشـــــد و روانشناسان را عقیده بر اینست که مریضی مذکور رابطه قوی‌باتمدن داشته که گریز از آن برای افراد بشر امریست مشکل .

کسالت در محل کار و شغـــل یومیه :

اگر از کار گر یك فابریکه، مامور یك شعبه ، میزبان یك منزل و یـــا شاگرد یك مکتب چنین سوالی راکرد که چه چیز باعث خستگی او شـــان میشود همه به آواز بلند جـــــواب خواهند داد : کار یومیه . اما عقاید متخصصین‌برعکس است زیراتجارب زیادی باثبات رسانیده که کارجسم انسانرا متضرر وخسته نساخته‌بلکه برخلاف کار باعث نشاط جســـم میگردد . زیرا کار سیستماتیکـــــی سرچشمه نیروی زیست وطول عمر بشمار رفته اکثرا باعث تداوی کلیه عصبانیت‌ها بوده درحقیقت‌عصبانیت را تشکیل وریشه کن میکند لـــذا خستگی در اثر کار وظیفه بو جـــود نیامده بلکه علل واسباب دیگر ی دارد .

زنگ خطر : حقیقتا نباید کـــار طاقت فرسا باشد تا ار گانیزم‌خسته نشده قوه اعتدال آن برهم نخـــورد زیادی باثبات رسانیده که‌کار،جسم خاصی مدنظر گرفته شده است که رول مهمی را برای کار (زمان) بازی میکند پس بصورت عموم خستگی را کارگران کار های ثقیله بیشتر حس میکنند از اینرو تفریح و هوای آزاد به اندازه لازم و جمناستیك‌در محل کار چنین اشخاص خیلی مهم و در تسکین اعصاب رول مهمی راباز ی میکند .

کار شبانه چه در فابریکه هاوچه در موسسات و یا کار های تبدیلی یعنی هفته ای روزانه و هفته دیگر از طرف شب و یا یکروز در میان از طرف روز و شب هرگز برای صحت یك کار گر عادی و مفید شمرده نمیشود زیرا ٦٤ فیصد اشخاصیکه گاهی شب و گاهی از طرف روزبکار خود ادامه میدهند بیشتر به امراض عصبی دچار اند در حالیکه ٢٥درصد اشخاصیکه کار های روزانه را اجرا میدارند به عصبانیت گرفتارند. از اینرو پر ستار نو کریوال شبانه علاوه براینکه ترس وخوف بو ی غلبه میکند به حیات وی نیز می افزاید .

ناگفته نماند که کار های سست وکند طویل المدت بیشتر و جود را نسبت بکار های سریعو کوتاه‌خسته وعلیل میسازد . از جانب دیگر شور و غالمقال و لوهر کجا که‌باشد محرك خستگی و عصاب شمرده میشوند . کار های پر سر و صدای فابریکات دو چند و جود را خسته ساخته علاوه بر اینکه تو لیدات را کسر می بخشد به عصبانیت‌کارگران می افزاید .

مسوولیت های حق‌وناحق فضای نا مساعد، ساحه کار شدیدترین‌علت غلبه بر سیستم عصبی بشمارمیرود که اکثرا موجب ظهور امراض قلبی وسوزشں معده میگردد ا ز اینجاست اکثرا اشخاصیکه در راس کار قرار گرفته اند به این امراض مبتلا اند .

کار دو چند زنان و جد وجهد شاگردان هم پروبلم همز ما ن ماست . زنانیکه خارج از منزل اشتغال وظیفه ازیك طرف ودر داخل خانه به‌امور منزل ازجا نب‌دیگر می‌پردازنددایما عصبانیت‌وبیحوصلگی بسراغ شان میاید واینجا ست که بر تعداد زنان عصبی می افزاید .

یکی ازعوامل دیگر عصبانیت‌ترس وهول است که بیشتر درشاگردا ن مکتب دروس و برای محصلین و محصلات امتحان یك ترس و هول عجیبی‌تولید میکندکه باعث‌عصبانیت در وجود آنها گردیده واکثرا این عصبانیت باعث دلسردی ازتحصیل وکناره گیری از دروس و بی‌احترامی بمقابل والدین میشود وسر انجام عاقبت نا گواری داشته جوانان رابه سوی اعتیاد میکشاند .

دیروز خستگی فزیکی و امروز خستگی عصبی :

خستگی سال ١٩٧٤ یعنی‌خستگی امروزه آن خستگی دیروزه یعنی‌سال ١٨٧٤ نیست سیر انکشاف مد نیت عصری امروزه نه تنها خستگی و عصبانیت بلکه عیوب‌وامراض‌جدیدی را انکشاف میبخشد. واز طرف‌دیگر نه تنها کار بلکه چارجانب و تماما اجزای تمدن امروزی انسانرا خسته و فر سوده میسازد . دیروز در اثر کار تنها عضلات ما خسته میشد ولی امروز جای آنرا بعضی خستگی های خطرناك و امراض عصبی اشغال کرده است .

فابریکه ها سامانها وماً شین‌ولاآت تحویلخانه های بزرگ ، تطبیقات انستیتوت ها وغیره که بنام ساعات کارهمه را مشغول ساخته‌است همه بذات خود قوه جسمانی و دماغی‌بشر را خسته و فر سوده میسازد .

چنین تصور میشود که بعد ازختم کار حتما در خانه استراحت خواهد شد . و لی کجاست ! رشد وانکشاف تخنیك امروزی در هرکجا که باشیم باز هم ما را تعقیب میکند شور وآواز درجاده ها،ترانزیستور ورادیو،گریه وناله اطفال ، لودسپیکر های حق وناحق منازل و کافی ها وغیره برخلاف باعث نارامی بشر میشوند. علاوه بر آن خرابی واز بین رفتن طبیعت (نباتات و گلها استفا د ه بیشتر مواد کیمیاوی، عطر یات کاسمیتیك‌ها، اتومات وغیره بالاخره در سال ١٩٨٠ یك انسان نا آرا م، خسته و عصبی ایکه مسلسل جهت تسکین از ادویه های مسکن(اضافه از اندازه معینه) استفاده کرده وهم دلسرد و ضعیف خواهیم یافت که دایما نا را م و تحت فشار رو حی قرار گرفته بالاخره افسرده ومعتاد بار خواهد آمد .

چه باید کرد؟

متخصصین ر وانشناسی و دانشمندان طب از مدتهاست که باین پروبلم ها در مجادله و برای طرز جدید حیات و طراوت جسم و دماغ طرق بهتر و زهبری شده ای راپیشں بینی‌کرده‌اند که‌از استفاده آن نتایج بهتری نیز حا صل شده است .

پرهیز گاری لازمه : ارگانیزم‌بشر برای موازنه و بر قراری قوه وانرجی وهم چنین سلامتی و جود بموادلازمی احتیاج دارد که مهمترین آن پروتین هاست که برای وجوه قوه لازم، تهیه میدارد همچنین پروتین حیوانی (از قبیل ماهی ، گوشت، تخم، پنیر ، شیر و ماست) پروتین نباتی(کاهو فاسو لیه ،کچالو وغیره گذشته از

بقیه در صفحه ٦٣

میکانیزم خستگی های دماغی. اولین‌حمله خستگی‌بالای دماغ بعدا تاثیرآن‌بالای گرده ها، قلب وعضلات‌می‌افتد میکانیزم خستگی های فزیکی در این صورت اولتر از همه جگر را متاثرساخته سپس به عضلات، گرده ها و شش ها سرایت میکند .

قلت موادغذائی در جهان

ترجمه ازمجله نیوزویک

آیاد نیامیتوا ندخودرا تغذیه کند؟ بتاریخ ۱۵ عقرب ۱۳۰ کشور گردهم جمع شد ندو بحران متز اید قلت مواد غذائی را مورد بحث قراردادند

مشکل گرسنگی در آسیا وافریقا هرآن بیشتر میشود .

گرسنکی برای اکثر امریکا ئیان یك چیز بیگانه است. هنوز مدت مدیدی ازآن زمان نمیگذرد که تولیدات اراضی زراعتی ایالات غنی آمریکا ازنظر حاصلات از پیمانه ها و گدامها سرریزه کرده بود وحکومت به دهاقین پول میداد تااراضی خودرا بی زرع بگذا رند آنچه که (بنام انقلاب سبز) یاد میشدمتوجه دستگیری سایر کشور های جهان بو د. بزودی وبیکبارگی گرسنگی به پیمانه بیسابقه برجهان مستولی گردید واین امکان بمیـان آمدکه جهان بسوی قلت وفقدان مواد غذایی شا ید پیش رود. یکتعداد از متخصصین باین عقیده اند که امریکا میتواند برای یك مد ت درازی دربحر گرسنگی بحیث جزیره دفرت وفراوانی باقی بماند . هفته گذ شته یك متخصص زراعتی اخطار داد ((ماشاید بزودی آغاز ازبین رفتن مدنیت خودرا به بینیم مکر اینکه بشر بادرایت وکفایت کافی خـو د بتواند یك سیستم بهتر امنیت غذایی را پی ریزی کند)).

این نوع پیش بینی هایی که صبغهٔ نظریه مالیتوس را دارد قبلاهم ابراز گردیده است. امامعمای قلت مواد غذایی که بالرآن اطفال درافریقا وآسیا گرسنه بسر می برند ودرایالت وسکانسن امریکا گوساله هابعنوان پرو تست علیه قیمت های مواد غذایی مورد گلو له باری قرار می گیرند در کنفرانس جهانی مـو اد غذایی موسسه ملل متحد منعقده روم اندیشه متخصصین جهان راتشکیل میدهد ا کـشـر احصائیه های غذایی نشان میدهدکه امـروز لااقل ٤٦٠ ملیون نفر معروض تهدیدگرسنگی می باشند . باحتمال غالب تا اخیر سال جاری ده ملیون نفر که اکثر ایشان را اطفال کمتر ازسن پنج تشکیل میدهد ازگرسنگی هـلاك خواهندشد. بناء قسمت زیاد از مردم جهان چشم انتظار وکمك بسوی هیات ٤٠ عـضوی امریکا در کنفرانس روم دارند. اما ذخایـر امریکا درحال حاضر نسبتا خالی به نـــظر میرسد.

هنـری کیسنجر و زیر خارجه امریـکا اخیراً اعلام کرد که ایالات متحده امریـکا بحیث یك کشور بزرگ تولید جهان کـه از ناحیه مولدیت وتکنالوژی پیشرفته شهر ت دارد باید در حل مسایل یك قدم فرا خی رابه پیش بگذارد . ولی این یك پرابلـم جها نی ا ست و مستلز م حل جها نی می باشد.

دریافت اسباب ومو جبات این بحر ان آنقدر سخت نیست در دوسال گذشته تقریبا هرچیزیکه میتواند در تولید و تو زیع غـذا تاثیر منفی وارد آرد، واقعا تاثیر منفی خودرا بجا گذاشت . سیلابها ،خشکسالی ها، و طوفانها حاصلات زیاد رادر هند،افریقا،اتحاد شوروی ،وقسمت های مختلف چین وایالات متحده امریکا متاثر ساخت وازبین برد. یـك بحران بـزرگـ جـهان بـه شمول نـفـت قلت مصیبت باری را در تولید کودکیمیاوی بوجود آورد وبالنتیجه قیمت کشت وزراعت حاصلات زراعتی و حمل ونقل حبوبات رابالا برد وجریان نفت رادر واتر پمپ های مزارع شالی وبرنج پنجاب وجاپان که تحت پروگرام انقلاب سبز براه افتاده بود قطع کرد درعین حال نفوس جهان به تکثر خود به پیما نـهٔ ۹۳ ملیون نفر در فی سال ادامه داد. ایـن رقم به متخصصین پلان گذاری جهان ایـن اندیشه را دارد که باید تاسال ۲۰۰۰ تولیدات غذایی افزایش یابد و معیار تولیدات پا ئین آورده شود ویااینکه کدام اقدام دیگردرزمینه بعمل آید یکی از تحلیل کنند گان اوضاع غذایی جهان با تشویش ونگرانی اظهارداشت: ((بعد از سال مذکور سرپو ش دیگ بخار انفلاق خواهد کرد ؟ »

اگر قرار باشد که بحران غذایی جهـان حل گردد ایالات متحده امریکا بحیث یکی از بزرگترین تولید کننده مواد غذایی نه تنهادر حل بحران غذایی زعامت رابدست گیرد بلکه مواد غذایی مورد ضرورت را تاجاییکه توان دارد تهیه وعرضه نماید. و لی مردم امر یک در ده سال اخیر در برابر یك سلسله بحران های تقریبا پی درپی مانند حقوق مدنی،ویتنام واترگیت، انفلاسیون ،انرژی واکنون مـو اد غذایی قرار گرفته اند. اینکه آیارای دهندگان امریکا که قبلااز قیمت نان در سوپرمارکیت حرفها میگفتند حاضرند تاسیاست کمـك مواد غذایی بجهان خارج راقبول میکنند و یا خیر موضو عیست که هنوز بحال خود باقی مانده است ،حتی دربلند ترین مقامات حکو مـت امریکا مانند «ارل تبز» وزیر زراعت وهنری کیسنجر وزیر خارجه امریکا که به حـل بحران مواد غذایی بسویه بین المللی معتقدند درین حصه به مشکلا تی مواجه می باشند.

بهرحال وقت برای حل این بحـران از دست میرود. دربنگله دیش نفوس شهر داکه مرکز بنگله یش که به چهار صد هزارنفـر رسیده است درتلاش آنند تااز خطر قحطی باطراف واکناف کشور خود فرار نمایند . مجیب الرحمن رهبر بنگله دیش به تعداد ٤٣٠٠ مطبخ شور باپزی رادر اطراف کشور ساخته تابامردم در وضع گرسنگی کمك نماید.

روزنامه های هندی راپور های زیاد ی درمورد آنانیکه به قحطی موادغذایی دچاراستند همواره مطالبی نشر مینماید.

درچاد شمالی، قسمتی از افریقای مر کزی که ازناحیه هشت سال خشکسالی درمخمصـه می باشند یك گروپ از والدین از یك متخصص عملیه نجات ملل متحد التماس نمودند که در هنگامیکه مرض دفتری بسویهٔ اپیدمیك شیوع می یابد برای اطفال شان ادویه بفرستند. این گروپ اظهار داشتند که بهتر ست اطفال شان مستقیما از امراض اپیدمیك بمیرند تااینکه ازگرسنگی مداوم رنج برند ویاطوری بز رگ شوند که نسبت سوء تغذی دارای روح ودماغ های فلج شده باشند .

این دهشت ها واضطرابات از چندسال بدینطرف در اذهان بشر تراکم نموده است. شش سال قبل ، فیلسوف اجتماعی انگلستان ((سی پی سنو)) پیش بینی کردکه یکتعداد از مردم جهان روی مواد غذایی محدود دربین سالهای ۱۹۷۵ و ۱۹۸۰ بجان همدیگر خواهند افتند . وی خاطر نشان ساخت که همین امر یابه قحطی منطقوی منجر خواهدشد ویااینکه

حیات بشر را تهدید میکند

قحطی های منطقوی بــه «دریای گــرسنگی» سرایت خواهدکرد.

ازختم جنگ دوم جهانی بدینطرف جهـان برذخایر مازاد غله‌جات کشور های عــمد ه صادر کنندهٔ جهان چون ایالات متحده امریکا کانادا، استرالیا وارژانتین بحیث قدرت‌های استقرار دهنده قیم ومبارزین قحطی اتــکاء نموده است اکنون درحالیکه قیمت‌ها بلنــد میروند مواد غذایی کم می شوند . درسال ۱۹٦۱ ذخایر غله‌جات ۱۷۰ ملیون تن‌رسیده بود، این مقدار کافی بود تاجهان رابرای۹۵ روز تغذیه نماید. درسال جاری ذخایرمذکور باندازه پائین آمده که‌فقط نفوس جهان‌رابرای ۲۲روز اعاشه میکند.

متخصصین پیش بینی میکنند که تابهار آینده جهان به‌سیستم جیره‌بندی که تحت‌آن فقط درهفت هشت روز به‌فامیل هامواد‌غذ ایی داده خواهد شد ر جــو ع خــو ا هــد کرد.

احصائیه های عمومی موجوده نمیتواند بر چهره هولناك میزنان افراد دربسیاری ازنقاط جهان روشنا یی درست اندازد. در کشو ر های روبه انکشاف سالانــه م ٤۰ پــونــد غله بصورت وسطی به‌مرد،زن، وطفل خواهد رسید. غالبا تمام این مقدار قلیل پخته شده وخورده می شود تاحداقل احتیاج انر ژ ی انسانها مر فوع‌گردد.

درآسیا وافریقا تقریبا یکربع نفو س۲۰۷ بلیون‌افریقایی روی یك غذای‌بخور و نمیــر حیات‌خودرا بسر می‌برند . این غذا بمراتب پائین تر از یکهزار کالوریست که روزا نه یك انسان برای اینکه قدری فعال باشـــد احتیاج دارد . یکی از مامورین مو سســه ملل متحدهفتهٔ‌گذشته اظهار داشت:((پرابلم غذا امروز غالبا از جدی ترین پرابلم های تاریخ جهان می‌باشد .))

این پرابلم امروز حیات صد ها ملیو ن انسان رادر سراسر جهان تهدید میکند.

مقصد اینست که بااینکه ظلمت بحـران را کسی‌د ر کنج وکنار نمی بیند ولی‌خطر اصلی درقبال است. یکی از اقتصاد دا نان امریکا بنام‌دون برلبرگ اظهار داشت:((تادهٔ آینده احتمال زیاد میرود که تولیدات غذایی نیم قدم پیشتر از نفوس باشد. امابعدازآن میزان‌تولدات‌ازاندازه‌بالارفته وتولیدات‌غذایی جهان با معیار های مو جوده آن نخوا هد توانست جلو دنبال نفوس‌را بگیرد. پروفیسور میسارو یك ، استاد پوهنتون «کیس‌ویسترن ریزرف» طی یك سلسله تحقیقات‌نشان‌داده است که‌نفوس ۱۰۳ بلیونی جنوب آ سیا در آغاز قرن‌جدید نمیتواند بحال خود مستقربماند «فلیپ هندلر»رئیس اکادمی ملی‌علوم امریکا گفت: اگربه معیار تولدات فعلی .این منطقه جهان کدام تغییری رخ‌ندهد آنقدر بحر ان اقتصادی دامن این منطقه را بگیرد که دیگر انگیزهٔ برای کنترو ل ولدات وجود نخوا هد داشت. اگر این حالت تا سال ۲۰۲۵ ادامه پیداکند ماهانه یك ملیون طفل از گرسنگی هلاك خوا هدشد.

بااینکه این رقم یك رقم تعجب آو[illegible] معلوم میشود معهذا این حالت میتواندبو به‌پیوندد. «سیکو مانشولت»رئیس سابق [illegible] اقتصادی اروپا گفت: بدبختانه ما [illegible] حل بحران وقتی آمادگی میگیریم که [illegible] کنار مخاك آن رسیده باشیم .

این امر درمورد بحران بو قوع‌پیو ست ودر مورد بحران غذ ایی که یقینا آمدنیست صورت خواهدگرفت . سوال اینست که‌چرا؟ در روی اتلس جها ن مامی بینم‌که جها ن دارای اراضی زراعتی کافیست که بتو اند مردمان خودرا تغذیه کند. در حــدود ۳۰۵ بلیون ایکر زمین همین اکنون قلبه می‌شود ومتخصصین تخمین میکنند که ٦۰٦ بــلیون ایکر زمین دیگر میشود تحت زراعت بیاید درصورتیکه حکومات کشور های جهان حاضر باشند مصارف پلان های انکشافی رابپردازند. درایالات متحده امریکا دوازده ایالت غر ب وسطی به‌تنهایی آنقدر حاصلخیز ثابت‌شده‌اند که دهاقین امریکایی که یك برده‌هم‌حصهٔ‌یك فیصد نفوس جهان را تشکیل مید هند،برای مدت های درازی لااقل ۲۵ فیصد از مردمان خودرا تغذیه کرده‌اند.

اما درسال جاری درایالات غرب ووسطی امریکا یك بهار مرطوب غیر معمول دهاقیــن رااز نقل دادن تراکتور های ثقیل بمزارع مانع آمد .وبعدازاینکه دهاقین‌مذکور تخم های بذری رادر دل‌زمین پاشیدند باران های شدید آنها رااز بین بردو باثرآن بعضی ازدهاقین ســه مرتبه تخم پاشیدند بعدآ یك خشکسالی‌شدید آمد که درنتیجه آن حاصلات دربین مــواسم نشو ونمای مزارع خشك شد .بالاخره درماه سپتمبر گذشته یك خنك قبل‌ازوقت بیاری ازحاصلات جواری وسای بن راکه ازبحران‌های جوی سابق یافته بودنداز‌بین برد نتیجه آنهمه حوادث قلت غله جات وصعود حتمی‌قیمت‌ها بودبعضی ازمتخصصین معتقد ندکــه ایالات غرب وسطی امریکا بسوی‌یك دوره خشکسالی پیش می‌رود .

مصایب اقلیمی مشابه به کشور هــای دوردست جهان چون اتحاد شوروی،چیــن‌و کانادا رانیز متاثر ساخته اســـت بعضی از متخصصین هواشناسی استدلال مینمایند کــه تغییرات بزرگ جوی میتواند تولیدات غذائی را[illegible] خساره مند سازد .

[illegible]ون » مدیرانستیتوت مطالعات [illegible] ایالت دستگانسرن‌امریکااظهار داشت که‌ش[illegible]هد بصراحت نشان میدهد اقلیم [illegible]ستقامتی روان است که‌امیدوار [illegible] نیست بکه[illegible] بریسون انجماد وگرم شدن متناوب کوههای برف قطبی شدیدآاقلیم‌جهان رامتاثر می‌سازد .وی میگوید هنکامیکه ایــن قله‌های برف قطبی سرد می‌شوند این امــر باعث ایجاد خشکسالی ها،بارانهای شدیــدو سیلابهای وسیع میگردد .عین پدیده سبــب تغیر بارانهای موسمی بطرف جنوب گردیده که‌باثر آن قسمت های وسیع آسیا درموسم‌و برنج کاری خشك مانده است .بریسون هفته گذشته به‌نمایندگان پانزده کشور آسیائی در یك کنفرانس تولیدات مواد غذائی منعقده‌توکیو گفت .جهان داخل یك‌دوره می‌شود کــه‌درآن تولیدات مواد غذائی کم شده میرود وی علاوه کرد اگر اقدامات وسیع درزمینه اتخاذنگردد حیات ملیون ها مردم درسراسر جهان بخطر تهدید خواهد شد .

بحران انرژی تاثیر منفی مشابهی برمواد غذائی جهان داشته است کشور های عضــو موسسه صادر کنندگان نفت یعنی (اوپــك) حجم تولیدات موادکیمیاوی راکه متکی بر‌پطرول می‌باشد ازطریق تقلیل‌درتولیدات‌پطرول پائین آوردند . این‌کشورهااز طریق‌پنج‌فیصد بلند بردن قیمت نفت کودکمیاوی راتقریباً ازدست کشور های انکشاف نیافته دور نگهداشتند. اولین هدف این اقدام‌متاثر ساختن انقلاب‌سبز رادر خودجهان سوم است .دوکتور نارمن‌بور لاگ برنده جایزه نوبل که‌خود متخصص‌مواد غذائیست اظهار داشت :یك ملیون تن تقلیل

لطفا ورق بزنید

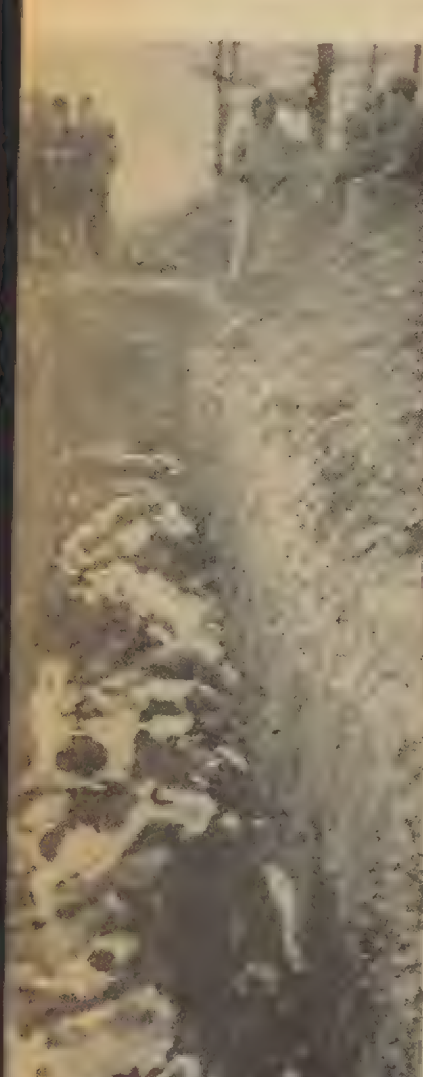

در ایالت و سکانسن امریکا گوساله ها بعنوان پروتست علیه قیمت های مواد غذایی مورد گلوله باری قرار میگیرند . صفحه۱۷

قلت مواد غذائی

مواد عذایی درکودکیمیاوی باعث‌تقلیل‌ده‌ملیون تن درتولیدات غله جات میگردد ۰کشور های که‌در تهیه اسعار خارجی تاکید کرده انداکنون مجبورند تاغله واز خارج برای دفع گرسنگی مردم خود وارد نمایند ۰

ریتل شنت یک‌متخصص‌کمپنی کودکیمیاوی شیکاگو گفت درمقابل‌ارزش‌هردالر کودکیمیاوی که‌بنگله دیش امسال نمیتواند خریداری‌نماید این کشور مجبور است تامعادل پنج دالر غذا سال آینده تورید نماید ۰

اگر موضوع راخرابتر تصور کنیم بحرکه زمانی بحیث‌یک‌منبع‌غذائی‌غیرقابل خلاص‌شدنی تلقی میشد بیش ازاین دیگر یک‌منبع وفرت وفراوانی نیست بین سالهای ۱۹۵۰ و۱۹۷۰ ماهیگیری از۲۱ ملیون تن به۷۰ ملیون تن بالارفت مهذا درچهار سال گذشته ماهی‌های ترادلر درآب به‌سطح بالاتر بسواحل مراجعت نموده‌اند گذشته ازاین اکنون غذاهای که‌از ماهی برای تغذی مرغها وغیره تهیه میشود بمشکل درسواحل چیلی وپیرو پیدا میگردد. تصادمات برسر حقوق ماهیگیری درآبهای بحر همیشه صورت گرفته ودرحال شدت یافتن میباشد. تاوقتیکه همکاری بین المللی بهبود نمی یابد جنگ سرد نظر آنچه‌که‌بین‌ماهیگیران انگلیسی وآیسلندی صورت مگیرد در آینده بین کشور های دیگر جهان درمورد آنچه که دربحر باقی مانده است‌بوقوع خواهد پیوست۰

کشور های جهان قبلا برقابت درحاصل کردن میوه زمین آغاز کرده اند دوسال قبل، هوای غیر مساعدو حاصلات کم اتحاد شوروی راوادار ساخت تابا دوکمپنی بزرگ امریکائی درمورد صدور چهارصد میلیون تن گندم‌به شوروی معاهده عقد نماید ۰

مقدار گندم مذکور معادل یک برپنج حصه حاصلات غله امریکابود۰ صدور گندم‌خریداری شده اتحاد شوروی به‌آنکشور که‌قیمت آن‌بالغ به‌یک بلیون دالر می‌شد مقدار گندم رادربازار های داخلی امریکا پائین آوردو باعث بلند رفتن قیم غله جات بطور بیسابقه درامریکا تردید کشور های فقیر از ناحیه قلت عرضه گندم در امریکاقیل وقال نمودند .امریکائیان قیمت غله رادرسوپر مارکیت های آنکشوردر حال صعود یافتند ۰

بتز وزیر زراعت امریکا اظهار میدارد که‌یک قیمت خوب آنست که تولیدات بیشتر راتقویه وتحریک کند ۰وی باخوشبینی که‌درین زمینه دارد معتقد است که بحران غذایی جهان یک پدیده گذری است وی میگوید ماهمیشه درجهان مردمان گرسنه داشته‌ایم فکر میکنم که‌اوضاع موجوده غذائی جهان جدی است ولی یک‌بحران نیست به‌نظروی دهقان امریکائی میتواند سبدنان جهان را پرکند مشروط بر اینکه بوی انگیزه درستی یعنی پول بیشتر تهیه گردد ۰

وزیر زراعت امریکا فکر میکند که میتواند بیلانس تادیات امریکا رااز طریق فروش‌مواد غذایی به‌جهان خارج ببهبود بخشد ۰

این امر بمشابه دست به‌شمشیر زدن است دوهفته قبـل اداره تحقیقات اقتصادی وزارت زراعت امریکااز‌روی یک‌پروژه مطالعاتی اظهار داشت که‌تا سال ۱۹۸۵ باندازه۵۱۰۹ ملیون تن غله ما در کشور های انکشاف یافته وجود خواهد داشت ودرعین حـال در کشور های انکشاف نیافته ۴۷۰۶ ملیون تـن غله‌کمتر ازاحتیاج شان خواهد بود

ازاین خلاوفاصله بحیث یک‌حربهٔ سیاسی دربحران نفت استفاده شده وخواهد شدزیرا این امربه کشور های مستعد اجازه خواهدداد تابر کشور های جهان سوم که‌از ناحیـه تولیدات غله فقیر می‌باشند فشار وارد کنند تاکشور های اوپک راوادار سازند که قیمت های نفت را پائین آورد. کیسنجر درشبـی انعقاد کنفرانس روم تعهدات جدید امریکا رابرای‌تهیه موادغذائی ودادن‌کمک های‌تخنیکی اعلان نموده ضمناً ازکشورهای غنی دیگربکبار دیگر تقاضاکندتا درپهلوی‌ایالات متحده امریکا کمک های خودرا افزایش دهند گرچه درین تقاضا کیسنجر ازکشور های تولید کننده‌نفت بصراحت نام نبرد ولی معاونین وی گفتند که مقصد کیسنجر کشور های مذکوربوده‌است بحران‌نفت بااین پس منظر درکنفرانس‌روم راه‌یافت انتظار میرود این‌کنفرانس که‌در آن یکهزار نماینده از ۱۳۰ کشور گردهم جمع آمده اند وبرای ده روز دوام کرد زمینه‌را بیشتر برای تولید حرارت‌نسبت به‌برق مساعد سازد مـامورین موسسه غذا وزراعت ملل متحد امید وارند تانظریات تازه رااارائه کنند ازقبیل تشکیل یک‌اداره جهانی‌مواد غذائی‌که ازمو سسات موجوده درین رشته نظارت کند تاسیس‌یک سیستم ابتکاریه قبلی‌که‌حاصلات خراب راپیش بینی کند وتهیه یک‌ذخیره‌بین المللی مواد غذائی باندازه ۵۰۰٬۰۰۰ تن غله تادر مواقع قحطی ازآن استفاده بعمل آیـد. باتقلیل چهل فیصد کمک های امریکا درمورد صدور مواد غذائی نسبت به‌دو سال گذشته، هیات نمایندگی ، امریکا درکنفرانس روم‌موقف ضعیف وخراب گرفته آند چه امریکا دریـن وقتیکه ازآن تقاضا می‌شود تاکمک های‌بیشتری رابه کشور های گرسنه جهان بدهند نسبت به‌دو سال قبل دارای مواد غذائی کمتر می باشد ۰وزیر زراعت امریکا بتز ،که این‌فشار راپیش بینی میکند اراده ندارد تاتعهد نماید که امریکا میتواند نقش یک کشوری را ایفا نماید که‌به تمام کشور های جهان غله مورد ضرورت شان را بدهد ۰

یکی از مامورین یو-اس -دی-ای امریکا گفت در صو ر تیکه قبـول شود کـه‌همه چیز طبق مامـول پیش رود با آنهـم دو سال درکار است تاما بتوانیم پرابلم‌های‌خود راتحت کنترول درآوریم ۰اگر شرایط اقلیمی سال آینده مارا بیشتر متاثـر سازد درآن صورت حل پرابلم های موجوده وقت درازتری راخواهد گرفت. درعین حال راه های حـل مورد غور وعلاقه قرار گرفته است ۰

ارستو فیلسوف یونانی فیصله نهائی طبیعت راچنین توضیح نموده (وقتا فوقتالازم است تامصایب قحطی وجنگی جلو انکشاف زندگی لوکس نژاد انسان رابگیرد) شایـد چنین باشد زیرا هنوز بکلی واضح نیست که انسانها به‌آن سویه رسیده باشند کـه‌اجازه دهند یکمقدار بیشتر خلا قیات مدنی در جهان حکمروائی کنند ۰

چطورمشکلات وپروبلم رهای‌گرسنگی‌ازبین‌برود درکنفرانس موادغذائی‌روم‌متخصصین برموضوع وفع‌گرسنگی بحث کردند. آنها میگو ینـد اگر درباره بحران غذائی جهان کاری صورت نگیرد فقط محول نمودن حل پرابلم ۰به آینده کاری رانخواهد انجام داد۰تکنالوژی که بتواند جهان رابصورت کافی تغذیه کند موجود است متخصصین زراعتی امریکا مطمن هستند که‌در طرف چند سال‌آینده برای‌یک دهقان امریکائی ممکن خواهد بود تا چنان حاصلات حیرت‌آوری رابدست آورد که بتواند درهر ساعت ۲۰ تن غذا راکه باویتامین ومواد معدنی غني شـده باشد برای خوراك مواشی دریلدستیک هـا بسته کند ۰

یکعده دیگرسیانس دانان اظهار امیدمیکنندکه حتی پرابلم های کشور هند میتواند باآنچـه که‌ایشان (۴۰۰ افغانی) میخوانند یعنی غذای بیشتر اسعار خارجی‌تیل‌وکودکیمیاوی حل‌گردد ولی توضیح وتشریح ادویه کـه بیماری گرسنگی جهان رامعالجه کندنسبت به‌استعمال این‌ادویه آسان تراست ازیک نگاه این امر مستلزم پول فراوان شاید صدها بلیون‌دالر درسال برای چندین سال باشد.

معهذا اگر فرضاًکشور های غنی تشویق

یک تن از اطفال قحطی زده

شوند تادر تغذی همنوعان خود کمك نمایند بازهم این پرابلم باسانی حل نخواهد شد.

برای حل این بحران ازطرق مختلف حرف رده می شود که ذیلا تقدیم میگردد .

درحال حاضر صرف یازده فیصد ازمجموع راضی جهان یعنی تقریبا ۳ر۵ بلیون ایگر تحت‌زراعت قراردارد هستند متخصصین‌زراعتی که‌عقیده دارند ساحات وسیع دیگر روی زمین که‌بالغ بـه۶ر۶ بلیون ایگـر زمیـن میشود میتواند به‌اراضی زراعتی تبدیل شوند .

۱- اراضی زراعتی جدید:

آنها از آسیا که‌تقریباً ۸۵ فیصد اراضی زراعتی آن‌تحت زراعت میباشد حرف نمـی زنند آنها درین‌محاسبه‌خود غالبا متوجه‌جنگل های دوردست وادی‌دریای آمازون‌وقسمت‌های فریقای غربی بوده اند ۱۰ از نظر فنی همچـو توسعه زمین های زراعتی یك چیز غیرممکـن نیست .

معهذا پرابلم اسا سی پرابلم مـالیست بسیاری اززمین های قابل قلبه وزراعت با مصارف قابل قبول قبلاتحت زواعت‌آمده‌است، سالانه ٤بلیون دالر دیگر بکار است تابیست ملیون ایکر زمین‌تاسال ۱۹۸۵به‌مجموع زمین های زراعتی جهان علاوه شود ۱۰اگر مضـرف زراعتی ساختن‌یك ایکر زمین‌را دوهزاردالر تخمین کنیم درآنصورت برای اینکه ۶۰۶بلیون ایکر زمین راتحت زراعت درآوریم بانـدازه ۱۳۰۲ تریلیون دالر درکار است تااین مامول بدست آید .

ستر یرون یکی‌از متخصصین پرابلم مواد غذائی جهان ضمن تبصره گفت: آنهائیکه از افزایش مزیدزمین های زراعتی‌روی جهان‌حرف می‌زنند پرابلم مصرف رادرنظر نمی‌گیرنداگر شما خواسته باشید تامصرف رابدهید شمـا میتوانید دامنه های کوه ایورست رازرع‌نمائید

۲ـحاصلات بهتر

در سالهای بین ۱۹۶۰ و۱۹۷۰ تولیدات مواد غذائی مهم حیاتی چون گندم ،وبرنج‌بـه پیمانه بسیار وسعیی ازبرکت پروگرام های (انقلاب سبز) بـالارفت تخم های جـدیـده ممجز آسیا سیستم های توسعه‌یافته آبیاری وتطبیق کودهای کمیاوی دهقانان رامخصوصاً درنقاط کم‌غذای آسیا قادر ساخت تاحاصلات زیادی رابدست آرند معهذا این تزاید بیسابقه درحاصلات زراعتی متاسفانـه فقط جـهان‌را همانقدر قادر ساخت تاباتکثر سریع نفوس جهان همگام شود .

خوشبینان معتقدند که تکنالوژی معاصـر میتواند حاصل زیاد تری ازیك ایکر زمیـــن زراعتی بدست آورد درحقیقت ساینس دانـان وسایل جدیدتر وتخم های بذری مولد تـررا انکشاف داده اند یك تجربه علمی درصـدد آنست تاگندم‌رابلویشه های‌سای‌بین (پلی‌باب) پیوند نماید زیرا گندم به نایتروجن ضرورت دارد وسای بین نایتروجن خودرا خود تولید می‌کند اما بسیاری ازین تجارب انکشافی‌تهیه آب‌وافر رادر کار دارد تا بصورت موثر نتیجه بدهد پلان‌های وسیع وبزرگ‌دیگرچون‌شیرین ساختن آبهای شور بحر بسیار پرمصرف وپر قیمت بوده وباحتمال غالب عامل بزرگـی در بهبود سیستم‌تهیه آب‌جهانی ثابت نخواهدشد

همچنین ارزش پروژه‌های بزرگ کنترول شرایط اقلیمی چون ایجاد ابرها تا حـــال مشکوك به‌نظر میرسد .

کلید اساسی برای ازدیاد تولیدات غذائی درکشور های روبا نکشاف انرژی ارزان می باشد ۰برای فعال ساختن وبکار انداختـــن ماشین های زراعتی پمپ های آبیاری ،وتولید کودکمیاوی مقدار زیاد تیل درکار است .

بلند رفتن قیم ضد قیمت های نفت دوظرف دوسال گذشته تاثیر ناگوار وزیان آوری دابر اراضی زراعتی کشور های‌فقیر سرجاگذاشت پشنهاداتی بعمل آمده که امریکا ئیان بایـد استعمال کود کیمیاوی را درمزرعه ها، خانه ها درسرك هاوجاهای مشابه دیگرکمترسازند تاکود کمیاوی به‌مقدار زیاد به‌کشور های خارج جهت تقویه حاصلات زراعتی شان صادرگردداما نه ایالات متحده امریکاونه کدام کشور غنی‌دیگر جهان حاضر خواهند بودتا باین نوع فداکاری‌ها دست زند .

۳-کنترول نفوس:

تمام متخصصین زراعتی باین امر موافقه دارند که‌جهان هیچگا هی قادر نخواهد شد تا نفوس خودرا بصورت درست تغذیه کند مگر اینگه میزان تکثر نفوس که اکنون سالانه‌بـه ۲۰٤ فیصد میرسد به صفر فیصد پائین آید.

درحال حاضر سالانه ۲۵۰ ملیون دالر از ظرف منابع عامه ومنابع شخصی در راه پلان گذاری خانواده ها بمصرف میرسد این مبلغ واضحاً غیر کافی بوده ویکمقدار زیاد دیمـو گرافرها معتقدند که برای اینکه‌پراگرام‌پلان گذاری فامیلی تاثیر مهمی رادر کنترول نفوس جهان وارد کند سالانه یك‌بلیون دالر ضرورت است. یکعده دیگر باندازه‌درین زمینه‌مایوس اندکه فکر می‌کنند باید حکومت هاپراگرام‌های کنترول نفوس اجباری رابرای جلو گیری از مصیبت تکثر نفوس وپرابلم غذائی جهان‌براه اندازند .

۴ـمواد غذائی جدید .

درطول سالهای متمادی ساینس دانان‌و متخصصین مواد غذائی بعداز انجام یك‌سلسله تجربیات لابراتواری‌اکتشافات‌جدید رااز‌قبیل تولید مواد غذائی ازتیل ،وتولید مواد غذائی پروتین دار ازبرگهای درختان وغیره رااعلام نموده اند .

همین قسم یك‌تعداد مواد دیگرومخلوط حبوبات وغیره بحیث مواد غذائی طرف استفاده قرار گرفته ومارکیتهای بعضی کشـور های جهان مورد خرید وفروش قرار گرفته است .

اما تاکنون ذوق انسانی وقیمت های زیاد غذا هائیکه که‌باید جانشین غذا های مروجـه گردد مانع تعویض غذاهای معمول گـریـده است همچنین متخصصین مواد غذائی ازمدت های درازی بدینطرف خواب کشت وزراعت رادر بحرزده‌اند تاذخایر ماهی‌رابرای استهلاك انسانی ازدیاد بخشند .

باقبول مصارف گزاف وفقدان اراده‌بیـن المللی درین امر ،بازهم دلیلی موجود نیست که‌معتقد شویم بحر درسالهای آینده میتواند غذای زیاد تر انسانها راتهیهٔ کند ۰درحقیقت احصائیه های موجوده نشان میدهد که باثـر کثیف شدن وآلودگی ابحار وبه‌نسبت ماهـی گیری بیش از اندازه‌حجم‌ماهی گیری‌بالتدریج روبه پائین نهاده است .

۵-کمتر غذاخوردن.

بعضی از متخصصین باین عقیده اند کـه یکی ازطرق عملی تهیه‌موادغذائی به‌مردمان‌محتاج جهان وتقلیل پروتین‌حیوانی ازطرف کشورهای غنـ می‌باشد‌برای‌تولید‌یك‌پوند‌گوشت‌گاو‌هفت پوند حبوبات‌وغله ضرورت است‌ژان‌صیریکی ازمتخصصن مواد غذائی میگوید :(اگر امریکا ئیان ده‌فیصد از گوشتی راکه میخورندکمتر استهلاك نمایند غله کافی برای تغذیـــه ۶۰ ملیون نفر صرفه جوئی خواهند کرد .

برعلاوه تخمین شده که امریکائی هابیست ونیم فیصد ازغذایی راکه میخورند ضایع‌می سازند اگر اضافه خوری شان هم درنظر گرفته شود این، رقم به ۵۰ فیصد خواهد رسید.

معهذا پیشنهادات‌برای اینکه امریکا ئیـان استهلاك موادغذائی خودراتقلیل دهند ناگزیرا به‌مخالفت ها مواجه شوند.

هنگامیکه سناتور هیوبرت همفری پیشنهادکرد که‌امریکائیان باید یك همبرگر کمتر درقتی

بقیه‌درصفحه ۶۱

لیکونکی : آدری مثلی تکر

ژباړ ونکی: عنایت الله محرابی

لالهانده مینه

ستیفن په‌نرمی سره پوښتنه‌وکړه:«دنورو جراحتونو په‌مقابل‌کی دیوه سپر په توګه ؟ آیا داهغه څه‌نه‌دی چه‌ته‌یې دماکس څخه غواړی ؟»

هغی‌په هیجانی توګه وویل :«نه! هوا! سرپیږی ، راځه چه دننه ولاړ شو .»

ستیفن ترکوره پوری له‌هغی سره ولاړ .. ښکاریده چه‌نور څه‌شی‌دویلو دپاره‌نه‌دی پاتی داوسپنی دروازو سره ستیفن دتانیا خواته ورنژدی شو او خپلی شونډی یی دهغی له یارخوسره ونښلولی بیایی ورته وویل:شپه په‌خیر تانیا ،هیله کوم چه‌آرام خوب وکړی.

اوله هغی څخه روان شو .هغوی دبیاملاقات دپاره کوم پلان جوړنه‌کړ .کله چه ستیفن سبا سهار هغی ته تیلفون وکړ ،هغه دباندی تللی‌وه .ستیفن هغه ورځ په ناکراری سره تیره کړه ،کله به‌یی لامبل اوکله به‌دلمر وړانګو ته وغځید خوټوله‌ورځ دهغی‌په فکرکی وو. بله‌ورځ یی‌هغه‌ایی له‌ساحل څخه‌دراستیندو په وخت کی‌ولیدله .هغه دکافی په‌څنګ کی یوازی ناسته وه‌او ډیره دزړه سوی وړښکاره کیده‌د قهوی‌یوه پیاله یی‌هم مخی ته‌پرته‌وه. ستیفن ورږغ کړ: سلام‌تانیا پرون چیری پټه شوی وی .)

(زه‌دیوه اوږده‌پلی رفتاردپاره دباندی ووتلم) (پدی ګرمی کی.)

پوهیږم خودا یوسوچ لیونتوب وو.هغی یوه مترخه مسکا وکړه اوویی ویل:«له‌ماسره څه قهوه وڅښه ، هغی دسترګو په‌کتوکی‌ویل (نه‌غواړم چه‌تردی زیات یوازی ږاوسم)

ستیفن وویل .«راځه‌چه سبا‌ته هغه اسپانیایی کلی وګورو»

هغوی دګوچنیانو په‌شان بی‌پرواوو په‌کلی کی تانیا ستیفن‌ته‌یو کوچنی‌کینتل‌شوی شکل‌رانیواو ده یوکوچنی دښیښی ونه‌هغی‌ته راالیوله چه‌پر څانګو باندی یی‌دوی کوتری ناستی وی.هغوی دغرمی‌ډوډی‌به‌کلی کی‌وخوړه‌اولاس په‌لاس کی‌دبس خو اته روان شوو .

تانیا کورته دستنیدوپه لار کی‌ستیفن‌ته وویل (مادأسپانوی (پایلا) پخول ښه زده‌کړی دی اویوه مانښامنی میلمستیا ستا پور وړی یم اته بجی څنګه دی ؟زه‌به درته په انتظارکی‌یم

زه‌به‌واقعا داسپانیا دی‌سفر څخه خوند اخلم) (آیادا سفرتر هغه‌سفر ښه‌دی چه تاد (لادی) سره وکړ ؟)

هغی په‌ساده آواز ږویل .(ته‌باید داډول پوښتنی ونه‌کړی .البته هغه وخت حالات بل ډول ووخواوس زما‌او دهغه ملګر تیاپای ته رسیدلی ده .زه‌له ماکس سره واده کوم‌او ورسره خوشاله به‌یم) .

زه‌هم همداهیله کوم .زماپه فکرکه څوک یوه خبره څان ته ډیر څله تلقین کړی هغه ریښتیا کیږی) .

هغی په‌تنده لهجه پوښتنه وکړه .

ته ولی له هری خبری څخه ناوړه‌استفاد کوی ؟)

(په عمرکی یوازی یوه لومړنی مینه وجود لری ،لیونی اوبی پروا مینه .خوخلك بلاخره لوییږی اودځوانی لومړی مرحلې یې تیریږی .حوتا هیڅ تغیرنه دی‌کړی .تــــه اوســـد احسا ساتو په‌یوه خلاکی ږاقع یی.‌ته دهیچا سره زوره علاقه نه‌لری .ته‌څان ته‌داوایی‌چه که دماکس سره واده وکړی هرڅه به‌سم‌شی خودا هغومره آسانه خبره نه‌ده .تاله اول سر څخه زما سره دصداقت اوریښتیا څخه کار اخیستی دی.اوس ددی وخت دی‌چه دخپل‌څان په‌برخه کی‌صادقه ږاوسی .فعلا ته‌مهربانـــی اوښه تفاهم ته‌ضرورت نلری بلکه بایدپه سره سینه دخپل‌څان‌په باب مفصل‌سوچ‌وکړی(

تانیا په قهر سره وویل. (زه‌دخپل ژوند تیرولو دطرنګوالی په باب ستا خبرو تــه ضرورت نلرم !) هغوی په‌پوره چوپتیاکی دښار خواته روان وو. کله چه‌بس هغــوی دښار په‌میدان کی‌کښته کړل تانیا وویـــل. (ستیفن زه‌تاسفه کوم آیاددوو خــوأراکـــو (بایلا) برابرول به‌زما ابدبختی سبب شی؟

ستیفن دهغی خواته ومسل .داناممکنه‌وه چه‌دیوی اوږدی مودی دپاره له‌هغی سره‌مرور پاتی شی .هغه دتانیا سره ریښتیا مینه‌درلوده خودامینه یی چندانی بریالی نه‌وه لیکن هغه له‌دی رخصتی څخه ډیری‌ښی خاطری درلودی.

هغه مانښام مخکی تردی چه‌ستیفن ته‌تانیا څخه جلاشی، هغه یی پخپلو متوکی‌ونیولـه

(زه‌نه پوهیږم څه‌وکړم .پوهیږم چه‌ته غواړی له‌ماکس سره واده وکړی ...

ستاسره ددرخصتی تیرول اوهغه وخت چه‌ته دسیندونودیوی ښاپیری په شان ښکا ریدی، زمادپاره دخوښی اوخوشحالی لحظی وی.دهغه آواز بیباکه ووخو سترګی یی‌یوازی دهغی سترګوته متوجه وی شونډی سری او وچی وی خو‌تانیادیوی‌شیبی‌دپاره دهغه په‌لاسونوکی پاتی شوه‌اوبیایی دهغه‌خپروته عیناپه‌هماغه‌لهجه چه‌ده امداد کړی وی ځواب ورکړ .

هغه ورځ چه‌دوی دواړه خپل دعلاقـــی وړجهیل ته‌دتګ په‌خیال کی‌وو،تانیاته‌یو‌تلګرام ورسید تانیاپه داسی حال‌کی چه‌هغه تلګرام یی‌په‌لاس کی‌ووستیفن ته‌دخپل کــور دروازه پرانستله .دهغی رنګ تښتیدلی ږواو پــه خیره کی‌یی دستومانی ښبی لیدل کیدی .هغی ستیفن ته‌وویل .

(ستیفن !دادماکس په‌باره‌کی دی‌هغه پریـوه تصادم کی‌تپی شوی .زه‌نه پوهیږم چه‌پیښه واقعاً څنګه ده‌خو هغه اوس په‌روغتون کی‌دی .داتلګرام (جولیا) رالیږلی دی زه‌باید یو څل کورته ولاړشم ...)

ستیفن یوعملی سړی وو.هغه تانیا‌په‌غیږ کی‌ونیوله اودیوه ماشوم غوندی یی‌آرامه کړه. هغه‌د هرڅه ترتیبات برابرکړل اوحتی‌دالوتکی سیټونه یی هم ریزرف کړل تانیا اعتراض وکړ .

دویستونه ؟اما ته‌نشی کولای خپلی رخصتـی لــــه دی‌امله قطع کړی .

(بیله هغه‌یی هم‌چندانی وخت‌نه ووپاتی. زه‌غواړم ستا سره ولاړشم) هغی‌پداسی حـال کی‌چه په‌ستر ګوکی یی‌امتنان او رضایت‌لیدل کیده ،دستیفن لاس‌ته فشار ورکړ وویی ویل ژوندی اوسی

هغوی دوریځو دیوه سیند پاسه چه‌دلمـــر طلایی رنګ ورکړی وو،د تانیا دکور خواته خپل سفر پیل کړ خوکله چه دلندن په‌هوایی ډګر کی‌کښته شول باران اوریده .

ستیفن وویل . زما موټر همدلته دی‌زه به دی کورته ورسوم .»

(زماکور ډیر لیری دی .... تااوس‌هم پوره زحمت ګاللی دی)دهغی سترګی داوښکو څخه ډکی وی .دستیفن کتلو هغه غلی‌کړه. تانیا ډیره ستومانه شوی وه .

دتانیا داصلی ښارپه منځ‌کی دتیریدو پــه وخت کی‌ستیفن دکورونو بیاودانول او هغـه نیمکاره کورونه ولیدل چه دماشومانو دلوبو دکورونو په‌شان ښکاریدل اولویو ماشینونو دهغو کانکریتی تختی سره نښلولی ستیفن‌په لویو ماشینو باندی دماکس نوم هم‌ولیدچه‌په غټوغټو تورو لیکل شوی‌وو تانیا په روغتون‌کی د(جولیا) په‌لیدو لوظاهراً حیرانه شوه ،هغه یی‌له ستیفن سره معرفی کړه اوهغوی یـی انتظار په کوټه کی یوازی پریښودل .

ستیفن (جولیا) ته‌وکتل هغه یوه کوچنی ،توروزمه ښایسته نجلی‌وه اوداسی ښکاریده چه‌ټوله شپه یی‌خوب نه‌وی کړی ستیفن‌له‌هغی څخه پوښتنه وکړه .(پیښه څه‌وه؟) څوکور جوړولو یو ماشین چپه شو، ماکس دهغـه چلوونکی ووهغه جوړیږی و ضعه یی‌ښه ده هغی برخپلو بی‌موجه ویښتانو باندی لاس تیرکړ اوزیاته یی‌کړه.(هغه وویل چه‌تانیاز اغوښتلوته ضرورت نشته).

ماکس دروغتون‌په‌شخصی برخه‌کی بستری وو. هغه بالښتونوته تکیه کړی‌وه پښی‌یـی پلاستر اومخ‌یی خوځایه پری شوی‌وو. دهغه دکټ تر څنګ یوتلفون‌پروت وواودهغه مخی ته‌یو میز پروت ووچه کاغذونه پرباندی خواره وه. هغه دخپل شخصیت له‌کبله پدغه حال‌کی هم‌کار کاوه .

تانیار ورږغ کړه .ماکس !)او غیږمی ور باندی راوګرزوله (څه‌درپیښی شوی دی؟)

(ګرانی ،له‌یوه تراکتور سره می‌مجادلـه کوله .لکه چه‌وینی‌زه مغلوب شوم .دوی‌پښی اویوه پښه‌می ماته‌شوه.زه‌به څوورځی‌ورووسته له‌روغتون څخه‌ووزم .راسپانیا څنګه‌وه ؟)

هغی پداسی حال کی‌چه دګناه احساس‌یی کاوه وی‌ویل :(ښه سفروو) بیایی هغه‌ښکل کړاوله څانه سره یی‌داسی فکروکړ :(ګرانـه ماکسه !ته‌ډیر مطمن اوبی توقعه سړی‌یی.زه په‌ژوندکی همداسی سړی غواړم چه‌په قدرت اومهربانی باندی یی اتکا کیدای شی.)

تانیا دستیفن په‌باب‌هم‌هغه ته‌خبری وکړی اوزیاته یی‌کړه (هغه زه‌کورته راوستم .آیادا یوه لویه مهربانی نه‌ده ؟)

(هوګرانی .ستاپوستکی ډیرښکلی نخودی رنګ غوره کړی دی .کله چه‌زه له‌دی رغتون څخه ووزم سمدستی به‌ولاړشو اوستادپاره‌به یوه ګوتمی انتخاب کړو .مادعسل دمیاشتــی دتیرو لودپاره یونان په‌نظر کی‌نیولی دی.ما تل غوښتل چه‌هلته ولاړ شم خوهیڅکله می وخت نه‌دی موندلی .په یاددی‌چه ماوعده کړی‌وه که‌په پوره اندازه‌پیسی پیداکړم‌یونان ته‌به څم؟)

هغی وروویل ۰(هوپه یادمی دی)۰
تانیاته بیازړی ورځی اوشپې وروپه یادشوی چه‌دوی دری واړه ـلاری ،ماکس اوتانیا پـه ښووړنځی کی‌ووااودښار پهٔیوه کافی کی‌یی‌د شیریخ خوړلو په‌ترځ کی‌دراتلو نکوپلانونوپه باب خبری کولی ۰هغی ته‌دنوموړی کافی‌دزاړه سبک ښیښینه یی لوښی اوړدی‌کاچوغی‌اودمرمر میزونه وروپه یاد شول .هغی ته‌داهم‌وروپه‌یاد شوه چه وروسته بیا هغوی دځوانی‌په‌لومړنیو کلنوکی خانته خپل خاص‌جهانونه په تخیـــل کی جوړول چه ځلانده او ښکلی بهٔیوو۰

ترڅوچه لاری یووخت وویـل ددی مدی کسپیړی دلی څخه زړه‌توری شوی دی ـ ولـــی ماکس ځان ته‌یوه جلاملګری نه‌پیداکوی؟تانیا په‌دغه وخت کی‌هیجانی وه‌اودیوه داسی شوق پرتیځ باندی واقع شوی‌وه چه‌پخپل ژوندکـــی دهغه مثال نه‌وولیدلی ۰یدی شوق کی‌هغه‌په وریځو باندی ګرزیده أوستوری بهٔیی سپینو ګلانوپه شان دخپل تخیل‌په‌خولی کی‌را تولول ۰یدی وختوکی هغی له‌لاری سره زیاته علاقه اومینه درلوده ۰

هغی بیاماکس ښکل کړاؤوعده یی‌ورکړه چه‌سبابه بیاورته راځی .کله چه‌هغه دانتظـــار کوټی ته ورسیده ،جولیا تللی وه .

ستیفن وویل ۰(هغی‌وویل چه‌بیابه‌یووخت ستا سره وګوری (هغه لمړځه مرور شـــو او ورویی زیاته کړه :(هغه له‌ماکس سره مینه لری) تانیا کړه:(هغه‌ته ماکس ســـره مینه (مګر دانا معلومه ده‌ته‌دڅه لـــه‌مخی ویلای شی چه داســـی ده ؟)
(دهغی له‌خیری څخه ځرګندیږی
تانیاته بیاکوچنی خبری وریـــه‌یا شوی، کوچنی اوبی رابطی پیښنی ناڅاپه دهغی‌پـه ذهن کی‌دامیل ددانوپه شان یوپه بل‌پسی‌را ژوندی شوی ۰هغی له‌ځانه‌سره فکرکاوه‌چـه (جولیا) ډیره خوارکی ده۰زه پوهیږم چه‌دهغی دامینه به‌داسی لکه څنګه‌چه لاری)زه یوازی پریښودم) ۰
هغی ستیفن ته په کلکه لهجهٔوویل:تـهٔ نشی کولای چه‌تن شپه ولاړشی زه‌یوه وزګاره کوټه لرم هغی دستیفن دسترګو کاته‌ولیدل او اواز یی وچ غوندی شو .

سهار هغی ددروازی له څنګ څخه‌رسیدلی لیکونه واخستل‌اوپه پخلنځی کی‌یی‌قهوه‌جوړه کړه اوپه لمیکونوباندی‌یی‌یو ځغلندنظرواچاوه کله چه‌هغی پویوه پاکټ باندی (دلاری) پــه لیاٖ لیکل شوی نشرنامه ولوستله زړه‌یـــی بـــه‌لړزیـــدو سر شـــو قهـــوه ترانداری زیاته چښله خو هغه یی آواز تـهٔ متوجه نشوه‌ستیفن پخلنځی‌ته ننووت اوبرقی چایجوشه یی‌له ساکټ ځخه‌وایستله ۰هغـه پداسی حال کی چه‌دتانیا ننداره یی‌کوله ددی پیالی یی‌د قهوی څخه ډکی کړی هغی اقلا دری ځله دلاری لیک ولوست اوبیایی سرپورته‌کړاو ستیفن ته‌یی وکتل ۰دهغی سترګی بریښیدلی اویوه دردناکه مسکایی‌په شونډو

باـــدی نخیـــــده .
داد(لاری) لیک‌دی ۰هغه له‌یوی نجلی‌سره په‌هغه ښارکی‌چه ځان‌ته‌یی کار پکښی پیداکوی ته‌یی‌کار پکښی پیدا کړی واده کـوی. هغه لیکلی چه‌دایو ستړی کوونکی کاردی خوښه آینده لری !

که‌چیری هغه رښتیا ددی نجلی دپاره‌کار وکړی اوله سرګردانی څخه ځان وژغوری نو رښتیاچه پرهغی باندی مین دی . هغه لیکلی دی چه ملګری یی‌ډیره ښکلی‌ده .»
تانیا په خندلو شروع وکړه خوپه پای کی‌یی خندا په‌ژړا او سلګیو بدله شوه.ستیفن دقهوی یوه پیاله هغی ته ورکړه او هغی‌هم دقهوی په ښښلو پیل وکړ قهوه ډیره‌توی او خوږه وه .

تانیا ځانه سره داسی فکر کاوه:«ښه‌نو «لاری» بالاخره پوره سړی شو . تانیا!پریږده دلومړنی مینی داخوب چه ته درپوری نښتی یی در څخه لیری شی .کله‌چه «لاری» درڅخه ولاړ ژوند او مینه دی دواړه قطع شول.اوس ددی وخت دی‌چه ته‌هم دلویانو په شان کار وکړی اوداتولی خاطری ترشا پریږدی .»
ستیفن وویل :« آوس نوهرڅه ډیرښه ترتیب شوی دی . «لاری» واده کوی اوداستا اوستا دټولو ښو امیدونو لخوا بو سوغات دی چه هغه‌ته وړاندی کیږی بیا نوته‌پـه کراره له مـاکس سره واده کـولای شی . «لاری» هغه وخت چه پخپل سروو بل سړی وواواوس چه ټول عمر مینه ورسره‌ده یوبل سړی‌دی . هغه نور تاته ضرورت نلری اوته نشی کولای هغه له‌ځانه سره یوځای‌کړی.
ستا دپاره‌اوس یوازینی‌کار دادی‌چه‌ماکس ته خپله توجه وګرزوی او ښایی یو وخت‌له هغه سره مینه پداکړی .»
تانیا هغه ته خواب ورنکړ خوله ځانه‌سره یی فکرکاوه چه دهغه خبری سمی دی .
ستیفن له‌هغی سره ډیره‌ښه وضعه‌کړی‌وه اودهغی درخصتی ستوماٖنو ونکو ورځو ته‌یی خوند او رنګینی ور بخښلی وه . هغه‌دی‌ته
* * *
دیوی هنداری حیثیت درلودچه دهغی‌دشخصیت انعکاس یی په رښتیانی توګه ځرګنداوه
تانیا فکرکاوه چه دخپل‌ژوند تر پایه‌پوری به‌له ستیفن څخه ممنونه وی . تانیا دهغه تر تلودمخه دغه ټولی خبری ورته وکړی . هغه دتانیا مخ‌په خپلو لاسوکی ونیو، په دقت‌سره یی‌هغی‌ته وکتل آو ورته ویی‌ویل :
ـ« تانیا » ته پرما ډیره ګرانه یی.که‌د «ماکس» له خاطره نه وای مابه‌داسی په‌آسانی ستاڅخه لاس نه‌وای اخیستی .که چیری‌ستا هیله ترسره نشی وعده راسره کوی چه‌بیابه ماخبروی ؟»
هغی یو اسویلی وایست او دیوی شیبی دپاره یی هیڅ ونه‌ویل . هغـی ولیدل چـه ستیفن خپل آدرس اود تیلفون نمبر دهغی دپاره ولیکه . هغی ستیفن ښکل کړ او خپل ژور ممنو نیت یی ورته ځر ګند کړ ستیفن دهغی ډیر خوښ وو .
* * *
تانیا ترهغو پوری ستیفن ته لاس‌ښوراوه چه‌هغه‌یی له نظره غایب شو . بیاهغی جولیا ته تیلفون وکړ او ورته ویی ویل : «زه‌نن‌په کورکی نه یاتیږم او روغتون ته ځم .»
جولیا په محطاطانه لهجه وویل :«ښه‌ده، دستیفن په‌باب دی څه وکړل ؟»
ـ «هغه ولاړ . ماکس به‌څو ورځی‌وروسته له‌روغتون څخه راووزی ، څومره په ښه‌وی!»
ـ «هو. زه دهغه د تصادم له امله ډیره خواشینی یم .»
تانیا داسی فکر کاوه چه‌د «جولیا» آواز هغه غولوی دتانیا په فکر ستیفن د هغی
پاتی په‌٥٦ مخ‌کی

دولفین ها همیشه از یکدیگرخود درموقع خطردفاع میکنند

دولفین‌بسی از بازی های اکرو باتیك را نیز اجرا می تواند

وبازهم راجع به‌دولفین

از منابع شوروی :

ترجمه :جمال لغری

بشر برای آنکه کلیدرمز بعضی از اسرارحیات این حیوان‌رابدست آوردپس ازقرنهای متمادی تفکر وتشبث به یکسلسله مطالعات وتحقیقات‌دست زد

ژان تار بور

درمیان کلیه حیوانات بحری عجب ترین‌و جالبترین حیوانی که‌ذریعه هواتنفس میکنـدو پارچه های خورد گوشت (ماهی های کوچك)را بلع می‌نماید یکی هم‌دلفین است .تنها طـی افسانه هاوقصه ها حکایت میشدکه‌دولفین‌هم مانند انسان‌ها دارای مغرواحساس‌انددولفین‌باً پروگرام های منظمی که درکنار سواحل‌اجرا می‌کنند می‌توانند انسانراساعتها مشغول‌نگهدارد

علما اکثرا به‌این عقیده اندکه این حیوان‌زیرك واقعا قادراند بعضی معلومات های مورد نظـر رادر دسترس آدمی قرار دهند .

اضافه از شصت قسم مختلف‌دولفین‌هاو سایر خوکهای بحری درآبهای گرم به‌ساعـت تیری مشغول اند .

باوجود آنکه بین خوك‌های بحری ودلفین تفاوتی نمی گذارند ولی بین آنها اختلا فاتی از نگـاه های مختلف موجود است مثلا پوز دولفین‌تیز بوده درحالیکه ازخوك آبی پهن است .بعضـی ازعلما ازین تفاوت هم صرف نظر کرده دولفین وخوك آبی رادر یك ردیف قبول نموده اند.

این خصوصیت دردولفین هامو جود است

که‌بعضی‌از معلومات هارا یك به دیگرآزادانه مخابره کند امکان‌آن‌موجود است تابه دولفین آموختانده شود که ازبعضی اوامر آدمی پیروی کنند طرزتنفس‌دولفین هابصورت عمومی‌ازطرز تنفس حیواناتی که‌در روی زمین «درخشکه» زندگی می‌نمایند متفاوت است .

دلفین ها قابلیت فوق العاده حرکت سریع رادر آب دارند بااستفاده از ساختمان هـای مخصوص (اخذ صوت) خود قادراند اجسام‌و مواد یکه درآب قرار دارند پیدا کنند وحتی‌اگر چشمان شانرا هم‌ببندیم بازهم‌قادر خواهندبود وظایف پغرنجی راایفا کنندکه‌ما یه‌تعجب‌باشد جانب تراز همه اینست که‌دولفین با حیـات اجتماعی علاقه خاصی داشته ازاجتماعات نمـی گریزد وباانسان الفت نموده خوان دوستـی هموار می نماید .

ایزوپ‌عالم یونانی (قبل‌ازتاریخ) در مورد دولفین حکایه‌ای دارد که‌دولفین سگی راازغرق شدن دربحر نجات داده است ایــن سگ در حالیکه یك کشتی غرق میشد دراطراف آن‌دست وپا میزد ودولفین همینکه سگ رآدید آنـــرابه ساحل آورده ازمرگ نجات دادولی دوباره سگ مذکور رابه آب انداخت تا آنکه مرد. زیرا پس ازآنکه دلفین سگ مذکور رابه ساحـــل رسانید بعوض آنکه ازدلفین اظهار شکـــر ان شود دم‌دلفین راچك انداخته بود

وهمچنان حادثه دیگر شاعر معروف یونانی (اریون) قابل تذکر است که نامبرده خودراازچنگ دزدان دریائی به‌آب‌انداخت اورا نیزدلفین از مرگ نجات داد .

ده‌ها داستان‌وحکایات مختلف‌درمورد دوستی غیر عادی دلفین های ساحلی بحیره مدیترانـه بامسکو ینن واطفال سرزمین ایتالیا شاهـد مدعای فوق است .

درقرن اخیر درنیوزیلا ند(زیلاند جدیـد) قانون دولتی برحسب حفاظت حیات دودولفین که‌در ساحل آن قرار داشتند تصویب شدیکی ازین دولفین ها بنام (پیله روس جیك) بودکه همیشه کشتی رابطرف ساحل رهنمائی میکرد والی رسیدن آن‌به لنگر کاهش روی امواج‌بحر موازی باکشتی حرکت مینمود ودیگرش کـه دلفین ماده ای بود بنام (اوپو) یاد شده کـه

مسکوینی شهر آپونونی رانظر به‌چهره وبعضی خصوصیات دیگرش تشخیص میکرد این دلفین درست داشت بااطفا لیکه‌درساحل می‌آمدندبازی کنند وخاصتا یکی‌از دخترهای که‌اغلب به‌ساحل می‌آمد علاقه خاص داشت .

زمانیکه جسد این دولفین (اپو) رادر ساحل یافتند تمام‌شهر ازغصه گریست دولفین‌مذکور دراثر یك‌تصادم باسنگ بزرگی کشته‌شده‌بود. دلفین ماهیگیران کلفرنیا ومکسیکو رادر پیـدا نمودن آشیانه ماهی مخصوصی که‌بنام (تونس) یاد میشود کمك مینماید وماهیگـران ازیــن خصوصیت دولفین‌هابوجه‌عجیبی‌استفاده می‌نمایند

ماهیگران توزیم که‌در آبهای گرم ساحـــل جنوب شوق آسیا مشغول تهیه تدارك ماهی‌اند عقیده دارند که دولفین خالدار خاکستری برای آنکه ماهی هابه مقدار زیاد تری داخل تورماهی بیافتند کار های عجیبی می کنند .

بعضی ازتیپ های دولفین که‌در آب هـای نوسیدنی سواحل امریکای‌جنوبی زندگی‌می‌کنند ازطرف مسکو نین ساحلی خیلی هاقدر میشوند چه‌آنها این حیوان رامقدس شمرده عقیده دارند که مغر وقین رامهواره دلفین از مرگ نجـات داده است .

تحقیقات درمورد اناتومی دولفین بعمل آمده وسعی بشر در تشریح مغز وقسمت های‌داخلی وخارجی مغز این حیوان پستا ندار بحری بـه کدام نتیجه مثبتی نایل نگردیده است مشکلات اصلی درین بود که‌مغز دلفین باید بسرعـــت فوق العاده از کاسه سر جـدا میشـد ومـورد تحقیق قرار میگرفت زیرا مغز دولفیــن دارای چنین خواصی است که پس از۳۰ دقیقه بعداز عمل بکلی از استفاده برامده وتجارب علمــی وطبی راکه لازم‌است‌بالای آن صورت‌گیردعمل شده نمی تواند بنالازم است تاانسانها نخست سرعت عمل‌راداشته‌باشندوبعدا تدابیری‌اتخاذ نماید تااز مغز سر دولفین مدت زیادی به‌حسن صورت نگهداری بعمل آید

به علت اینکه‌مغز دلفین‌دارای‌شکل پیچیده‌ای است عملیات بیرون ساختن مغز دلفین ممکـن

است چندین ساعت رادر بر بگیرد (درصورتیکه برای بیرون آوردن مغز انسان فقط ده دقیقه را احتوا می کند)

برای آنکه دلفین از نگاه جراحی مطالعه شود محقیقین سعی کردند از نرکوز استفاده نمایند ولی این تلاش آدمی باعث مرگ حیوان مذکور شدو هیچ کسی هم‌علت آنرا ندا نست که چـــرا ؟

فقط دراواســط سال ۱۹٦۵ بودکـه گـروپ محقیقین انستیتوت (مسایل تبادله اطلاعات) میامی) حل این معمار بدست آوردند.

انسانها وسایر حیوا ناتیکه درخشکه زندگی می‌نمایند بصورت اتومات هوارا تنفس‌کرده‌در حالیکه دلفین هوا راخاوج ازآب گرفته وبعـــدآ داخل آب‌می‌شوند وبه تدریج ازهوای ذخیره شده استفاده می نمایند وهرگاه کیسه هـــوا خالی شد دوباره روی آب می‌آیند .

دلفین هوارا ازراه‌گلون خود (مجرای‌تنفس) در قسمت فوقانی کله دلفین قرار دارد گرفته ودر شش های خود نازمانی آنرا نگهمیدارد کـه درمیان آب قرار دارد وهمینکه‌درسطح‌آب‌قرار گرفت دوباره هوای تازه گرفته دوباره بـه‌آب غوطه ورمی شود .بصورت نورمال دولفین‌دریک

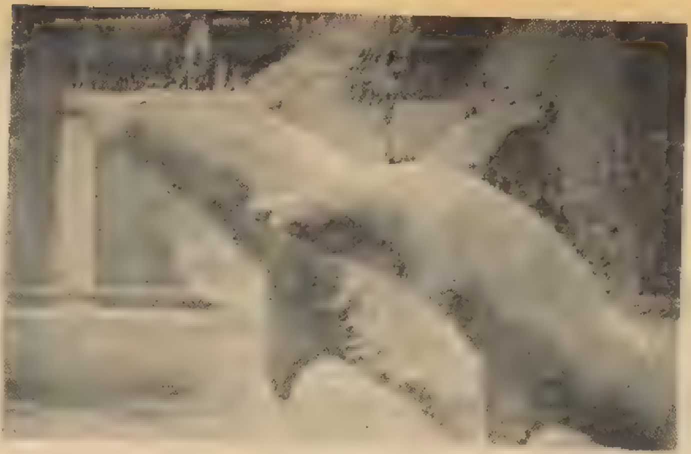

دلفین درحال پرش ازسطح آب

دوقیقه میتواند ۲ـ٤مراتبه‌تنفس بکشد وهوابگیرد این تحقیقات علمی پرسش های جدید را بدنبال دارد .

چه وقت دولفین میخوابد؟ هیچ کس نمـی تواسـت جواب‌معینی به‌آین‌سوال بدهد باتفاوت ازوتولین «که‌درخشکه‌میخوابد وازجمله‌حیوانات پستاندار بشمار می‌رود وهوا راتنفس می‌کنـد، دولفین بطور دوامداری روی‌آب حرکت می‌نماید

ودر حالیکه وجود خودرا بلند می‌نماید هوارادر شش های خود میگیرد .بعضی ازعلما پیشنهاد مینمایند که‌نیمی ازمغز دلفین بطور دوامـــدار استراحت می‌نماید وبعباره دیگر گفته میشود که این حیوان بصورت دوامدار در حالتی قرار دارد که حالت (نیمه خواب) یاد میشود .

با گرفتن نرکوز دولفین بصورت بسیـار عادی ازتنفس کردن باز مانده وبه سهولـــت می‌میرد .در یکی از انستیتوت های (میامـــی) محقیقین شش های میخا نیکی را برای تحقیمات جراحی این حیوان بکار آنداخت رهنمائی این هیات محقیقین را پروفیسور یوجین نایگیـــك عهده داشـــــت

علما ومحقیقین زولوژی‌به‌سیستم دوران‌خون درو‌جود دولفین بیشتر علاقمند شدند .خون‌در وجود دلفین بدون آنکـــه مانند نبض انسانها پمپ شود جریان عادی دارد این به علتی‌است که‌قلب میخانیکی ،شش همه‌خونی راکه می‌دهد بدون هیچگونه ضربتی داده می شود بسیـــار امکان داردکه مطالعه آین حادثه‌در ارگا نیـــزم دلفین زنده برای کسانیکه ساختن همچو آلات راطرح میکنند معلومات جدی‌برای تجدید کردن وبهتر ساختن ماشین های خود دست وپاکنند.

زندگی وسایر ایجابات دیگری راکه دربن‌محل برای آن لازم است مهیا نماید .

دلفین هایی که درزمان‌قدیم زندگی‌داشتند وسایر نهنگ های‌قدیمه‌ملیون هاسال پیشـــ بحر راترك گفته ودر خشکه به‌ادامه حیات خود ادامه داده‌اند ودر اثر حوادث مختلف بقایای آنها رابه بحر برگشتا نده‌اند در حالیکه حوادث ارگانیزم وجود شانرا حفاظت کرده بود.

نهنگ های بزرگ که پدران دلفین زمان حاضر اند وامروز بجز استخوا نهای آنها هیچ شباهتی بادلفین ندارند انسانرا بیاد آن‌زمانها می اندازد .

دلفین حیوان‌اجتماعی‌است ومیتواند‌معلوماتی رادر مورد خودو راجع به‌وضع خودبه طـــرف مخابره نماید .

قرار معلوم دلفین زمانی اعلام‌خطر می کند که واقعا کدام خطری اورا تهدید کند وایـــن عمل رابا انسپلاق زدن به‌نحو مخصوصی اجـرا می‌کند همچنان خواهشات جنســـــی انتقام از حریفیکه باچشم بدبطرف‌دلفین‌ماده نظر بازی کرده وغیره آرزو های خودرا دلفین با انسپلاق زدن افاده می کند

در مجمع دلفین ها دسپلین وقوانین شدیه برقرار است که‌در مورد اعمال زشت وظالمانه دلفین قوی در برابر دلفین ضعیف نراز حـود بکار می بنـــــدد .

دولفین‌نر همواره ازدلفین‌ماده پشتیبانی کرده احترام به‌جنس لطیف‌دربین دولفین هابه‌واقعیت حاضر واثی دارد .اگرروزی دولفین نربردولفین ماده‌غضبناك شودبنابرآن‌انتقام‌خودرا نه‌تنهااز اوبلکه ازجوچه های اومیکشد بدین معنی کـه آنها رامورد سر زنش قرار داده از دوروبـــر نشان دندان میگیرند .

باوجود یکه دلفین‌هاموجوداتی خوش مشرب مست ودوست داشتنی اندولی درعین حـــال حیوانات قوی ... محسوب می‌شوند بنابرآن

دلفین ها به بازی های اجتماعی نیـز علاقمند می شوند

دلفین قادر است دوچند مقدار آکسیجن‌راکه انسان ویاسایر حیوانات باترکیب خون یکجامی نمایند بگیرد اودر برابر این مقدار که‌به سطح دوم‌آکسیجن اخذمی‌کندقادر است‌زندگی‌نمایـد درحالیکه انسان باهمین مقدار ممکن است یاخفه شود ویا اینکه کم‌ازکم‌از حال برود .

برای آنکه بصورت مکمل دلفین راشنا خت ومطالعه کرد باید اورادر محل مطلوبی که‌قبلا پیش بینی شده باشد قرار داد وتاریخ انکشاف

اگر انسانها باعث اذیت وآزار دلفین هامیگردند دلفین نیز بارسانیدن ضربات قوی وبه‌دنـدان گزیدن ازآنها انتقام می گیرند .

همچنان وقتیکه دولفین هابا نهنگ هـای وحشی (آکولا) برمیخورند میتوانند با ضربـه قوی‌خود این‌حیوان قوی ودرنده راازپادرآورد واو رابکشد .البته بعداز وارد آوردن ضربـه قوی دلفین نیز به خونریزی مغز دچار شده‌از بین‌می‌رود ومیمیرد

ناتمام

ترجمه ی: ر هپو

یك داستان دنباله دار

نوشته ی: هو گ گو

جزیره‌ی خاطره

از آنسوی اتاق مان، جایکه شو هرم به درست کردن آیینه باچو کات بر نجسی اش که بتاز گی برای ما تحفه آورده شده‌بود صدا کرد «اودری؟ خانم والاس» تبسم‌نمودم. درجند سا عت گذشته دو مراتب مواخانم والاس ... بود. هنوز ... همان بعد ازظهر ... دوری پدامر ... یکد ... شر مده ... ماه‌جوست بودم که رخصتی تابستانی‌ام‌را ... جزیره دور ... جامیکا می گذراندم . یکماه پیش حتی‌دکتور کننت والاس رانمی دانستم که‌وجود داشت یانی.

برایم شگفت آور بودکه ناگهانی‌جود رامتعلق به خانواده ی والاس ودر قصرافسانه ای‌آنهاکه مدت ها در هاله‌ی اسرار پنهان‌بود ... سیبازی لحاظ این حادثه برا یم ... ولی باوجود بر خی حوادث ورخداد های ترس‌آور که درگذشته بمیان‌آمد وهوشدار های که بتاز گی دریافت‌نموده‌بودم لحظه ای‌که بسوی شو هرم می رفتم هیچ احساس ترس نداشتم در حالیکه باآغوش همدیگر بودیم، خاطرات عروسی ام‌که‌بتازگی درسا لون بزرگ پایین خانه برپا شده‌بود، درذهنم زنده گردید .

حتی در رویا های دوران جوانی ام چنین مراسم باشکوه عروسی راه‌نیافته بودم تمام خانواده‌ی بزرگ والاس درجا میکا آنجاکرد آمده بودند وعلاوه بر آن تمام دوستان‌خانواده در سراسر جزیره . در حیاط خانه افرا د مختلفی ازروستا های دور گرد آمده بودندتا به (داکتر کنند) نشان بدهند که تا چه اندازه مورد احترام آنان قرار دارد .

و مو سیقی آن زن مسن معجزه گر،مادر کلان کنت ... هنگ عروسی ... پیانو می نواخت حتی در ... کلیسا هاکس نمی توانست این آ هنگ راندا ... وی

آرگـن بنوازند او نـمی خـواست مـن و کریستینا ا متاثر شویم ، آهنگ تمام فضای خانه دا پر نموده واز درو پنجره های آن بسوی جنگل ها کوه ها بازیبای خا ص جریان میبافت وباخود تمام شك ها وترسم رامی زدود .

کننت به آ هستگی در گوشم ز مز مـــه کرد:

(مبر من والاس ، ماه قشنگی از کوه های دور دست بلند شده است چه می شود قدمی بباغ بزنیم تاپیش از اینکه دروازه ها یمان رابروی شب ببندیم ؟)

گفتم:

(مه عاشق اش هستم)

در حالیکه دست بد ست هم داده بودیم اززینه ها پاییـن شد یم بیرون، انـباشته از نورماه وبوی عطرگلها بود ، باکننت بـه آهستگی پیاده رو ها رازیر پا گذ اشتیم تـا اینکه برکناره ی باغ که از فراز آن دور نمای زیبا دهکده بخو بی دیده می‌شد ، رسیدیم.

در همین لحظه خاطره ای او لین دیدارم از قصر بزرگ خانواده ی کننت بیادم آمد.

وبعد، باو جود اینکه شام عروسی ام بود، تمام خاطرات گذشته سیل آسا برمغزم هجوم آورده وبار دیگر ترس بوجودم راه یافت.

مالك مهمانخانه ی بلو ویز تا، جا ییکه هنگام پا بگذاردن به جزیره جامیـکا در آن سکنی گزیدم راجع به قصر والاس گفته بود.

«پیفله پالمر هرکس بایداین قصر بزرگ راولو برای یك دفعه هم شده ببیند» و لـی بهتر است که سپیده دم بانجا رفت زیرا نا وقت تر برانهای سیل آسای ماه می‌اینجزیره امکان دیدار درست رابرای انسا ن نمـــی دهد.

لذا یکروز روشن بـرای دیدار از قصر والاس راه افتادم. جاده ی مار پیچی کوهستان ازمهمان خانه ی ویز تا مرا ازبین دهکده ی کوچکی که تازه در آن نبض زند گی روزانه می‌زد، بسوی بالا ها کشاند دریك محوطه ی سر گشاده وباز ،ز مین کمی هموار شده و روی آنرا در خت های که دارای میوه ها و سبزی های مختلف منطقه حاره بود ،پوشانیده بود.زنانی که درآن حوا لی ایستاده بودندبا نظر احترام بمن نگریستند .

آنها پیشتر مرا ندیده بوند . همیشـه مهمانان بلویز تا به آن طر ف هامی آ مدند ولی این دفعه اول بود که بانطر ف پامیگذاشتم. دوکتور خانوادگی در ماسا چوست دو کتور پندر بمن گفته بود که باید استراحت کنـم زیرا من بحیث یك پرستار گوش شنو ایی به نصایح دو کتور داشتم.

او برایم هوشدار داده بودکه :

(رفتنت به جا میکا معنی آن را نداردکه تمام جزیره رازیر پابگذ اری این بدان معنی است که بنشینی ،استراحت کنی و بخوابی و سعی کنی که همه حواد ث گذشته رافرا موش کنی ،خوب طفلکم) .

این نصایح بیشتر بخاطر آن بود که پدرم بتازگی مراو دنیارا پدرود گفته بود

طفلك؟ بزودی پابه سن بیست و چـــار سالگی می گذاشتم ، و حتی ازآنهم پیر تـر خودرا احساس می نمودم. چند هفته پیش از اینکه در شفاخانه ای در بوستو ن کار مـی کردم وبه آرامی با پدرم زندگی میکردم خود راخو شبخت احساس می نمودم زیرا مادرم هنگا میکه هنوز دوسا له بود مرده بودوبا اطمینان به یك زند گی بهتر آینده خوش بودم بعد، بصورت ناگهانی وشگفت آور پدرم به اثر یك حمله قلبی در گذشت وآن بخـــش زندگی ام پایان یافت.

فکر کردم پس از مراسم تشیع جنازه بـه وظیفه ام بار گردم. و لی دکتور پندرنصیحتم کرد.

«توگنس هستی ، برای بعضی ممکن کار بهترین دوا باشد ولی تو هنوز آ ماد گـی گرفتن این دوا رانداری . برای مدتی به دور دست ها سفر کن و استرا حت نمای. بجای برو که همه چیز برایت نو باشد در مـــورد جزایر غرب چه می گویی ؟»

«لیسکن »

« جامیکا. یك جزیره ای قشنگ است.

چند روزی را دریکی از دها ت آنجابگذ ران و استراحت کن. کمی راجع بانجا میدانم. در این محل مهمانخانه کو چکی قرار دارد که گاه گا هی دوستانم برای استرا حت آنجا مـی روند. وبعد از اینکه بهتر شد ی می توانی جای دیگر بروی » .

اعتراض کردم.

(اوه نی ، این را نمی خواهم)

(تو باید بروی ، او دری، باید)

استد لال نیاور دم، ولی می دانستم کـه چیزی مراخو ش نخواهد سا خت ولی ا کنون خوشحال بودم که به بلوویز تابودم واز همه بهتر اینکه درآنجا فقط یك مهمان دیگر وجود داشت.

وخو شحا لی ام و قتی به اوجش رسیدکه دراین صبح زیبا در دهکده آرا مش بخش، بسوی قصر افسانه ای والا س قدم مـــی زدم.

بعد راهرو ی که نز دیك جاده قـــرار داشت مردی سخن گفت وبا سرا سیمگی ایستادم.

او گفت :

(اوه، زن زیبا)

باشگفتی نگاه کرد م و چیزی را که شنیده بودم باور نمی کردم. اینو عخو شرآمدگفتن وآنهم دریك دهکده ی جا میکا و آنهم از یك آدم کلان ؟ باور نکردنی بود واز اینکه مرابه شگفتی واداشته بود خوشحال بنظر میرسید وبعد بایك حر کت زشت در حالیکه پـای رهایش راازم گشود تکرار کرد :(اوه، زن زیبا).

از، جانب چپم چیغی با صدای بار یـك شنیدم (ویکتورا) واز درون حصار گل های رنگارنگی که محو طه خانه رابخو بی مرزبندی میکرد، یکزن با دوش آمد. این زن که باریك وجذاب بود وچهره اش را پوستی با رنگ مس روشن پوشانیده بود، کاملا عصبی معلوم میشد .

باخشم وقهر مردی را که مرا چنان مخاطب نموده بود، دشنام داد.

(او، مادر مه نمی خواستم تااین زن را آزار بد هم)

مادر ؟ از نزدیك به او نگر یستم. اگراو مادرش باشد ، پدرش باید مردقوی وتنومندی باشد زیرا ویکتور خیلی بزرگ معلو م می شد. در کنار بچه، مادر ش مثل گدی گـك بنظر می آمدرنگ چهره ی بچه بمراتب روشن تربود. ممکن پدر ش سپید بوده اشد .

براهم ادامه دادم وبجای رسیدم که دریا قطع میشد .نقطه ای زیبا و دل انگیزبود. اکنون دهکده بعقبم قرار داشت . بجلو، کوه هامانند دود آبی بسوی آسما ن بلند میشدند وآسمان درحال پر شد ن ازبیر ق هـــای سپید گونه ابر ها می گردید. در همان حصه جاییکه فکر میشد باران می بارد آسمان راابر هاتیره وشب گون فرا گرفته بود . در زیـر پای هایم آب شفاف در پا روی سنگ های در خشان می لغز ید. بمجردیکه روی چوب درازی که بجای پل استفاده میشد پـــای گذاردم دیدم که در زیر ما هی ها کو چك و رنگارنگ جست و خیز می زنند. راه باریك بسوی بالا دربین کو هستا ن که بدوطر فش مزارع قهوه پهن شده بود، مانند اینکه پایان ندارد، کشیده میشد لحظه ای بعداز درون جنگل قهوه بجای که روشنی تند آفتاب چشم هارا خیره میکرد ، برآمدم وروی نشیبی در پیشا پیشم قرار داشت قصر کننت قد بـــر افراشته بود.

قصر بزرگ بود، این رابمن گفته بودند. در دوره ی بردگی یکی از جمله قصر های بزرگ جز یره بحساب می رفت و اکنون هم چنین بنظر می‌آمد . زیرا پیچ و خـم های زوایای با مشق دیوار های از سنگ خاکستری رنگ قرار داشت. واین سنگ های اصلـی ساختمان بود و روی چوب کار های آن بتازگی رنگ خاکستری تیره زده بودند در حالیکه کلکین های آن بارنگ خا کستری رو شن رنگ آمیزی شده بود مجموع رنگها اندوه بار این احساس رابرایم بو جود آورد که د ر برابرم یك قلعه ی قدیمی و کهن قرار دارد. فکرکردم که قصر والاس مانندقلعه های کهنه پر ازخانه های متعدد است از آنجا ییکه قرار داشتم پیشتر نر فتم . راه ،که فکر میشد فقط بخاطر باغ داران قهوه درست شده است بسوی دره ی کو چکی که با نطر ف قصـــر والاس قرار داشت ،کشیده میشد. در حالیکه به باغ های متعلق به قصر بزرگ می‌نگریستم صدای پیانو ی راشنیدم .

کـسی در درون قصر والاس آ هنـگ بتهون رامی نواخت .

ناگهانی فکر کردم، ماد ر کلان کریستینا والاس پیر ، اگر کسی بد استا ن باورداشته باشد از و قتیکه اربا ب کننت مرده بود، تمام شب راپیانو می نواخت. در حالیکه بسوی دور دست های دره کو چك به سنگلا خی که خیز قضاوت نامیده می‌شد واز آنجا ارباب کننت بپایین افتاده بود، می نگریستم، موجی ازترس در دآلود سر اپایم را نور دیده نقطه ی ترس آوری بود. این سنگلاخ که از سنگ سیاه ترکیب یافته بود تالبه ی پرتگاه ژرف دره می رسید.

آهنگ بتهون تاپل چو بی ای که بیشتر ازآن گذشتم مرا تعقیب میکرد. بمجرد یکه از روی پل گذشتم فریاد کود کی تو جه مرا بخود کشاند.

فریاد آ میخته از ترس ودرد بود. ازآن جاییکه شغلم پرستاری بود تکان شدیدخوردم این فریا د ازسو ی خانه ای کنی آنطر فتر قرار داشت می آ مد. به آنسو دویدم. و بـه مجردیکه نزدیك دروازه ی بانگسی رسیدم زنی که طفل گریانگر را باغوش اشت، معلـــوم شد.

زن جوان بود، تقریبا هژده ساله. اوبا ناامیدی بجاده می نگریست .

پرسیدم.

(کمك کرده می تواتم ؟)

باشگفتی بمن نگریست .

(البته لطفا)

طفل دختر تقریبا سه ساله بود و خون از زخمی که در دست راستش قرار داشت می ریخت.

گفتم:

(بدکتور ضرور ت است)

(بلی ؟ بدنبال دکتور والاس فرستادم)

(اوکجا ست ؟ دختر ك باید زود تحت تداوی قرار گیرد)

(او تقریبا یك سا عت پیش بطرف پایین رفت)

(خوب ، مالمی توانیم دختر ك را اینطور رها بسازیم که خو ن از دستش روان باشد کدام تکه پاك دارید ؟)

بقیه در صفحه ۹۰

علیشیر نوایی

اثر: م. ت. آی بیک
ترجمه: ع. ح. ایلدم

خبر بازگشت نوایی وانتصاب او بصفت مهردار دولت‌چون‌حادثه‌مهمی انعکاس میکند. اهالی خراسان این‌تقرر را به فال نیك میگیرند وچشم امید به‌سوی او میدوزند .

چندی بعد میرزا یادگار یکی ا زشهزادگان تیموری علم بغاوت می‌افرازد وباوجود شکست فاحش که‌از قشون حسین بایقرا میخورد ،بار دیگر تجدید قوا نموده ،بیا ری‌عده‌ای‌ازبیك هاوامرار خائن ،شهر هرات‌را تحت تصرف در می‌آورد.

حسین بایقرا که در صددبدست‌آوردن دوباره قد رت است پس از مدتی سر گردانی به «میمنه» اقامت‌میکند وپس از آنکه تصمیم میگیرد بااستفاده از غفلت میر زا یاد گاربر هرات شبخون بزند، بباسپاه باقیمانده بدان سمت روان‌میشود .

حسین بایقرا در عرض راه‌با درویش معروفی‌به‌نام (باباخاکی) مواجه میشود وبنا بدعوت اوراه‌مسکن اوراکه در مغارهٔ کو هی قرار دارد در پیش میگیرد. د رویش به‌سلطان و ملاز مانش ماست تازه تعارف میکند وخو د در گو شه ای‌نشسته میگو ید :

شعر چند درون این‌مسکن بسان دل این بنده گناهکار سیاه است، باآنهم از کاخهای زرین سلاطین بر ترش میدانم دراینجا با مرغان‌همنو-ایم و با سنگها همدرد . خدا یاسیل های بهاران که مظهر تجلی جما ل تو است ، مرا بسوی بیکران دریای رحمتت نکشانیدندو طوفانهای سرما با گسستن زنجیر های زنگ اندو وجودم ، بسوی توام باز نگرد-انیدند .... یا هو !

حسین بایقرا پس ازسر کشیدن ماست، ریش و سبیل خود راسترد و همینکه درویش از سخن بازاستاد کرنش کنان اجازه‌باز گشت‌خواست واز او طلبید تا در حقش دعا کند. پیر مرد از جا بر خاسته دستها را گشود ورو بسوی قبله ایستاده‌شد سلطان نیز بسرعت از جا بر خاسته در عقب درویش قرار گرفت و دست بر هم نهاده سر بزیر افکند .

درویش پس ازختم دعابه سلطان اشاره نمود تاکمی درنگ نماید . نیزه زنگ اندودی را از عقب شاخی که در یك کنج خانه خلانده شده‌بود بیرون آورده ، از مغاره خارج شدو آنرا چون جنگجویان نیزه باز در دست گرفته ،با چشمانی مشتعل از خشم رو به‌طرف هرات ایستادو مثل اینکه آنرا بر دشمن فرود آورد در هوا فرو برد و بدست حسین با-یقرا داد . سلطان خیلی تحت تاثیر قرار گرفت . قطرات اشکی را که در حال فرو ریختن از چشما نش بودند ، بزحمت متوقف ساخته ، دستان لاغر واستخوانی ریش سفید را بر چشمان خود مالید .

حسین بایقرا، یکجا با ملا ز مان بسرعت راندہ خود را به سپاه رسانید. او تاثرات خود را به برخی از بیك ها بخر سندی بیان کرد و در حالیکه نیزه درویش رابه حیث مقد سترین چیز در دست گرفته بود ، دستور حرکت بسو ی هرات داد ... پس از سیر طولانی بلاو قفه ،نیمه های شب در محلی نزدیك هرات بنام (چشمه جزدوق) توقف نمو دند ...

پارچه کوچك مهتاب مثل اینکه میخواست فقر جا نکاه خانه های فرو ریخته و خاموش دهکده رانشان دهد ، با انواری خیره میتابید . از دور دستها گاهی صدای‌پارس سگها بگوش میرسید .

از شامگاه هان باینسو خاطر سلطان مکدر بود . اکنون در یك لحظه بسیار حساس ،در باره سر نوشت در خشان ترین گوهر تا ج خود یعنی هرات که‌در دست تصرف دشمن قرارداشت ، شك و ترد ید بر وی هجوم آورده بودند. با خود می‌اندیشید، چطور خواهد شد. اگر دشمن اغفال نشده به مقابله برخیزد آیا باز هم کار به رسوایی نخواهد کشید .؟!) اینگونه تصورات جانگاه هراس انگیز لحظه‌ای هم از مغزش دور نمیشدند او در تحت تاثیر این تصورات هیجانی شد ... سپا هیان مصروف پوشیدن خول و زره بودند و برای جنگ آمادگی میگر فتند .

نوایی سوار براسپ نزد سلطان آمد. او در باره اینکه باید خیلی باحزم واحتیاط حر کت کرد و قبلا باید تدابیری سنجید، از آنجمله‌مثلا عده‌ای را باید فرستاد تا افرا د دشمن را دستگیر کنند واطلا عا ت لازم را از آنها بدست آور ند ، وسائل دیگری ازین قبیل بتاکید سخن گفت . او خسته بنظر میرسد اما طنین آوازش حاکی از اعتماد و اطمینان بود. حسین بایقرا فورا شیریم قر اول را نزد خود طلبید .او قراول هوشمند وزیر کی بود و در چابکی وحیله گری خود را کمتر از (مهتر باویلدا) (۱) نمی شمرد .

او با دو سه تن از جوانان کار-کشته در یك لحظه ازنظر ناپدیدشد سپا هیان که آماده پیکار بودند در انتظار دستور حرکت دقیقه شماری میکردند . گویا چنین احساس میشد که زمان بسرعت خواهد گذشت و صبح خواهد دمید اسبها بیقرار و آدمها بیتاب بودند ...

مدتی بعد شیریم قراول مرد نیم حستی را بجلو انداخته باز گشت و معلوم شد که وی از نفر های‌میرزا یاد گار بود هاست بیك ها کوشیدند تا این شخص که‌ازسرا سیمگی زیاد خود را باخته بود ، یك سلسله معلومات مهم بدست آورند .

شیر یم‌قراول‌گفت : (نتوا نستم جز خبر غفلت و بیخبر ی در هرات چیزی بدست آورم) .... بعد ازآن حسین بایقرا صد نفر را از میان سپاهیان انتخاب کرده زیر هدایت مظفر بر لاس ،ابراهیم برلاس و درویش ارلات قرار داد و آنها را به گشودن دروازه بزرگ (باغ زاغان) موظف ساخت و باز هم عده‌ای را موظف نمود تا افراد دیگر دشمن‌را هیچگونه سرو صدای‌از جانب هرات دستگیر نمایند و همینکه مطمئن‌شد بر نمی خیزد ،خود نیز با سپاه‌باقی مانده حرکت کرد .. چون از کوچه در خیابان (عبور نموده به مزار در امام فخر رازی) رسیدند ، سلطا ن خواجه ... راباگروه معیتی و ی فرستاد تادر وازه دیگر (باغ‌زاغان) را که به مدرسه (گوهر شاد بیگم) اتصال داشت محاصره‌کند. برا ی مراقبت سایر دروازه ها نیز، دسته هایی‌از سپاه‌را موظف ساخت وخود با هشتاد نفر باقیمانده بطر ف دروازه‌ای که مظفر بر لاس مامورفتح آن بود حرکت کرد . در عرض راه نماینده وفا دارش (میراخور) که‌در صفوف دشمن قرار داشت بو ی پیوست و اطلاع داد که دروا زه

گشوده شده و ممکن است بدرون رفت .حسین بایقرا با شنیدن این خبر خود را سبك حس کرده به جلو راند وراسا به در (باغ زاغان) داخل شد . جوانان حسین بایقرا در تاریکی خیره شب ، میان خیابان و قطار درختان ، به جستجوی نیروهای دشمن میپرداختند . در هیچ جا نشانی از سپاهیان ونوکران میرزا یادگار پدیدار نبود حسین بایقرا از آنجا به سمت (باغ شمال) که خوابگاه میرزا یاد گار در آنجا قرار داشت ، عبور کرد . برخی از نوکران که ازین واقعه ناگهانی دچار سرنو گیچه شده‌بودند علاوه‌بر اینکه نتوانستند بمقابله بر خیزندو یا از خود دفاع کنند، بدون گفتگو در برابر عمل انجام شده سرتسلیم نهادند .

جوانان ، شهزاده ساده دل را میجستند. قصر شکوهمند چون دژی مستحکم سر بر افراشته‌است خر گاهی که نزدیك آن قرار دارد . کاملا خالی به نظر میرسد .. حسین بایقرا محل مرتفع تپه مانندی را از دور تحت محاصره گرفت . او حدس میزد که شاید میرزا یادگار در کوشکی باشد که در پشت این بلندی واقع است. برای داخل‌شدن به کوشك میبایستی از تپه عبورکرد همگان این ضرورت رادرك مینمودند این احتمال وجود داشت که شاید نیروی ذخیره دشمن بخاطر وارد آوردن ضربهٔ قطعی و تعیین کننده با تجهیزاتی بزرگ در عقب این تپه کمین کرده و آماده هجوم باشد در روشنایی خیره شب، خاموشی مشئوم قصر و تپه فروخته دلها را به لرزه می افکند .

حسین بایقرا بابی صبری به گروهی از سپاهیان غرق در جوشن وزره دستور داد تا از تپه گذشته کوشك را تسخیر کنند.اما نه‌صدای از آنها بر خاست و نه حرکتی دیده شد سپس مثل‌اینکه دستور رادرك نکرده باشند ، بسوی هم نگریسته

متردد ماندند .درین موقع شاعر با حرکتی قاطع به چابکی یك عسکر از اسب فرود آمده جلو اسپ را به

دست نوکر خود ــ باباعلی سپرد وبه سلطان نزدیك شد وجسورانه گفت (بما اجازه دهید)هیچ یك‌از بیك‌ها و سپاهیان چنین انتظاری از نوایی نداشتند .

بسیاری از آنها خجالت زده سر بزیر افکندندند ورخوتی بروجودشان مستولی شده به خود لرزیدند اما دیگر فرصت از دست رفته بود .و هرکس ولو هر قدر آرزومند میبود از اثبات شهامت ومردانگی خود عاجز بود ...

حسین بایقرا پس از دقیقه‌ای تردد ، چشمان کشیده خود را به جوانانی که در پیرا مونش صف بسته بودند دوخت وبشاعر اجازه داد نوایی شمشیر را از نیام برون کشید (این اولین و آخرین باری‌بود که وی شمشیر از نیام میکشید) و دلیرانه با گامهای استوار به جلو رفت .اوبجای راه معمولی‌که دیگران تخمین میزدند ،از طریق‌دیگری به طرف بلندی روان شد . درین موقع کسی دسته شمعی افروخت .چشم همگان بسوی شاعر بودا و تکیه‌کنان بر شمشیر .رو به بلندی راه می پیمود .هنوز سایه شاعر کاملا از نظرش ناپدید نشده نوکرش، باباعلی با شمشیر بر هنه از عقبش دوید لحظه‌ای بعدده ها تن ازجوانان مثل اینکه بردژی هجوم ببرند ، با

(بقیه در ص ٥٦)

از منابع فرانسوی

ترجمه : سید عبدالرزاق افضلی محصل پوهنځی ادبیات

جراحی قرن

عملیاتی که درست ده سا

یك جراح امریکائی دو خواهر دوگانگی را از باشند گان سانتودو-مینگو مرکز جمهوری دومینیکن که ازدو جناح کمر و جگر بهم چسپیده بودند ازهم جدا ساخت.

دکتور کووپ که این معجزه را به راه انداخته ودرینجا (در عکس) پریشان و سراسیمه به نظر میرسد توسط آلهٔ الکترو کار دیوگراف ، ضربان قلب کلارارا مواظبت می‌کند.

(حالا-دیگر این دو دخترك معصوم نمی خواهد یکدیگر را ترك کنند . چنانکه در (عکس دیده میشود)آنها دست های یکدیگر رامانند سابق در حال خوابیدن محکم گر فته اند..

دز جولای ۱۹۷۴ عیسوی فرید رو دریگی خانم یك خوراکه فروش‌از باشند گان لاس آنا نمیش)که‌تا حال مادر سه پسرقوی وصحتمند بود ، اینك این بار نوزاد های دو گانگی ایرا بدنیا آورده است .این ولاد ت که در جمله چهار صد هزار متولدین آن شفاخانه بی سابقه قید شده ، دکتوران آنرا یك چیز عجیب خوانده اند سر نوشت و تلاش های دقیقانه

بعد از جداکردن اولین شبی است که آنها در اتاق احیای مجدد دیده‌میشوند کلا را که در تصویرمشاهده میشود دستش‌را مانند سابق با هم چسپیده بودند بطرف خواهرش درازکرده است .

عت بطول انجامید

کلارا والتا دیگر جداو بصورت مستقل ازهم زندگی می کنند

پیش ازعملیات التامجبور بـودبنشیند تا خواهرش کـلارا خواب بتواند

دکتور کووپ چهار ده ماه پس از تولد این دو زندانی یك جسی را از هم جدا وآزاد ساختند که فعلا در یکی از اتاق های شفا خانه فلاد — لفیا بصورت جداگانه‌ومستقل ازهم‌بسر می برند وبا همدیگر بازی میکنند .

این جراحی که بتاریخ ۱۸ سپتا — مبر سال جاری‌عیسوی توسط جراح ۴۷ ساله معروف امریکائی موسوم‌به ایفرید کووپ انجام پذیرفته است و نتیجه عمل موفقیت آمیز و اعجاز آفرین وی را نشان داده ، بنـام (جراحی قرن) یاد شده است .

درین عملیات خطر بزرگی کـه حیات کلا را والتا را تهدید می کرد همانا داشتن جگر واحد و مشترك بودن قسمت اعظم روده بوده کـه خوشبختانه آن هم بعد از مساعـی ارزنده وجهد عمیق جراح موصو ف به موفقیت انجامیده و تقسیم بندی اعضای وجود شان ماهرانه صور ت گرفته است ،اما اینکه این‌دو دخترك كوچك نسبت كجی لگن‌های خاصره شان درآینده صاحب‌فرزندی‌نخواهند شد ،ناگوار ودرد آور است .

از نتایج جراحی بر می آید کـه در وجود این دو طفل معصوم اثـرا ت عظیمی از زخم ها باقی خواهد ماند ولی اثرات دانه های کوچك صندوق مانند که در دو جدار ناحیه عملیات قطع‌شده از اثردوختن‌صورت‌گرفته‌که موقتی خواهد بود .

جراح بسیار کوشیده تاازبریدن حصص مختلف و مورد ضرورت بدن که حتی در اثنای عملیات نیزحتمی بوده، تا اندازه‌ی خود داری نماید ، زیرا اینچنین .عملیات برای همـه و مخصو صا کودکان و اطفال بسیار خردسال خیلی مشکل و طا قـت فرساست .

کلارا و التا دو خواهر کوچك تـا اکنون در یك بستر خواب می کنند زیرا مشکل است دو نوزادی را که از روز اول یکجا و پیوسته تولـد شده اند دفعتا از هم دور ساخـت همچنان دکتوران نیز در قسمـت یکی بودن‌ایشان دربستر نظریه‌مثبت داده اندزیرا این وضع بحال شا ن مفید و سود مند ثابت میشـو د بدینو سیله شوکی راکه در اثنای عملیات دیده اندرفع وجبیره مـی نماید . طوریکه در عکس دیده می شود ، اطفال مذکور مانند روز های اول دست های یکدیگر را در حال خوابیدن محکم گرفته اند ، ولی بـا این فرق که قبلا مانندحال باسا نی خوابیده نمی توانستند جز اینکـه نوبت را مراعات میکردند ، ولاز م بود یکی از آنها بنشیند تا دیگرش بخوابند و براحت دراز می کشید .

حال که وضع صحی آنها کاملا رو به بهبودی است ، احتمال دارد در جریان‌ماه نوامبر سال جـا ری عیسوی از شفاخانه مرخص و عازم مسکن اصلی شان گردند .

دکتور کروپ عینك بچشم با ۲۳نفر معاونین در حال اجرای عملیـه دراتاق عملیات دیده میشود ۱۰ ین‌عملیات درست ده ساعت بطـو ل انجا میده است

عسکها و مطلب ها

تقاضای جالب

میگو یند یکدختر ۲۰ ساله‌ای‌فرانسوی برای (شون کانر ی) جیمز باند معروف سینما نامه جالبی فرستاده‌ودران‌از شون کانری‌خواسته تا او را کمك کند که با نامزد خجالتی اش چگونه رفتار کند تا کمی با روحیه شود در نامه نوشته شده : دفعه اول که نا مزدم بخانه من آمد و قتش را به تماشای آلبوم خانواد گی گذراند دفعه دوم سگ کوچك ما را نوازش میکرد و دفعه سوم هم با برادر کوچکم صحبت‌کرد آیا بنظر شمادفعه چهارم‌بمن خواهد رسید ؟

دستور بیتل‌ها

بیتل‌ها کار را بجائی رسانده اندکه حالا دستور صحتمندی‌میدهد ،چندی قبل در یك مجله انگلیسی ایـن دستور را صادر کردند :

ـ اگر میخواهید دندانهای سالمی داشته باشید و شادابی و سلامت دندانهای خودرا حفظ کنید .بعد از **هر غذایی که‌میخورید یکدانه‌سیبرا** نوش جان کنید . خوردن سیب‌پس از غذا بمثا به مسواك و بر س دندان است که دندانهای شما مانند مروارید خواهد در خشید .

احصائیه‌گیری زنان

اخیرا یك موسسه احصائیه‌گیری در سان فرا نسیسکو بـرای تعین تعداد زنانی که دو بار ازدواج کرده اند .درین شهر به تحقیق پر داخت و دریافت که ۳۹ در صد زنانی که نام شوهر اول خود را فرامـو ش کرده‌اند .

برای دومین بار ازدواج کرده انـد نام‌شوهر اول خودرا فراموش کرده اند .!

شکارچی ماهر

خوب است بدانید که در مـیان‌شکار چیان پرنده ، آقای مار کوس ربین که درسال ۱۹۲۳جان سپرد درطول زندگی خود (۱۹۲۳ ـ۱۸۶۷) بر روی هم ۵۵۶۰۰۰ غاز ، کبك‌وانواع دیگر پرنده های خوردنـی را شکارکرد درین مدت او علاوه بـراین تعداد ، ۰۰۰ ر۲۴۱ کبوتر نیـز شکار کرد ، جالب اینجا ست کـه‌خود آقای مار کوس نیز به هنگا م شکار جان سپرد ودر ۲۲ سپتا مبربعد از شکار ۵۲ مرغابی ، ناگها ن قلبش از حرکت ایستاد ، مرگ‌او شاید انتقام قتل این همه پرند ه های زیبا بوده است .

خیانت مستخدم

آقای (جان میل) اهل شیکا گـو چندی پیش و قتی بخانه اش بـر گشت متوجـه شدکـه مستخدمش میخواهد بزور (نانسی) زن‌زیبای‌او راوادار به عشـق و رزی کند . و زنش متواتر فریاد مـی کشـد و کمك میطلبد ، دیدن ایـن صحنه بحدی آقای میل را اعصبانی ساخت که بسرعت میله آهنی را بر داشت و چند ضربه محکم به سر مستخدم خیانت کارش وارد آورده ، کـه در نتیجه مستخدم مرد و آقای (میل)هم بخاطر این قتل مستقمیا بـه اداره پلیس رفت وخودش‌را منحیث قاتل معرفی کرد .

عروج استغنا

حاذق

در عروج استغنا ست مسکنی که‌من‌دارم
بال‌وپرنمیگنجد ما منی که مـــن دا ر م
ازصفای دل کو کب رنگ خود بـرانداژد
صـــدفروغ مهتاب است روشنی که من‌دارم
دل بساز نو میدی مو ج از شر ر دارد
شعله‌درقلم گیرد گفتنی که مـــن دا ر م
خون دل دراین گلشن قطره قطره‌می‌ریزد
یك‌جهان‌نو مید یست مر دلی که مـن دا ر م
باوجود محرو می دست درد عسا نبود
زیربارمنت نیست گردنی که من دا ر م
زیرو بم بخود چیند ناله و فغان من
ساز عشق مستغنی است درفنی‌که‌من‌دارم
هر رگ گل از خونم رنگ وبوی‌نـودارد
عالم تماشائیست گلنبی کـــه من دار م
یارب اینچه بی‌غور یست‌کشتگان ابروو!
کس‌سراغ نتوان کرد مد فنی که من دارم
حاذق! اینچه‌غوغاییست‌در ضمیر خا مو شـی
ناشنیده کر کـــردست شیو نی که من دا ر م

نذیر میهن پور

آخرین دیدار

اولین بارکه لرزید دلم
نگه اش قصه نی ناگفته ئی داشت
ودو چشمان شراب آلودش
غم واندوه مراپنهان داشت
من واو نکهت گلهای چمنها بودیم
کودکی مست بدنیای غریب
بی خبر ازغم فردا بودیم
همه گلهای چمن
همه گلباده صبح
به دل انگزی این وصلت خوب
بدل آرامی دلهای پراز شادی ما
می‌خندید
وچنان دره سبز
روح ناشاد مرا مستی داد
وبرامواج نگاهم که براومی آسود
سوز احساس مراهستی داد
هر دو همچو فانوس
در شبستانی غمین ومتروك
مشگفتیم چو گلبر گ نخستین شـب
عشق
وسحرگاه
من واوتازه ترازبرگ اقاقی بهار
چشم برهستی رویائی هم میبستیم
لیکن افسوس ودریغ
دامن بخت مرا
سردی سخت زمستانها سوخت
وقرار بخش دلم
باهمه عشق ودل انگیزی خویش
با منی خسته ز آسیب خزان
قصه تلخ جدائی را خواند

شعر تازیی ازناصر طهوری

قلب دورنگ

همه روز از توبقهرم ، همه شب: باتوبجنگم
همه لبریز فغانم ، بفغان ازدل تنگم .
دل تو، ازچه زبون شد؟ بفسون که فسونشد ؟
آخرآن عهد توچون شد؟ عهدت ای‌خوب‌قشنگم !
آنچنان این دل شیدا، شده در عشـق‌تورسوا :
ــ که دگر منکرنامم ، که دگر دشمن‌تنگم
پردل باز نمودم ، باتوپرواز نمودم
پروبالم تو شکستی ، زدی از بسکـــه‌بسنگم
گرچه (پا) ساختم از (سر) : بــه ره‌عشق نوکافر !
ــ نیست درکوی تودیگر ، پس ازیـــن‌جای درنگم
چون کنم ناله موزون ، زتو با شعـــرپرافسون ؟
ــ که بودشعرهم اکنون، پیش تو: حرف‌جفنگم
بای احساس من اینك : توز صدجای،شکستی
وه‌که درکوره عشق ،رهرو خسته‌ولنگم
نبرم تابقیامت، عهد بشکستنت ازیاد !
ریخت درکام دل آخر، این گریز تـوشرنگم
دیگر ازبهر طهوری ، تو مریز اشـــك‌تحسر
که بصد رنگ تحیر ، من ازآن قلب‌دور نگم

مرحوم استاد شایق جمال

دریای رحمت

یاران مرابه مهر و وفا امتحان کنید
پیوسته نان به کلبهٔ ما نوشجان کنید
آفت نمی رسد به شما در تمام عمر
نام خدای پاك چو ورد زبـان کنید
هرکار تان بحکم خدامی شود درست
کاری اگر بکام دل دوستان کنیـد
دریای رحمتی است بهرقطره‌اش نهان
گرپاك آب دیدهٔ بـی مادران کنید
بسیار مختصر که نهیر ند دیگـران
بالای قبر مسئله گــر: بیان کنید
آزرده از تکلف بسیار می شـود
گر (شایق) محبت خود مهمـان‌کنید

گوهر شهوار

دادیم بیك جام زكف نقد روان را
مستیم و نداریم غم سود و زیان را
جز تودگری کیست درین میکده ساقی
کز لطف بگیرد خبر بی خبران را
تاب آنقدرم نیست که در د ســت بگیر م
ساقی بدهد مفت اگر رطل گران را
غافل مشو ای پیر خرابات که زهـاد
بستند به ویرانی میخانه میـان را
گفتم‌که محال است برم جان بسلامت
روزیکه قضا داد بابروت کمـان را
روز سیهم تیره تراز ابر بهار است
کزگریه خود شاد نمایـم دگـران را
بس گوهر شهوارکه از خامه فشاندم
افسوس ندانست کسی قیمت آن را
نه سرو کندگوش ونه شمشادشودشاد
بیهوده کشد فا خته در با غ فغـا ن را
المنة الله که من وشمع درین بـزم
گفتیم سخن تار مقی بود زبـان را
آداب (نوید) ازمن دیوانه چه‌خواهی
مستی ز کف عقل ربو دست عنا ن را

(نوید)

یک پلان الاستیکی

ترجمه: سراج وهاج

ر طور دقیق نمیدانستچند
سب را وقف مطالعه روم ن
رده است که صدای خفیفی
را جلب نمود ، گویا کسی
ه کلکین میزند .
اب را روی میز گذاشت و
کلکین که بسوی باغچــــه
ز میشد ، نگــا هی بخارج
یچکس بنظر نرسید ، ولــی
آن فورستر بدهلیز رفت و
سود . نگاه شرر بار (برت)
دروازه عمارت آتش کینـــه
را بسرا پای فورستر پاشید
قبل از آنکه با فورستـــر
کند ، مدت کوتهی همسر
د.
بدون هر گو نه تعا ر فی
.
حم شلم؟
ر در حالیکه از ورود نا۔
ی اندکی ناراحت شده بود
برای برت باز کرده ، گفت.
ه بهیچ وجه ... بالاپوش‌تان
سید ؟
من‌صرف چند دقیقه اینجا
نصادف از اینحدود مـــی
چراغ اپار تمان‌شما راروش
ر مهمان نا خوانده خود را
رهنمایی‌کـــرد و پـــر ت
در چوکی خاص ما یلد رید
یز چای نشست . میزبا ن
بچوکی مقابل وی جاگرفته
روب ؟
ندکی خود را راست کرد ه
متشکرم طوریکه قبـــلا
ن باید زودتر بروم .
رت چطور ؟
ر خودرا بعلامت‌نفی حرکت
هش را روی کتاب فورستر
نظه اول عنوان آن جلـــب
، پاشیده ، گفت :
همیشه داستا نهای جنایی
؟... برای من که اینگونه
ی ارزشی ندارند ، زیـــرا
زیر کانه‌ای‌درآن گنجانیده
البا روی تصورا تی‌بی‌ریزی
ت که‌در واقعیت‌امر نمیتوان
سد بدان عمل کرد . اگرطور
ن بخواهم کسی را بقتـــل
یقینا زیرکی قهرما نـــان
گونه روما نهارا نخوا هـــم
معمولا افراد زیرك بیشتـــر

دراینگونه موارد خودرا میبا زنـــد و بیشتر خطا میکنند . اصولا یـــك پلان دقیق و ظاهرا بی عیب کـــه بسیار زیرکانه تهیه شده میتوا ند بسهولت مشت طراح باهوش راباز کند . زیرا طرح کننده این پـــلا ن سعی نهایی بخرچ میدهد تاباساس آن، طابق الفعل بالفعل پیش برود، زیرا در واقع نقشه ایکه‌برای دستبرد باجنایت طـــرح کـــرده ، رهـــنما ی اوست وچه رهنما ی بی‌پایه ای...! شاید طراح زیرك کمتر باین اصـــل مسلم توجه کرده که (تصور) بـــا (واقعیت) یکجهان فاصله دارد واین وا قعیتها است که غالبا پا یـــه تصورات‌را میلرزاند شخصیکه مطابق پـــلان برای انجام یك عمل جنایـــی حرکت میکند، اگرحادثه‌ای بر خلاف پلان پیشبین شده رخ بدهد چـــه خواهد کرد ؟ او که خودش رامطابق به رموز و دقیق پلان عیار کـــرده است ، چگونه در برابر حوادث غیر مترقبه پایداری خواهد کرد ؟ ..در رومانهای جنایی ممکن‌است به‌نیروی خیال برای هر حادثه‌ای طریقهٔ فرار جسنجو شود ، و لی در صحنـــهٔ واقعیت ...

فور ستر حرفش را قطع کرده ، در حالیکه سعی میکرد .دلچسپـــی خودش را برای شنیدن عقا یـــد مهمان ارزشمند ، نشان دهـــد ، گفت :

ـ واقعا درست میفر مائید . من کامـــلا طرز فکر شما را تائید میکنم وضع برت چنان نبود که تصور شود بزودی خیال رفتن را دارد . وی‌بعد از مکث کوتاهی ، ادامه داد:

ـ حرفهای من معنی آنرا ندارد که گویا اصلا طرفدار طرح و نقشه ای درانگونه موارد نمیبا شم . اقدا م بعملی که باساس پـــلان و نقشـــه قبلی نباشد ، بدان ماند که انسان یك کشتی بی سلطان را در بحـــر بیکرانه‌ای سوق دهد ... ولی بزعم من اینگونه پـــلانها باید ... باید ، فی المثل الستیکی باشد ودر حالات مختلف باید تغییر کند . اگر بازهم کشتی را مثال بیاور یم. ناخدابايد بتواند بهر بندریکه مساعد بیند ، لنگر اندازد . بفکر من ، وقتی حادثه غیر مترقبه و پیشبینی نشده ای رخ‌بدهد ،وایجاب‌تغییرراميسر‌بنمايد طرح باید علی الفـــور تغییربنما يد وخصوصیات پـــلان طـــوری با شد که اینگـــو نه تغییـــر ات آنـــی را

الزاما بپذیرد .

فورستر با آنکه دیگر حرفها ی‌او را نمیشنید و در ینحـــال بایـــن موضوع می اندیشید که علت اصلی ورود نابهنگام برت درین وقت شب چه خواهد بود ، سر را بعلا مـــت تائید شور میداد. در حقیقت میا ن او وبرت هیچگونه را بطه‌ای وجود نداشت تا زمینه یـــك مـــلا قـــات عادی و صحبت نورمال آنـــان را۔ فراهم آورد .

مهمان نا خوانده پس از یـــك وقفهٔ کوتاه ، ادامه داد :

ـ البته مشکل است‌مثال ساده‌ای درتائید قول خود بیاورم ،ولی‌سعی خودم را میکنم ، زیرا با ذکر امثله اکثر معضله ها قابـــل فهم میگردد . طور مثال ، اگر من آمده باشم تـــا شما را بقتل برسانم ، در آنصورت هنگامی را برای این عمل انتخاب می کنم که بااطلاع قبلی بدانم .

که در آنساعت‌خدمه منزل‌مرخص شده وهمسر شما (مایلدرید) بـــه بستر رفته است. به هرحال من از عادات مایلدرید با خبرم ، چـــراغ اتاق خواب وی در طبقه بالا ، بعد از ساعت‌ده شب خاموش میشود وبه سهولت هم میشود اطمینان قطعی‌در اینباره حاصل کرد ، زیرا کلکین‌های منزل شما از روی جاده قـــابـــل رویت است .

برت در بیان مطلب خودهیچگونه تشویش و ترددی نشان نمـــیداد گویی یك مبحث عادی را میخوا هد بثبوت رساند .وی‌با همین‌بی‌خیالی ادامه داد :

ـ خوب، وقتی از جاده دیدم چراغ های‌اتاق خواب‌خاموش است ،وقتی فهمیدم ما یلدرید بخواب رفتـــه و خدمه مرخص شده و وقتی فهمیدم شما به تنهایی مشغول مطالعـــه هستید ، طبعا از طریق در وارد نمی شوم ، بلکه‌با انگشت به کلکیـــن مزنم ...

وی باز یرکی خاصی مستقیما به چشمان فور ستر نظر دوخته بود و میدید که میزبان دیگر بر اعصـــاب خودش تسلطی ندارد وتدریجـــا معنویات خود را میبازد . وی بـــا همان لحن قلبی‌دنبالهٔ بحث‌را گرفت:

ـ طبعا مایلدرید از واقعه اطلاعی نخواهد داشت و نخواهد فهمید که مـــن اینـــجا بـــه منظـــور خاصی آمـــده ام ... در آ نـــو قـــت مسلما علت اقدام خود را بسر عـــت برای شما خواهیم گفت یعنی اینکه:

شما کانون فامیل مرا بر هم زده‌اید

فورستر دیگر نتوانست خاموش بماند . وی‌علت ورود برت رافهمیده بود و دیگر نگذاشت حرف برت به جا های باریك بکشد :

ـ خوب ، کافی است ... ولـــی یقینا بخاطر دارید که من درســـت هنگامی با مایلدرید آشنا شدم که شما از هم جدا شده بودیـــد و در حالت طلاق بسر میبردید.

با بیان این جمله ، میخوا ســـت از جا برخیزد ، ولی مشا هده لولهٔ تفنگچه دوباره‌او رابجایش نشانید. فورستر برای نخستین بار متو جه گردید که برت دستکش تیره‌ای به دست دارد و دهن سیاه و مرگبـــار تفنگچه رابه نشانهٔ قلبوی معطوف ساخته است.

برت تبسمی کرده ، گفت :

ـ بلی ، من دستکش پوشیده ام تا آثار انگشتم روی تفنگچه باقـــی نماند . در پلانیکه طرح کرده بودم این موضوع مسلم بود که شما بـــه وقت گشودن در ، از منتهای حیرت ناشی از ورود نابهنگام و غیر ممـــن متوجه دستکشها نمیشوید و اصـــلا فراموش میکنید بامن دست بدهید. اگر بفرض محال میخوا ستید با من دست بدهید ،باعذر خواهی کوتاهی خود را کنار میکشیدم . این دیـــگر خیلی ساده است وطفره رفتـــن د ر برابر افراد ساده دل وزود بـــاور اشکالی ندارد ، همانگونه که شما و مایلدرید بسهولت مرا فر یبدادید.

برت بار دیگر سکوت کرد و این سکوت ،گو یاتر از هر کلمه‌ای بود که در میان مطلب وی بکار میرفـــت وی از اینکه مایلد رید را از دست داده بود و آن زن زیبا با همه طنازی اش با آغوش فورستر پناه برد ه بود ، سخت ناراحت بـــود. آتش انتقام سرا پای او را میسوخـــت و شعله های حسادت از چشما نـــش بیرون میجهید .

مهمان نا خوانده انتقام جو ، پس از سکوت کشنده ، اظهار کرد :

ـ نخست اینطور سنجیده بود م که بعد از قتل ، تفنگچه را بدست بی‌رمق شما قرار دهم‌و باین حادثه جلوه(انتحار) بدهم،ولی همانگونه که قبلا تفسیر کردم ، پـــلان خود را در آخرین دقایق نظر بمو قعیـــت فعلی ، تغییر دادم . بمـــجرد ورود متوجه پیاله های چای شما ومالدرید شدم که روی میز پهلوی هم قرار

گرفته اند وبرای من دفعـــتا ر
گردید که شما جفت خوشبخ
دقایق خوش و پرلذت چای نو
پهلوی هم سپری کرده اید ،
گو نه که من در آرزویش بود
همین جهته هم من ...
فور ستر با غیظ تمام فریاد
ـ شما عقل تانرا از دســـت
اید .
و متعاقبا با لحن استو حام
گفت :
ـ بنام خدا ، پای مایلدرید را
صحنه سازی ه دخیل نسازی
برت با لحن سرد و خالی
گونه عواطف انسانی ، گفت :
ـ هیچ پدیده ای نمیتواند
یاشفقت مرا بر انگیزد . آیـــا
گاهیکه یگانه‌مونس زندگی را
دور میکردید ،از رحم و عاطفه
در کله و قلب شما بود ؟... ح
نزدمن انگیزه ای وجود ندارد ک
گردد مراعات یکی از شما و یا
را بنمایم ، هرگز ... اما جر
فعلی ، تصور صحنه سازی ا
شما راز ذهن‌من دورساخت ،د
چه چیز سبب گردیده ، شما
بخود کشی بزنید؛ این سوا
است که یقینا موقع بررسی
هر کاری آگاه و پولیس با تج
خواهد گذشت و چون به نتیج
قطعی نخواهند رسید، مسلما
بررسی و تحقیق را گسترش‌خ
داد و آنگاه ...
برت مکثی کرده . ادامه داد
ـ براستی من او را دوست
داشتم ، بیشتر از زند گیم ،
مایلدرید اخلاق نا هنجاری دا
با اندك بر خوردی ، منفجر م
و مجموع لغات نا مطبوع و ک
زشت‌و نفرت انگیز را بسرم
ریخت. با آنهمه زشتی وتلو
عشق مرا نسبت بخودش از
نبرد ، ولی مرا به ستوه آور
زندگی بیزارم‌کرد .. ظا هرآ ا
جدا شدیم ، اما با طنا او را
پر ستیدم.
برت یکبار دیگر نگاه شرر
خودرا بچشمان فو رستر مع
ساخته ، بعد از اندك فاصله
بخش صحبت،دوام داد:
ـ ... وقتیکه پیاله های چ
را روی میز دیدم ، پـــلان خ
فوراً چنین تغییر دادم. صحن
طور ساخته شود که بوی یك

بقیه در صفحه

د گلو بهیر

متصدی : ز،س

اوسنی اد ب :

دعشق پور

ماته مه وایه ، چی دا خه شر وشور دی
انو یواله!پـــه ز ړ گی کــی می سور او ر دی
ناوکی پرسپین تندی راخپوراوربل کی
کەدورخی زړه دشپی په راتلو تور دی،
زه په زړه ددرد ناری وهمه
غمـــازخو شی لگـو لی د غاو تو ر د ی
که ته بو لی یاشری می ، بـا کەمی‌نسته
له ازله مــی پـــر غا ړه د عشق‌پور دی
مینـــی‌هسی ز ړ ه راسپین کی چی‌یی گورم
زملاسر د بنمن می هم دستر گـــوتور دی
راته نه‌گوری بانی ، کـــا هسی داسی :
تیره کړی یی پرلوټه باندی لوردی
دزړه درد و ، چـی می دا غـز ل اشنا کـړ
کنه میـــنه او داستان خـو یی لاوور دی

پوهاند حبیبی

اوسنی ادب — درنو اوښکو باران

د نیا را باندی تل گر دوغبار د ی عـا لمه
په‌زړه می دظالم بیلتون‌پـر هاردی عالمه
دنیا راباندی تل تاویږی دژر نـــدی‌پــه شان
دسترگو می بهیږی درنو اوښکوباران
دلبر می مرور دی خلقه یمه هـــک‌اریـا ن
منصورغـو نـد ی زما عمر په داردی عا لمه
ریباره رب‌لپاره ډیر به وکړی ثواب
زمـالەلـو ری یار ته ړ و ا یــه خـو ا ب
نامردی هغه خپل اشنا د شو سینـــه‌کباب
نه لـوردنامسلم پلار دی خو نکاردی عا لمه
تیرشوی له دنیا دی عا شقان د پره‌ارمان
چی‌خوک‌به پیدا نه‌شی د لیلی مجنون په‌شان
دوی دواړه صادقان وو، چـــی شول‌ستوری داسمان
فرهـادمی شیر ینـــی پسی بیمار دی عا لمه
فقیر رحمدین وایی حکایت په‌ښه‌مضمون
دیدن دیاروصاف گنم مرگی لکه بیلتون
هغوک نه‌پاتی نه‌شی خلك را کاږی‌په‌افسون
مخلوق یی کړ جارومرگی ناتار دی عالمه
«رحمدین دلغمان‌اولسی شاعر د۱۲۹۹مړ»

دوطن کور

غوبنی، شی، هدوکی شی، واجمع شی‌بدن‌شی
وینه‌شی، ارواسی،سرو خو خیری تـن شی
عقل شی احساس شی، دوطن ادی‌یی‌وروزی
زړه شی، کور دمینی شی، میشته‌پکی‌وطن‌شی

حبیب الله رفیع

خیردی وی

اوښکی می له ستر گو څـی‌بی واره خیر د ی و ی
هیڅ خه خبر نه راځی له یاره‌خـیردی وی
کومه قضیه بیگاه سبا ز مـاد سر شوه
بیاله غریوه ډکراغی ربیاره خیردی‌وی
درسته ورځ خفـه دزړه په‌غولی‌مـی‌تیاره ده
ووتم درو غو له روز گا ره‌خـیر دی و ی
بـــیاله یا ره بـوی را و پـشمـال دتو رو زلفو
ستاپه خونه چفی شوی عطاره‌خیر دی وی
یارمی بیگا تله په خوله‌یـی‌هیڅ راته ونه وی
هیره یی چا په شو ه له‌تلواره‌خیـر د ی و ی
یارمی مسافر دی سلا مت له‌خیـر ه راشی
ومی شلید و لړ له چندن‌هاره‌خیر دی وی
بیابه چیرته کښیوزم په حلقودتورو ز لفو
لوبی می په خوب کی کړ ی‌له‌ماره خیر دی و ی
گرځی په کوڅو کی‌دولـت مند لــه‌تانه ډیر
یار به‌گړم هم تا قاسمـه !یاره خیردی وی

(قاسم)

مسافر آشنا

مسافر آشنا چیری رانه ولاړی؟!

ستا وفا همداوه ؟... ته همدی ته مینه‌وایی چی پرخان دی مین‌کړم ... اوپه لیونی مینی‌کی دی لیونی .

دژوند دتور آسمان په بهیرکی لکه‌دتوری‌شپی ستوری سترگکو نه وهی ، نـوبیا دی پخپلی مینی کی ولی وسوزولم ...هواخوته‌لکه دمازیگر دلمر په شان وی ...چی زما دزړه دافق وریځو ته‌دی اور واچـاوه ... زه‌هسی سوزیلم خوته راځځه ولاړی ... او د بیلتانه زړه در دوونکی تیاری دی راخپری‌شوی ، ډیر درپسی وگـرځیدم ... خـود ببلتانه په تردمی‌کی دی چیرته پیـدا کـولای‌شم .

لکه چی تادمینی په کتاب کی دهمدی دوورځو وفا او مینی ترانه لوستی وه‌ها ؟...

خو هغه ترانه زما ښه په یاد ده ... اوهغه ترانه چی اوس یی زه ستا د بیلتون په شپوکی یواځی دخانه سره لولم اوماشوم زړه پری کراروم ...

خوته ... ته‌هم پو هیږی

چی نکیږی ... زړه تاغوارړی ... تابه‌چی‌کله‌کله زما په سینه سر ولگاوه ، او په خوشی خبره به‌دی کټ‌کټ اوږده خندا کوله ، اودزړه خاله په دی دخپلی مینی په گرمی توده ساتله .

مصطفی جهاد

کوتاه • دلچسپ • خواندنی

قلت شوهر

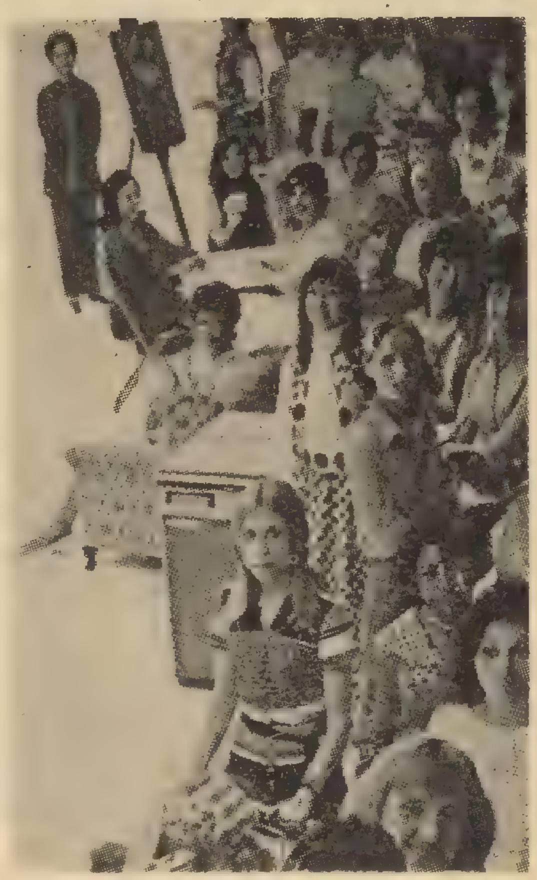

(جان پوستیج) دانشمند جامعه‌شناسی انگلیسی ، اخیرا نظر یه جالبی انتشار داده است او مدعیست که عده زنان دنیا روز بروز زیاد تر میشود و معلوم نیست به کدام علت تناسب میان نوزادان پسرو دختر بهم خورده و تعداد دختر ها بیشتراز پسر ها شده است واگر وضع به همین ترتیب ادامه‌پیدا کندبزودی‌عده‌زنان‌جهان دو برابرها میشو د وآنوقت است که قحطی مر د پیداخواهد شد وز نان همه‌کارهارا در تصرف خواهند آورد.

(جان پو ستیج) قرص و کپسول‌را توصیه میکند که زنان بخور ند تا نطفه های دختر در رحم آنها ازبین برود و فقط پسر ها متولدشوند و بدین طریق از افزایش عده زنان‌جلو گیری‌گردد. پرو فیسورانگلیسی که استاد در پوهنتون سو سکس‌انگلستان است ، خطر افزایش‌زنان را خیلی جدی گرفته و به همه‌هشدار داده است که برای مقابله با این خطر آماده گردند ، مخصو صازنان را متوجه این می سازد تا در آینده به مضیقه‌شوهر گرفتار نشوندهر چه زودتر کپسول های موردنظر را مصرف کنند و اگر نه بزودی‌شوهر حکم کیمیا راپیدا خواهد کرد وبه خاطر تصاحب شوهر خانمها ناچار خواهد شد به جنگ و جدال بپردازد .

کشف تازه‌ای برای رفع گریپ

چندی قبل در کشور شوروی ،دکتوران‌برای رفع بیماری ها ی گریپ فارانژیت لاز ثر یت و سینوزیت معا لجه بوسیله اشعهٔ ماوراء بنفش را تجویز کردند .

این عمل معمولا در شرایط شفاخانه با استفاده‌از دستگاه های‌نسبتا بزرگی انجام میگیرد این دستگاه ظاهرا شبیه تفنگچه است و با فشار دادن دکمه ای بکار می افتد ساده بودن دستگاه به بیماران امکا ن میدهد که معالجه را شخصا بدو ن کمك دکتور در منزل انجام دهند ، این کار مخصو صا در موارد شیوع گریپ فوق العاده پر ارزش است

افزایش موترهای شخصی

هم اکنون ماسکو و بعضی شهرهای دیگر اتحاد شوروی با مشکل فراوانی موتر هاو کمبود جاده های‌موتر رو دست و گریبان است .

و متخصصان راه عمده مبارزه بآن سازمان عقلانی حرکت وسایل نقلیه عمومی منجمله محدود کرد ن‌تردد موترهای سواری درمرکز شهر است گفته شده که در سال ۱۹۳۷در حدود ۴۰ میلیارد مسافر از سرویس های‌برقی‌و پطرول استفاده‌کرده اند متخصصان غربی‌نیز به‌این نتیجه رسیده‌اند که باید وسایل‌نقلیه عمومی بسط وتو سعه حاصل کنند نه موتر های شخصی .

هاکی در روی یخ در شوروی

یکی از مشکلترین ورزشها ،هاکی‌روی یخ است ،که در اتحاد شوروی بیش از سایر کشور های جهان‌ورزشکرانی درین رشته تربیه می شوند در شوروی هم اکنون ۱۰۰تیم هاکی روی یخ وجود دارد که در گروههای (آ) و (ب) با همه‌هزار نفر در رشته هاکی روی یخ مسابقه هائی میدهند و جمعا ۵۰۰هزار نفر دررشته های هاکی‌روی‌یخ کار می کنند .وجوان ترین گلرهاکی‌روی یخ در اتحاد شوروی آقای (ولاد لیلاو ترتیاك) است .

سوفیا لورن بهترین لحظات زندگی‌راهمراه شوهر وکودکانش می گذراند .

سوفیالورن، درآستانه‌ی پیری

ترجمه ی :رهپو

سوفیالورن: برای‌من بهترین پناگاه شوهر واطفالم است رازهای زیبایی درآرایش غلیظ و تند نهفته نیست بلکه درخود شناسی پنهان است

«بزرگترین جشن تولدم همان‌سالی بود که‌مادرشدم»

چندماه پیش چهل‌ساله‌شدم.

برخی این را زوال من می‌دانند. زیرا می‌گویند چهل سالگی سقوطی‌است ما نند قفسچه لفت که ناگهانی بپایان فرو غلتد. وبنظر برخی این پایان زندگی زیبایی ها ماست.

ولی من از اینکه پابه‌این سن می گذارم مسرودم. پیش ازآن چنین خوشی‌ای راحس نکرده بودم. ونمی خواهم که‌دوباره به سن بیست برگردم. درآن سن می‌خواستم باکارول عروسی کنم ولی نتوانستم . وباشدت می‌خواستم بچه دار شوم ولی نمی‌توانستم نمی‌دانستم که کی هستم‌وچه‌میکنم.

ولی‌سن ۳۰ سالگی رامی‌توان دوران تولد اساسی زندگی ام بحساب آورد. وبه‌آن‌آمادگی چندان نداشتم . بعداز اینکه بسن پانزده سالگی پاگذاردم به‌سینما راه‌یافتم‌و همیشه دررل‌زنهانه‌دختران .

درفلم ((عروسی به‌شیوه ایتالیایی))پسر ۲۲ساله داشتم. ودر فلم((دوزن)) دختر ۱۴ ساله‌وقتیکه بسن ۳۰سالگی وارد شدم تمام مطبوعات جهان برمن هجوم آوردند و از احساسم درسن (میانه) سوال پیچم کردند. درآن زمان موجی از احساس نو سراپایم را فرا گرفته‌بود.

هنوز درسن پرهیجان قرار داشتم، مملو از خواسته هااندیشه‌های نو، وحتی‌می‌توانستم دست‌به عشق بازی هاویافتن دوست ها ی نوبزنم وبه‌تغییری در زندگی ام‌بپردازم.

پاگذاردن به‌سن ۲۰ سالگی زمانی است

سوفیا وکارول سخت بهیم علاقه دارند

که انرژی ونیروی انسان پایان‌می‌کشد واین مرحله است‌که‌آدم برای اولین بارمتو جه خودمی‌شود. دیگر بایدتوقع‌نداشت که‌مردم بگویند ((چه‌زن جوان وزیبای است.)) این سن تقاضای آن رانمی کند که انسان خودرا ازدیگران جوانتر احساس کند. بعداز سن۳۰ سالگی ممکن آدم دست به‌کار ها ی طفلانه

زند ولی طفل نیست.

این سن مرا مجبور ساخت تامزه تلخ این واقعیت رابچشم که‌دیگر زمانی نیست که‌به احساس ها و عواطف سرسری وکاذب زمینه جلوه گیری را بدهم .

دراین سن ناگهان شمامی دانید که برای همیشه نمی توان جوان وتازه بودناکامی‌هابا نام‌خاصش یادمی گرددودیگر نمی توان از جانس های دو را ن جو ا نی چشمی داشت.

گپ ها در مورد عمر مرا دلمرده ومتاثر می‌سازد.

ولی اکنون بهتر می دانم .

دراین ده‌سال اخیر بسیار چیز ها ر ا دانستم، بخصوص درمورد خودم، درباره‌سن وعشق تاسف نمی خودم. هر چیز یکه می‌خواستم‌کردم ومسؤلیت‌آنچه راپیروی‌نمودم احساس می‌کنم. چنان زندگی‌ای را از سر گذراندم که‌تعجب می‌کنم به‌چه چیز د ست نیافتم.

تاسف ثمره ای جز بوجود آوردن چین و شیارهای چهره‌چیزدیگرنیست.

جشن سالگرد تولدم درچهل سالگی‌خوشی آورترین سالگرد تولدم بود، زیرا بالا خره خودراشناختم. دانستم که من کی‌هستم وبه چه‌ضرورت دارم .

ازاین پیشتر هیچگاه احساس‌جوانی‌نکرده‌ام زیرا به‌پیروزی دست‌یافتم . دوطفل دارم ، معجزه‌ی که‌درتمام عمرم‌به‌آن چشم داشتم ، واین‌راامانند تمام‌وجودم دوست‌دارم . دوکودکم سیبی‌وادوارد وزندگی‌ام رابه‌صورت کا مل دگرگو ن ساخته‌است وبه‌آن توازن بخشیده است. وبه‌همین دلیل هیچ احساس تر س ازپیری ندارم زیراباآنان بز ر گ‌میشوم.

دراین سن یادگرفتم که‌چگونه کوزه راه رابپایم ،بر احساس هایم چیره شوم. تجارب کمتری گرد آوردم واز آن هراضی باشم . نسبت به‌ده‌سال‌گذشته بدگمانی کمتری نسبت به نیکو کاری بشر دارم. کمتر ضرورت‌به دیدن هرچیز دارم ویااینکه هرکس مرادوست داشته‌با شد وزندگی خامو شانه ا م راپر نماید

دوستان ارزشمند اند ولی بـه‌مقدارکمتر آنها ضرورت دارم. سعی می کنم چنددوستی که‌دارم به‌شکل بهتر از آنها بررسی کنم . دراین سن که آدم‌می آموزد، که‌مردم تنها نمی میرند طو ریکه درسن ده سا لگی آدم می اندیشد، ولی آنها دور می شوند و یا از دواج می کنند و یا ا ینکه هیبی می شوند .

داشتن دوست برای روز بدحباتی‌است‌ولی به‌این دوست باید سخت اتکاء کرد، مانند دوستی که‌باآن درددل می نمایی وازدلمردگی نجات می‌یابی . برخی عقیده ارند که‌مارلین مونرو ازپیری می‌ترسید. ولی من‌فکر میکنم که‌اوبه علتی خود کشی کردکه بی دو ست بود وبه‌شدت تنها. من دوخواهرخوانده‌نزدیك دارم مثل که‌دیگران بـه آ نها ضر و رت دارند.

من با کارول شوهرم راجع به همه چیزسخن نمی‌زنم زیرا شوهر ظرفیت متفاوتی دارد. زنها همدیگر را بهتر درك میکنند وبه‌آنها مـی تـوان گپ ز د . با رو ل درمورد اطفال ،خانه وغیره سخن می ز نم‌ولی اورا به‌دنیای شك هایم وارد نمی کنم واوهم چنین می‌کند.

درهمین سن نیز علاقه دارم عشق‌بور زم ولی‌نمی خواهم این‌حالت راچنین بز ر گ بسازم که‌همه مسایل راتحت شعاع بگیر د. درسن بیست سالگی فقط به‌ظاهر مرد و حتی لباسش می‌نگریستم، پهنای سینه ها یش توجه‌ام راجلب می‌کرد، ونمی خواستم که‌چه باشد فقط تمایل داشتم همانچز که هست باشد.

ولی حالا فکر می‌کنم که عشق بکار،شوهرم وکودکانم مهم است. حالا آموخته ام که با به‌مغزم‌فکر کنم باقلبم‌احساس‌کنم‌ودیگران ر ا بحرکت بیاور م .

از اینکه زیبایی ام را می بازم متا ثر نیستم زیرا می دانم که‌این عنصر در دراز مدت مهم نیست در اوایل زیبایی در هارا بروی انسان می گشاید و لی‌اگر استفاده‌نشود بزودی همه چیز از دست می رود. به آن هنرمندانی بنگرید که‌چطور بسادگی پیش ازاینکه زیبایی شان پایان یابدخود شان‌از نظر هـاگم شدند زیرا چیز مهم دیگر-نداشتند.

زمانی کاری گرانت برایم گفته بود که من زیباهستم واینست کلماتش ((سو فیا ، تومیوه‌ای هستی که‌در درخت نمی رویی)) جواب دادم. ((نی، ولی خوب‌است که‌در بین مردم می‌روییم، این‌مهم است))اوخندید،ولی به‌مزاح این رانگفتم . دیدهاتغییر می‌یابدولی اگر جالب باشید ومورد توجه، واگر راستی غیر ازخود به‌مردم هم‌بیاندیشید، برای‌همیشه مورد احترام مردم خواهیدبود"

زنهاییکه فقط به‌جوانی وزیبایی‌می‌اندیشند با پاگذاردن به‌سن ٤٠ سالگی دلمرده‌میشوند. اگر شق اول رافکر کنید، خودخواه‌میشوید این خودخواهی پژمرده می شود ودر(حقیقت) شما نیز به‌آن می پوسید. راز این نیست که‌زیبای جاویدان باشد بلکه باید از لحاظ احساس وعواطف برای یك مرد جو ا ن بمانید. مردم ممکن بازیبـا ی کسی عشق بورزندولی این حالت گذررا دارد وفر دادل رامی زندبوزیبای دیگری‌رامی‌خواهد.

یقین داشته باشید که آرایش، ر ژیم گرفتن وخودرا لاغر ساختن ،دست‌زدن به عملیات پلاستکی وغیره (رازهای) جو ا نی وعشق نیستند. روابط جنسی فقط یك گوشه

بازی با ادوارد سرگر می خوبی‌برای‌سوفیاست

از ارتباطات زندگی خانوادگی است و آنهم خیلی گذرا.

امروز دوستی وعشق من‌کارول این‌سرحد هارا درنوردیده‌است.

آنچه که‌ساختمان مستحکم این روا بط رامی سازد به‌سن ٤٠- یا٤٥ ویا ٥٠سالگی ازبین نمی رود.

این ها: احساس مشترك،رویاهای‌همگانی درد های مشترك وده هاچیز دیگر است که پایه‌های مستحکم رامی‌سازد.

سن طبیعی، پیوند کمتری باسن روانی ، فزیکی ودماغی دارد . سن چیز یست که شماخودتان فکر می‌کنید . من همیشه این گفتار یك دانشمند فر ا نسوی را بیاد دارم که:

((زنها ازسن ٣٥ تا ٤٥ پیر اند. و لی بعداز آن ساحری صورت می گیرد و آنهازیبا بالغ وبا شکوه می شوند .تر شی‌ها ازبین می‌رود وجای آن راقلمرو وقارت ومتا نت می‌گیرد.

اینگونه زنها به دوستی می ارزند و مردیکه به آنان بر می خورد هیچگـا ه پیرنمی شود)) .

مادرم از جمله این زنهاست ومن نیز آرزودارم چنان زنی برای کارول مادری‌برای سیبی‌وادوارد وخودم باشم . واینکه من دراین سن ازترس پیری رنح نمی برم بخاطرمادرم است. او برایم‌نمونه‌خوبی‌است.

واگر بتوانم راه زندگی او رادنبال کنم دیگر ترسی وجود نخواهدداشت.

اویك پیانو نواز بزرگ ومعروف بـو د ولی زندگی اش راقربانی من وخواهرم‌نمو د بدون او امروزمن‌چیزی‌نبودم. او با وجـو د ٦٥ سالگی هنوز چه ازلحاظ ظاهروبا طـن زیباست . اوبجای گرفتن مید هد واین راز جوانی اش است . او در برابر همه‌حوادث آماده است و هرگونه تغییری رادر زندگی پذیرا می شود. از همه کس مراقبت‌می‌نماید واز خودش چه‌ازلحاظ روانی ،فزیکی و مغزی پرستاری می‌کند.

من نیز بزندگی ام تو جه‌دارم. هشت ساعت می خوابم . یگانه کرمی که ازآن‌کار می‌گیرم روغن کودکان است. به‌چهره ا م آشنایی دارم ومی دانم چه آرایشی برا یم مناسب است. ازمدتها ست که‌نوع لوازم

بقیه درصفحه٦٠

پدرش (برتولد) و مادرش (سوفیا) نام داشت که هر دو از اهالـــی و مسکونین ایالت (شوا بن) بو دند پدر ش در اوایـل زندگی یـــك مامور خرد رتبه بود که بعد ها در کارش به ترقیاتی نایل آمده و آمر یك کار خانه کاغذ سازی میشود . ولی مادرش کار وباری ندا شت و فقط بامور خانه رسیدگی مینمود .

(برخت) پس از ختم تحصیـــلات ابتدائی شامل متوسطه‌سلطنتی شده وبه فرا گیری میپردازد و بصورت ضمنی از استعداد شعر گوئی خود مستفاض شده و اشعار خود را در مجلهٔ (دی آرنه) میفر ستاد کـــه غالبا به چاپ میرسید تاآنکه درسال ۱۹۱۷ متوسط را تمام میکند و برای تحصیل‌در رشته طب آمادگی می‌گیرد مسقـط مـریض خـو د بسـو ی مو نشـن کـه تـقر یبـاً هشتاد کیلو متری فاصله دارد بـه مسافرت می پردازد .

ولی از آنجائیکه جنگ عمومـــی اول در جریان بود (برخت) بـــا استفاده از عکس العمل ملی گرائی خود نما یشنامه (داستان سر بـاز مرده) را که یکی از گویا تریـــن نمایشنامه های برخت در مــو رد

می نویسد . اما در همین فرصتیکه او مصروف نمایشنامه نویسی بو د غالبا نقد تیاتری را برای روز نامه (فولکس ویله) می نوشت که ایـــن نوشته ها گذشته از اینکه شیـــوه های ثابت نقد داشت انعـکـاس‌از افکار ونظریات برخت درمورد تیاتر تمثیل و نمایشنامه نویسی هم بود که قسمت از آنرا یاد داشت هـا ی ضمنی او پزیرفته اند .

دوم) میزند وقتی نمایشنامه تکمیل میشود (برخت) آنرا بدائر کشـر خود آماده نمایش می سازد که کار (برخت) یکسره در خور توجه دقیق اهل فن بوده واز آن استقبال شایان توجه بعمل آمد .

(برخت) مدت چهارسال مصروف نوشتن نمایشنامه و آماده نمـــودن نمایشنامه ها بروی ستیژ بود و در این‌مدت او نمایشنامه های (هیاهوی

برخت حین تمثیل یکی از نمایشنامه هایش

به محل اجرا آمد .

(برخت) در فرصتیکه سخـــت مصروف فعالیت های هنری خودبود اختلالی درزندگانی فامیلی‌او بوجود آمد.

که در نتیجه او مجبـور شـد از همسرش‌بعد از ۵ سال‌زندگی‌مشترك جدا شود و مقابلتا با (هلنا وایگل) رسما ازدواج نماید .

در طول اینمدت برخت نمایشنامه های (ارتقا وسقوط ژاندارك مقدس کشتار گاهها) و نمایشنامه مادر را باساس رو مان معـرو ف ما کسیم گورکی نوشت که‌نما یشنامه (ارتقا وسقوط شهرها هاگونی) به‌رژیسوری خودش دربرلین بمعرض نمایش‌قرار گرفت و متعاقب نمایشنامه مـــادر برژیسوری برخت بمنصه نمایش‌در در آورده شد .

در سال ۱۹۳۳ برخت از برلین فراری شده و از طریق پراك بــه سویس میرود وبرخت داستان(هفت گناه) را نوشت که بعدا بصورت‌باله در شانزده لیزه پاریس نمایش داده شد .

که سال بعد از این جریان نازی ها حق تابعیت برخـــت را رسما سلب می کنند و او هم بصـــو ب

مسکو بمسافرت می پـردازد و از آنجاه بسوی نیویارك‌عزیمت می‌کند.
(برخت) در شهر های مهـــم اروپا فعالیت های مهمی را ایفـامی کند که بصورت عمومی این فعالیت او را در مشهور ساختن بیشتـــر کمك میکند و او در پنای نبـوغ و قدرت بی نظیر واستعداد فطر ی‌و اندیشه های روشن و تابناك خـود پدیده های بکرو تازه برای جهـان تیاتر ابداع میکند بطریقی که بعدها سر مشق ارزنده برای بازیگـــر ان تیاتر قبول میشود . اودر کنـوا ــ نسیون بزرگ نویسندگان‌در پاریس تازه ترین اندیشه های خود را برای ارتقا وگرایش باز یگران بســو ی یك اساس نوین و تازه تقدیم‌میکند که‌باکثریت آنرا مفید و سود منـد ودر خور استفاده میخوانند .

همچنان بین سالـــهای ۱۹٤٥ ــ ۱۹٤۷ ارتباط و همکاری بیـن او و (چاز لیزلافتون) بر قرار میشود که (چارلز) نمایشنا مه زندگی گالیلـــه) بزبان انگلیسی ترجمه می کـنـد و برخت آنرا در لو س انجلس و نیویارك به‌نمایش میگذارد تادر پنای همین نمایشنامه بتواند اتهـا مـات وارده را از خود دور کند .

(برخت) نمایشنامه های زیاد ی نوشته که از جمله (دایره تیاتـری قفقاز)محکو میت لوکو لوس (ننه دلاور) را میتواند یادکرد اوبدریافت نشان ملی درجه اول نیز نایل شده واز جمله کتب اوکتاب (کاردر تیاتر او شهرت فراوان دارد .

و در سال ۱۹٥٦ باثر یك سکته قلبی چشم از جهان میپو شید .

یك نگاه کوتاه به نمایش‌نامه‌های برخت :

بصورت عمومی نمایشنامه هـای برخت که چه بر اساس وقایع تاریخی نوشته شده مانند (ننه دل آور) و (زندگی گالیله) و چه محـــصول و زائیده تفکر و اندیشه اوست همـه دارای منظور های عمیق اخـلاقی و حاوی رصالت های بیدریغ است که منبع ومایه درونی دارد واز همیـن خاطر است که نمایشنامه های اورا باتکای درو نمایه ژورف آن (عقل گرایانه) میخوانند .

و جانب دیگر تئوری های اینمـرد پر قدرت که امروز سر مشق تیاتر ها بوده و در نفس خود یك شیوه ومکتب مختص بخود است با ژ رف نگری های که نمایشنا مه های خود وی انجام داد کلیه تئوری های اودر باره نما یشنامه و تیاتر ، در طـول زندگی اش چندین مراتبه تغییریافت ولی عقیده او قسما ثابت و غیرقابل تغییر بوده است .

چه برخت عقیده داشت که تیاتر باید از مسحور کردن تماشا گـران اجتناب ورزد ولی سعی کند کـــه بینند گان را به تفکر وادارد .که‌این طرز عقیده او بصورت خاص و مجرد در همه آثار او بملاحظه میرسد .

نمایی از نمایشنامه مشهورزند گانی گالیله

نما یشنامه های برخت دارای یك خصو صیت است و آن اینـکه در هیچ یك آن قهرمان وجود ندارد و هیچکس را چه از لحاظ شخصیـــت روانی وباطنی وچه از لحا ظ منزلت اجتماعی با کسی دیگر بر تـــری و بهتری نیست زیرا برخت عقیـــده داشت که‌برای او(من) وجود خارجی ندارد آنچه باید موجودیت پیدا کند همانا (ما) است براوی همین طـرز تلاقی آدم‌ها‌و قهرمان های نمایشنامه های او که آدم های بد کاری استند اعمال و کردار های مهم و موثری را انجام میدهند و کر کتر های خـوب ودوست داشتنی دراثر بر خورد ها و اصطکاك های اجتماعی به افعا ل واعمال بدو نا شا یستگری متما یل میشوند .

مثـلا در نمایشنامه زندگی گالیله پاپ از نگاه خودش نسبت بعـلم و دانش علاقه فراوانی از خود نشا ن میدهد وظاهرا نظریات (گالیـله) از قبول دارد ولی نظر به مو قـعیت اجتماعی وطرز تفکر مذهب‌پرستا نه خود را مجبور میدانند در مقا بل گالیله زشتی کاربگیرد وبرای حفظ مو قعیت خود اورا شکنجـه کنـد در جانب دیگر این جریان دستـهٔ دیگری هم دیده میشوند که چـــون منافع خود را مخاطره قرین احساس میکنند (گلیله) راحق بطرف‌دانسته وسعی میکنند او را از خود بسازند ولی این جاه یك تناقض وجود دارد و آن اینکه این دسته سرمایه دارنه بخاطر علاقمندی شان بعلم و دانش باین عمل دست می زنند بلکه آنان باندازه گیری ها وپیمایش تخمینی شان در یافته اند که اندیشه های نوین و انقلابی گالیله جهان صنعت را گسترش میدهد و آنان از ایـــن رهگذر منافعی را برای خود جستجو می نمایند .

اماخود گالیله‌اتکای شخصیت ترسیمی اش در نمایشنامه برخت از نگـــاه کر کتر طوری ترسیم‌شده که‌فکرمی شود از همه‌نعمات‌و مواهب برخور- دار است و بموفقیت های بزرگی هم نایل شده است اما همینکه علما ی مذهبی باندیشه های او انتقاد کرده و او را تکفیر میکنند و او را تحت نظر میگرند یکبارگی اسناد و مدارك خود را مخفیانه بخارج میفر ستـــد که این حرکت او میرساند که گالیله یك‌مرد جبون،ترسوعقب مانده‌است که‌هیچگونه صنعت قهرمان شدن در او جستجو نمیشود .

و مزیدا تماشاچی و یا خوانند ه گالیله برخت را شخصی ریا کـار متظاهر ، چاپلوس می یابداما درختم او بیك آدم خود خواه و خشونت‌کار تحول میکند .

حالا ناقدان حق دارد برسد کـــه یکمرد ناقص وضعیف چگونه ممکـن است پایه گزار دانش شود ؟

او دیگر اینکه نوعیت نمایشنامه گالیله برخت ازنگاه‌نقد امروز نمـا- یشنامه مشکوك لقب گرفته با یـن توضیح که این نمایشنامه نه‌ماهیت تراژیدی دارد ونه‌آنرا میتوان‌کمیدی خوانه همچنان شخصیت خودگالیله در این نمایشنامه فوق العاده نیست در حالیکه یك قهرمان اصول فوق- العاده باید باشد .

(جورج ساوتر لند فرائزر) استناد پوهنتون راج ستر نیویارك عقیـده دارد که ماشخصیت گالیله برخت‌را از خود بالاتر والانه احساس نمیکنم او مطابق رسم واصول تراژیـدی های کلاسیك که مرتکب خطـا ی عقلانی و یا اخلاقی شده باشد در

بقیه در صفحه٥٦

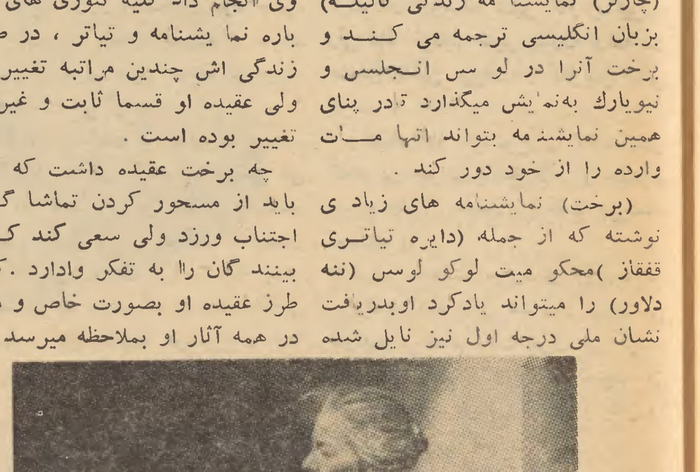

فوتوی بالانمایشنامه ننه‌دلاور برخت‌نشان را میدهد.

دنی پروانه گگم

هرو قت که به پسرم دنني‌مي نگرم فکرمی کنم او پروانه گگم است او در سن پنجسالگی تولیدیافت...

• • •

عشق‌مادری‌معجزه گراست‌وهمین‌امر بود که پسرکم دننی راازدرون‌ابرهای‌تیره‌و تار غیرعادی بودن، بیرون آورد.

هر وقتیکه به‌آن می اندیشم‌هرگز باورم نمی شود .این ها فقط معجزه میتواند باشند .

بشبی که پسرم دننی پابه زندگی گذارد بخوبی بیادم است .نیمه شب یکشنبه ، در شفا خانه بــود درد شدید نداشتم ولی احساس میکردم که طفلم تولدمیشود برحسب حساب من این زایش یکماه پیشتر صورت می گرفت .

کمی قبل از نیمه شب شو هرم باموترش مرابه‌زایشگــاه برد. د ر اتاق تنها بودم و احساس میکرد م که طفلم پایین می‌آید. لذا صداکردم کمك«کنید طفل پیدا میشو د لطفا بکمکم بیایید ».

پرستار شبانه با عجله آمــده و بازویم را گرفته گفت: «لطفا بدوید که به‌اتاق حمل بر ویم» در راه به پرستار دیگری گفت :

که بداکتر تلفون کند .

بمجردیکه داکتر داخل اتاق حمل شد، طفلم تو لد یافت. وضعم چنان خراب بود که آنان طفل را گذارده‌و سعی کردند بمن رسیدگی کنند . بلا خره گفتند .

«پسرك تو لد شد ».

این سومین طفلم دننی بود .

وقتیکه روز بعد اورا بنــز د م آوردند به شدت تکان خــوردم . او کامــلا پوست و استخوان بود چهره اش تکیده و خشك بــوده و سرا۔ پایشس را موی سیاه پوشا نیده‌بود. و به شدت می لرزید .

فقط ٤٨ ساعت به شفا خانه‌ماندم هنگامیکه بداکتر گفتم که دننی می لرزد او گفت (تیرمی شود ، مهــم نیست) واین وقتی شگفت انگیــز بود که هوای اتاق نزده درجه بود.

بعد متوجه شدم که پستان را نمی چوشد و باز وقتیکه موضوع را بــا داکتربمیان گذاردم گفت(مهم نیست هنو ز بسیار وقت است .بخا نه که رفتی خوب میشود .)

وقتیکه بخانه بر گشتم بیدار ش نمودم که شیر بخورد . تمام وقــت را خوابیده بود . خواب غیر عاد ی مثل یك مرده و هرگز گریه نمی کرد با ا ضطراب و پریشانی بوسیلــه قاشق برایش شیر دادم . بعد سعی کردم از چوشك شیر کار بیگیر م ولی مك نزد . شیر بدون اراده در حلقش پائین میرفت و کلویش رامی گرفت .

وقتیکه باز موضوع را با داکتــر گفتم در جواب پاسخ داد :(چیــزی نشده اش . شما بی علت پریشان هستید).

درظرف دوهفته موی‌های روی‌بدنش ناپدید شد ولی هنوز زیــاد می خوابید و تمام وقت عرق می کرد . بعد بوی بدی از وجودش شنیده می شد ومجبور بودم رختخو ا بش را هرروز تبدیل کنم .

برایم تر سناك مینمود. و قتیکه این موجود کو چك ونازیبا را بــه آغوشم میگر فتم‌سراپایم پرازتر س و اضطراب می شد .سعی میکردم تا پریشانی ام رااز شوهر و دو بچــه دیگرم بپوشا نم ولی بی‌ثمر معلو م میشد .آنان هیجانم را درك کردندو متاثر شدند .

شش هفته شده بود ولی هنــوز پستان نمی گرفت ، ولی بخوبی به وسیله قاشق غذایی آبگین را گرفته می توانست . دو باره به داکتــر مراجعه کردم ولذا خواستم تا خطی برای معاینه‌ی امراض حیوانی برایم بدهد . بعد از مدتها انتظار بالاخره اجازه رفتن به شفا خانه امــراض عصبی را در لندن بدست آورد م.

ولی هنوز بسیار وقت بود و برایم گفتند (هر ماه اورا بیــاور تــا در نتیجه معاینه‌معلوم شودچه تغییراتی در او بوجود می آید ممکن علت این امر تولد پیش از وقت طفل باشد .

دننی پس از صحت یــا بی بــاخانواده اش

لذاتو نباید متاثر باشی).
متاثر نباش . این کلمات را همه داکترانی تکرار می کردند هر روز به طفلم می دیدم و مراقبت او بودم تا علایم مبنی بر اینکه او یك طفل عادی است در وجودش بیابم .ولی بنظر من او یك موجود انسانی نبود یك چیزی بود. هفت ماهه بود ولی حرکت نمی کرد . روی رختخوابش افتاده بود .فقط می توانست بوسیله پیاله چیزی بنوشد .

بعد از دو دفعه معاینه ابراز نظر کردند که دننی باید تحت آزمایش های بیشتر قرار بگیرد .بلاخره آنها نتایج آزمایش های خود را چنین گفتند .

(نتایج نشان میدهد که او به مرض کشش اعصاب مبتلا ست ودر نتیجه قسمت مرکزی مغز کار نمی کند. وروی همین دلیل ممکن طفل در آینده حرف نزند ، راه نرود و اگر راه هم برود یك بغله خواهد رفت و هرگز حرف نخواهد زد زیرا زبانش از حدمعمول بزرگ‌است.)،
(خانه ببرش ومراقبت او باش و پس از هر شش ماه برای معاینه‌ی مجدد به کلینك بیار یشس).

در حالیکه پای ورقه‌ی کا غذامضا کردم تمام وجودم برای کمك فریاد می کرد ولی همه آن بیهوده بود.
(فکر کردم باید خفه اش کنم).

در خانه با پسری خاموش و بی حیات، تو ته گوشتی که حرکت نداشت و به سختی شور می خور و هم و هیچ شباهتی با پسران دیگر م نداشت ، تنهای تنها بودم .

در یك بعد از ظهری در منزلم تنها بودم ودو نظر د رمغزم فشار می آورد . شوهرکار می کرد ، مادرم ازبچه ها پرستا ری میکرد و من‌فقط کاری جز به شفا خانه رفتن و از او مراقبت کردن، ندا شتم ،یا خود اندیشیدم (باید او را خفه کنم بلی این یگانه راه است ،باید او را خفه کنم .)

تلفون زنگ زد و بدون اراده گوشگك را بر داشتم. مادرم تلفون می کرد تا خبرم را بگیرد .اشك های که در ماه اخیر بزور نگه‌داشته بودم ،نا گهان فرو ریخت .برایشس گفتم که می خواهم دننی راخفه کنم صدایش صاف از گوشگك تلفو ن شنیده می شد . (بلحاظ خدا چه شده است ؟ سعی کن بر اعضابت مسلط شوی)

چیزی در مغزم برق زد. .از بچه ها پرسدان کردم واز او خواستم که بخانه بیاور شان .

و از این پس مجادله ام آغاز شد ولی هنوز نمی توانستم او رابه حیث پسر کوچکم بپذیرم .او بسیار اندو زده و بی حیات معلوم میشد . ولی با گذشت هفته ها چنین بنظر می آمد که در برابر بازیچه ها کمی عکس العمل نشان میدهد . در چشمانش نور نوی خوانده میشد ، نوری از شناخت .

با وجو دیکه ده ماهه شده بود هنوز به تخت خوابش نمی‌ایستاد.و برای کمکش دست هایش را لبه‌ی سخت می بستم به آ هستگی تخت خوابش را بالا و پائین می آوردم تا بلکه مطلب را درك کند .

سه هفته بعدیك روز صبح‌وقتیکه داخل اتاقش شدم روی تختش ایستاده بود . و بعد از آن فهمیدم که با زحمت میتوان از دننی چیزی ساخت او در درونش گیر افتاده بود ،و می بایست از پوسته اش بیرون بکشمش . ولی زمان زیاد ضرورت داشت .

پیشتر ها هیچ با طفل غیر طبیعی ای سرو کار نداشتم و در این مورد کدام هدایتی هم نداشتم . ولی با بزرگ نمودن دو بچه دیگر، کمی تجربه بدست آورده بودم و می دانستم که چه وقت باید گپ بزند ایستاده شود و بنشنید ،تبسم کند وراه برود . ولی سعی کردم او را به آهستگی مهربانی به این مطالب آشنا بسازم .

اول او را روی چوکی طفلانه بسته نمودیم .قاشق چوبی بزر گی را بارنگ های تند و روشن رنگ آمیزی کردم تا نظرش را جلب نماید.

روزی فکر کردم (باید برایش گپ زدن یاد بدهم) لذا برای ساعت ها نشستم و با او حرف زدم .

بار دیگر به‌شفا خانه برای معاینه بردمش باز همان نقص مغزی بود. تلاشهایم بیهوده‌است.هم‌انسال‌خشویم از هسپانیه آمد وسعی می کرد که باماساژ دادن به دننی رسیدگی کنند . بعدما برای گذراندن رخصتی به اسپانیه رفتیم وسعی کردیم برایش راه رفتن را یاد بدهم .

کژخلیقها یافریاد های وحشتنا ك:

وقتیکه از سفر بر گشتیم . برای اینکه چشم راستش را درست‌کنیم برای عملیات دننی را به شفا خانه بردیم. **در این وقت ۱۵ ماهه بودو** در این مدت کوتاه، زندگی اش پر از حوادث تراژ دیك بود. ولی پس از پایان عملیات چشم‌دیگر ش(چپ) شد . نا امیدی سر وپایم را گرفت و مجبور باز به شفاخانه مراجعه کردم .

دننی کج خلقی را شروع کردواز اینکه با او تماس می نمودم بدرونی می کرد .با من احساس بیگانگی‌می نمود .خوش نداشت باکسی رابطه

بقیه در صفحه ۵۷

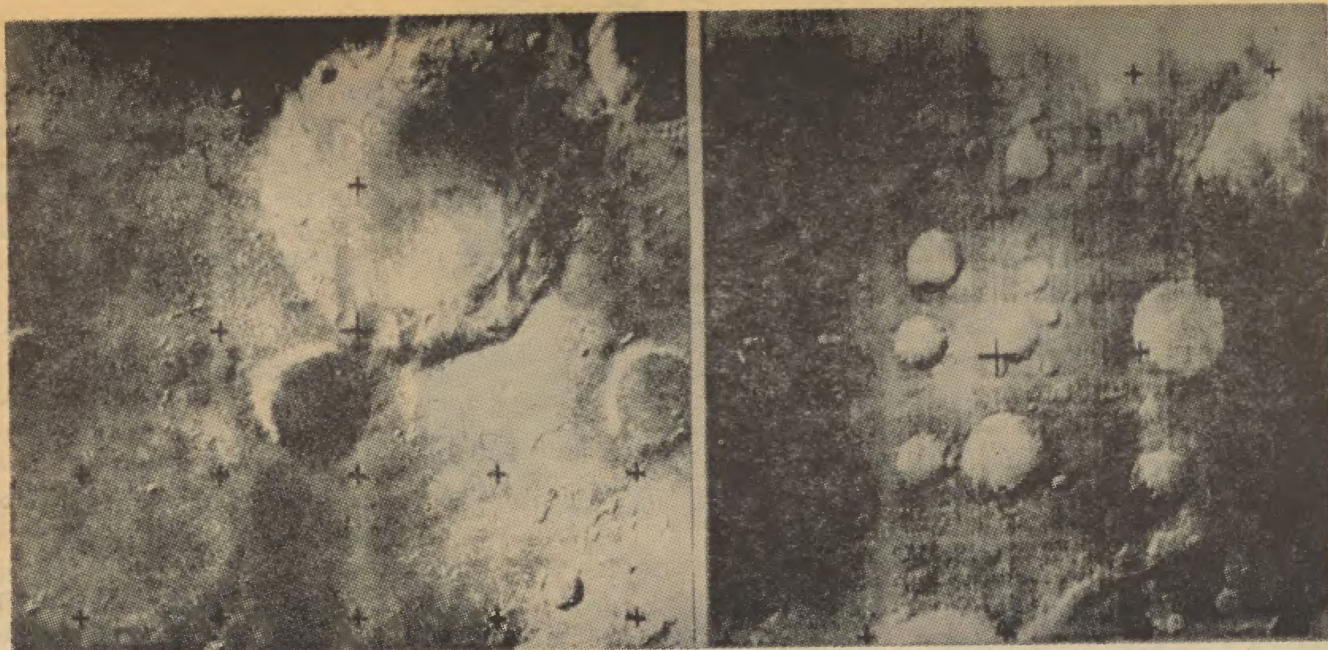

این عکس ذریعه دستگاه سیاره‌پیما اتحاد شوروی‌مارس ـ۵ـ بدست‌آمده است .

چگونگی دورنمای تحقیقا

برای اینکه دانشمندان با سرار کائنات پی ببرند کدام‌مسایل را در آینده نزدیکی حل خواهند کرد؟

* * *

دانشمندان کیهانی ساختن کشتی های کیهانی را که مسافرت‌چندین ساله‌را در سیارات تأمین بدارند در پیشرو دارند.

در زمان موجوده تحقیقات فضا کیهانی به مرحله جدیدخویش داخل گردیده و فضا کیهانی بحیث محل کار و لابراتوار دانشمندان تبدیل می گردد بعد از پرواز های ابتدائی عصر، تحقیقات منظم فضا کیهانی شروع گردیده ودر جریان چند سال آینده موفقیت های زیادی نصیب دانشمندان خواهد گردید .

اگر راجع به فضا نزدیك زمین بحث کنیم موضوع اساسی در این جا عبارت از مطالعه طبقات بلند اتمو سفیر ،مقناطیسو سفیر ورابطه زمین و آفتاب می باشد دقت زیاد دانشمندان متوجه بلند بردن کمیت تحقیقات ، طرح آزمایشات کامپلکسی تحلیل و تجزیه دقیق نتایج تحقیقات میباشد .فضا نزدیك زمین قسمت اصلی محیط اطراف انسان‌را تشکیل داده و بصورت مستقیم بر طبقات ضخیم اتمو سفیر زمین تاثیر وارد می نماید .از طرف‌دیگر ایو نوسفیر برای تحقیقات سیستم کیهانی طبعی بسیار نزدیك بوده و نتایج مطالعات آنها برای طرح سترا تیژی عمومی تحقیقات سیارات دیگر منظو مه شمسی و اجسام استرو فزیکی مهم میباشد .

دانشمندان جیوفزیکی بصورت آهسته آهسته نظر خودراز چوکات فضا نزدیك سیاره زمین به محیط بین سیارات می اندازد .دا نستن جریانا تیکه در آنجا می گذرد برای واضح ساختن مفصل رابطه زمین و آفتاب و میخا نیزم تاثیرات آفتاب بالای زمین بسیار ضروری است .

در زمان موجوده یکی کر دن میتود های مختلفه مشاهدات اجازه داده است که شکل ونمای عمو می مقنا طیسو سفیر وتاثیر آن را بالای باد های آفتابی در نظر مجسم کرد. فعلا فزیك روابط آفتاب وزمین به مرحله ئی می رسد که تمام نکت ها را تحلیل نموده و نتیجه رابطه جریانات دنیامیکی را فهمیده است وسایط خوب ترین برای حل این پرابلم ها عبارت از دستگاه های الوبا ستکی نوع (پرو گنوز) است که درتشکیل خود دارای‌یك کامپلکسی مکمل آلات می باشد .

دانشمندان در پهلوی میتود های پسیف اندازه‌گیری و ثبت‌جریانات که‌در محیط کیهانی رو نمامی گردد زیادتر آرزو دارند که در جریان تحقیقات از طرق اکتیف بکمك منابع پلازمائی دسته های‌اپولتس الکترو نی‌والیونی استفاده بنمایند . بدین قسم در چوکات پرو گرام (آراکس) اتحاد شوروی و فرانسه برای تحقیقات مقناطیس سفیر بکمك الکترو نهایی سریع وساختن روشنی قطبی مصنوعی آمادگی گرفته میشود .

آینده در خشانی را پیشر فت های ما بعد تحقیقات خارج از اتموسفیر آفتاب در سپکترر رنتگینی اشعه ماورای بنفش ،اشعه تحت قرمز و ساحات رادیو ئی بکمك اقمار مصنوعی مخصوص آفتابی می گشاید . جریانات در روشنی دهنده ما (آفتاب) حالت فزیکی محیط این سیارات و اتمو سفیر سیارات را که شرایط حیاتی را در سیاره زمین بوجود می آورد تعین می نماید . آفتاب عبارت از نزدیك ترین ستاره است که راجع‌به جریانات ستارگان دیگر بما معلومات میدهد . مطا لعه آفتاب بما امکانات آن را میدهد که میخا نیزم تبدیل کننده آن دریا فته

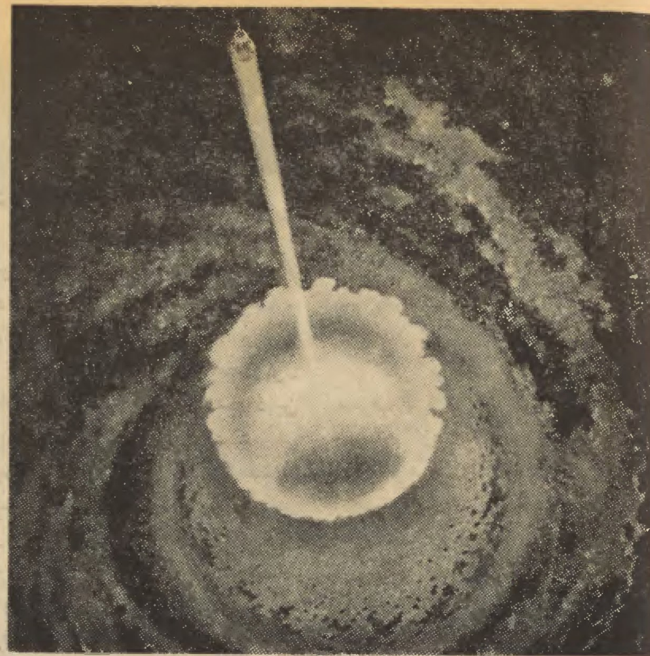

پرتاب ازستاره استروئید و لی(عکس فانتزی)

...ت کیهانی

انتقال انرژی را از منابع مرکزی به فوتو سفیر و غیره محصیا بسازیم . همچنان ما راجع به پیدا یـــشس ، پیشرفت و تکامل و تقسیمات ساحه مقنا طیسی آفتاب ، فعالیت آفتابی اثرات انرژ یتکی بسیار عالـــی در روشنی دهنده ما ، تشکیل کیمیاوی وسا ختمان فوتو سفیر کرومو سفیر و قشر آن معلو مات بدست خواهیم آورد.

ان موضوع همچنان در نظر است که تحقیقات سیارات مهتاب، زهره ومریخ راکه بصورت موفقانه شروع شده است ادامه داده شده و سطح سیارات ، اعماق آنها ، اتمو سفیر آنها وساحات تشعشعی ومقنا طیسی آنها مطالعه گردد .

تجارب فضا نوردان نشان دا ده است که مو ضوعات زیاد مسایل مطالعه سیاره مهتاب وسیارات دیگر باید بکمك دستگاه های اتو ماتیکی حل گردد . ازین نقطه نظرکه‌دستگاه های اتوماتیکی دارای درجه عالـــی اتوماتیکی بودن در صورت حرکـت قبول و تحلیل محیط اطراف و اتحاد بالای سطح سیارات بوده و قادر به قبول وتحلیل محیط اطراف اتخاذ تصمیم راجع به فعالیت دستگـــــاه اتومات نظربه شرایطاوضاع میباشد لذا آنها دارای آینده درخشان مـــی باشند .

فقط تحقیقات منظم با استفاده از طرق عصری ژیو فزیکی و وسایـط عصری امکانات آن‌را میسر می‌سازد که‌بالا خره‌با اطمینان عالی ساختمان اعماق سیاره مهتاب ، تشکیل ونوع خاك آن را دانسته تکامل‌و پیشرفت درین قمر طبیعی‌دائمی سیاره خودرا به فهمیم .

مطالعه سیارات ذهره و مریـــخ در مرحله اول برای فهمیدن پیداش وتکامل سیستم منظو مه شمسی به صورت عمومی و بصورت خصو صی از سیاره زمین بسیـــار مهم میباشد اگر ما راجع به سیاره مریـخ سخن می زنیم ،از نقطه نظر بیو لوژیـــکی دارای دلچسپی است . بطور مثال در پرو گرام تحقیقاتی (ولکنگـك) ایالت متحده امریکا دیده میشود که تمایل زیادتر آنها متوجه مطالعـــه کیمیای عضوی‌به‌سطح(سیاره سرخ) و همچنان اجرای تحقیقات بیولوژیکی بوده است .

مطالعه ساحات و . منظومه شمسی و سیارات بزرگ مشتری وستور ن بسیار چیز های بما وعده می دهد.

اگر مابتوانیم معلوم نمائیم‌که دریـن سیارات تناسب‌بین‌سلیکات های‌سبك فرار کننده و اجزای آهن چـــقد ر است در آنصورت ما قدم مهمی در دانستن این موضوع که چه قسم ابر های سیارات حدمسافات مختلف اند از آفتاب بوجود آمده و در کدام شرایط جمع‌شدن‌مواد سیارات صورت گرفته بر داشته باشیم . روشنـــی بسیار زیاد سیاره مشتری در ساحه امواج رادیوئی از زیاد بودن جداشدن حرارت درین سیاره بزرگ پیشس بینی می کنند و این قسم هم شده میتواند که این‌سیاره از دیگرسیارات منظومه شمسی فر ق داشته باشد. بهرحال متخصصین کیهانی ازپرواز دستگاه های اتوماتیکی بین سیارات که بطرف مشتری پرواز می نماینـد انتظار وامید زیاد دارند .

اجسام کوچك سیستم منظو مـــه شمسی از قبیل استر وئید هـــاو کومیت ها معلومات پر ارزشـــی را راجع به حالت ابر های اولی‌سیاراتی وسیاره زمین هم از آن بوجود آمده حتی در جریان تحقیقات این اجسام کوچك می توان کلید درك طبیعـت ابتدائی پیشرفت منظومه شمسی را پیدا کرد .

امکانات مشاهدات استر ونو مـی خارج از حدود اتمو سفیر آرزو ی سابقه استر ونومی میباشد داخـل ساختن تلسکو وپ هادر فضاکیهانی قابلیت تشخیص آنـــها را بسیا ر بلند می برد . ضرورت به مشاهدات خارج از اتمو سفیر مربوط بانسـت که فقط یك قسمت بسیار کم سا حه تشعشع الکترو مقنا طیس به سطـح سیاره زمین رسیده و درینج قابل مشاهده می‌باشد .البته این را هـم باید بخاطر داشته باشید و ساختن رصد خانه استرونومی در مدار زمین کار آسان نیست .از همه زیاد تـر موضوع توجهه کردن و استقـر ار دادن پلت فورم که آلات و وسایـط سترو نو می را نقل میدهد بسیار مشکل است .

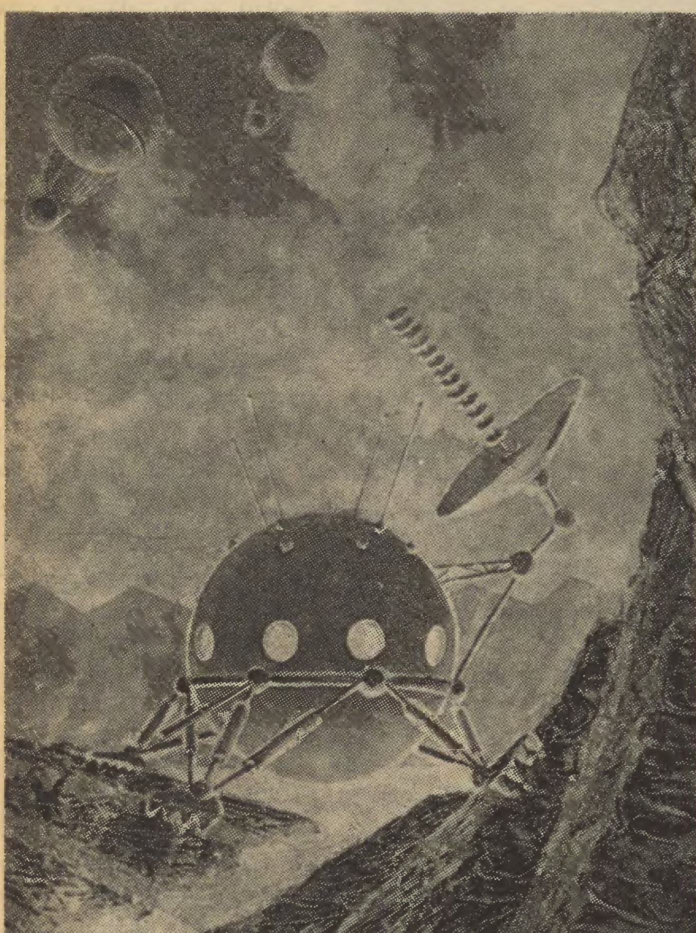

زنان و دختران

از شوهرم شکایت دارم زیرا

– وقتی در محفلی شرکت میکنیم او بدون اینکه توجهی بمن داشته باشد با دوستانش سرگرم صحبت میشود و مرا بکلی فراموش می کند.

– بدون اینکه فکر کند من در کنارش استم وقتی براه می رویم چشمش بزنان و دختران دیگر است .

– معاش و پولهایش را از من پنهان نموده و صرف هر روز صبح یك مقدار پولی که کفایت مصرف‌را نمی کند پیش رویم می‌اندازد .

– اکثرا نا وقت های شب بخانه می آید .

– اگر غذا کمی هم بمزا قش برابر نباشد بنای غالمغال و گفتگو را می گذارد و رسوایی راه می اندازد .

– اقتصاد خانواد گی ما را در اثر ولخرجی های بیجا بر هم می زند .

– به‌سر ولباس خود هیچ توجهی ندارد .

– وقتی از اعمال و حرکاتش‌انتقاد نمایم با من جنگ می کند .

– اگر مهمانی بخانه ما بیاید آن قدر پیشانی ترشی و بد َخلقی می کند که‌مهمانان **بالاخره به خود** می خو ر ند – **هیچ و قت** برایم موقع نمیدهد **که درد های‌د لم** را باا‌و درمیان بگذا رم.

– در هر چیز باید کور کورانه از او اطاعت کنم .

– بدون اینکه باینده اطفالش فکر کند آنها را پول می دهد تا خود سرانه هر گونه فلمی را که خواسته باشند تماشاه کنند .

باشوهرم چه کنم

خوا هر محترمه (پر معروف) یکی از خودنند گان عزیز مجله ضمن صحبت تیلفونی مطالب ستون (باشوهرم چکنم؟) منتشره شماره قبلی مجله رامورد انتقاد قرار داده ومتذکر شدند که مطالب این ستون هیچ نوع جنبهٔ اصلاحی ورهنمائی ندارد.. .. متصدی صفحه زن‌ضمن اظهار قدردانی وسپا سگزاری از خواننده محترم که علاقه بخصو ص بمطالب این صفحه نشان داده اند میخواهد متذکر شود که منظور از نشر ستون(باشو هرم چکنم؟)صرف جنبهٔ تفریحی داشته و خواسته ایم باخوانندگان‌محترم مجله شوخی‌نمایم ازینرو از خو انند گان محترم خواهشمندیم مطالب این ستون را جدی تلقی نفر مایند .

واینك باز هم به پاسخ های قبلی ادامه میدهیم :

* * *

–شو هرم بیکاره وتنبل است باا‌و چکنم؟ .

رخت شوئی وخانه جارو را یادش بدهید وهر روز وادار ش سازیدکه مشق وتمرین کنید.

–شو هرم هر وقتی بامن جنگ می کند مرا تهدید می کند.

بوت ازپابکشیدوخودش راتهدیدکنید

–شرم روز ها می گذرد ویك‌پول هم بمن نمی دهد.

شب ها جیبش را تلاشی کنید.

مود

ضرب المثلی است که می گویند **(زیبائی در چشم بیننده ا ست).** بعضی از میرمن ها فکر می کنند هر قدر تکه **گرانقیمت خر یدا ر ی** نم ئید لباس شان برازنده تر خواهد بود در حالیکه بر عکس ، **نظر ما** اینست که در طرز تهیه لباس تکه قیمتی نقش‌ندارد،بلکه طرزساختمان اهمیت زیاد دارد .

شما ازتکه های‌چار خانه تولیدات کشور یك رنگ زیبا را مطابق میل تان خریداری و اگر خود تان از عهده ساختن آن برآمده‌نمیتواند به خیاط تان مطابق باین نمونه فرمایش دهید . وقتی لباس تان آماده شدآن را در یك محفل بپوشید و متو جه باشید که در محافل آینده چند نفر دیگر از شما تقلید خواهند نمود .

از لابلای نامه‌ها

دختری هستم تحصیل کرده و از **چند سال است با جوا نی که تحصیلات خودرا با خر رسانیده و** در اداره کار می کند نامزد شده‌ام . **یکسال از نامزدی ما گذشته بود که پدر نامزدم فوت‌کرد ویك مقدارپول از دارائی که ازپدرش مانده‌بودبین** سه برادر ودو خواهر و ما در ش تقسیم شد نامزدم نیز ازین مدرك صاحب چند پولی شد و چون دو برادرش صاحب زن و اولاد بودند بنابه مشکلی که داشتند برادر شان را نتوانستند با خود بپذیرند و نا- چار در اثر موافقه پدرم با مازند گی اختیار نمود . نامزدم نسبت اینکه **پولش بهدر نرفته وبیجا مصر ف نشود آنرابه پدرم طور امانت‌سپرده** تا آنرا نگهداری نماید . از مدتی است که **موضوع ازدواج ما مطرح** است من ونامزدم در نظر داریم که با همین پول یك سرپناه خیلی ساده **هم اگر** میسر شود خریده و یك موتر نیز خریداری‌کنیم ،پدرم‌نیز‌نظر ما را تائید می کند اما مادرم قطعا **به نظریه‌ما موافقت نداشته واصرار** دارد که باید از همین پول چند ین دست لباس و زیورات خریدا ری نموده و متباقی را مصرف عروسی کنیم .هر قدر برایش دلیل می آوریم باو تاثیری نمیکند .

من فکر می کنم اگر این پول را بمصرف عروسی و تهیه لباس هائی که شاید **ازهرنگاه در آینده بدردما** نخورد برسانیم ما نه‌تنها بی سرپناه خواهیم ماندو آرزوی داشتن یك‌موتر **راکه هردو بدل‌می‌پر ورانیم‌یك‌نقش** بر آب خواهدشد ،بلکه‌برای همیشه **قسمت بیشتر** معاش خود را بکرایه خانه ه ی شهر بپر دازیم و از یکجا بدیگر جا **همیشه نقل مکان کنیم و** لحظه روی راحت وآرامی را نبینیم زیرا با پول معاش نمیتوانیم هم زندگی خودرا سر براه نمائیم **و** هم خانهٔ از خود داشته باشیم فلهذا نتیجه این خواهد بود که همیشه در بدر وبا مشکلات اقتصادی هم روبرو باشیم .

از شما خواهشس می کنم‌در مورد قضاوت نمائید واگر امکان دا شت نوشته‌ام رادر **مجله چاپ‌نمائید تااز**

مرگ یکی از معلمان لیسه زرغونه

هفتهٔ گذشته میرمن عطیه سروری یکی از معلمان جوان و ورزیده‌لیسهٔ زرغونه چشم از جهان بست‌ومرگش باتا ثراتی زیادی در محافل عرفانی بخصوص در لیسهٔ زرغونه انعکا س کرد .

مرحومه عطیه سروری

میرمن عطیه سروری، درسـال ۱۳۲٤چشم به دنیا کشودوتحصیلات خود را در لیسه رابعهٔ بلخی بپا یان رسانید و سپس شامل پو هنځـی ادبیات وعلوم بشری گردید و بعداز ادامه تحصیـل در رشتهٔ تاریـخ و جغرافیه آن پو هنځی، بسال ۱۳٤۹ وظیفه مقدس معلمی رابعهده‌گرفت.

مرحومه بروز ۲۳ عقرب به سن۲۸ سالگی در هاشم زیرنتون وفات‌کرد.

نکته های در بارهٔ زن

– اگر میخواهید اندازه تمدن و پیشرفت ملتی را بدانید بزنان آ ن ملت بنگرید .

(ناپلیون)

– مردان قانون وضع میکـنند و زنان اخلاق بوجود می آورند .

کوندورسیه

– شرح زندگی خوشبخت تریـن زنان ، مانند تاریخ خوشبخت تریـن ملل خالی ازوقایع‌وحوادث نیست .

جرج الیوب

– ازبین مرد ها از همه سعادتمند تر (آدم) بود : زیرا مادر زن‌نداشت

پار فی

– وقتی که زنان دو ستمان مـی دارند، مارا ازهر لحاظ بد یده های عفومی نگرند ، حتی جنایات مـارا ولی وقتی که ما را دوست نمیداشته باشند ارزش حتی به فضا یل مـا هم قائل نمیشوند .

بالزاك

آشپزی

از پوست‌های مالته‌نیز استفاده کنید

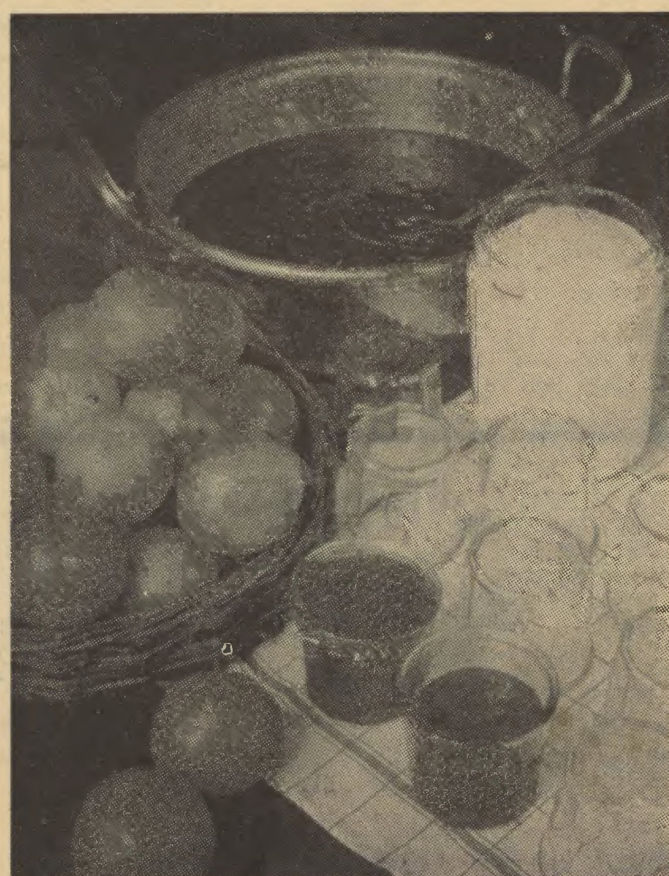

موسم مالته فرا رسیده .این میوه لذیذ علاوه ازاینکه غـنـی تر یـن ویتامین ها مخصو صا ویتامین (ث) است و تازه آن نیز میوه خیلـی خو شمزه میباشد ،موارد استفـاده دیگری نیزدارد که‌اینك بشما معرفی می کنیم .

۱– پوست مالته را جدا کرده و خسته های آنرا نیز دور کنید بعدا آنرا در بین ظرفی که عاری از زنگ باشد بصورت پارچه های کوچـك انداخته یکمقداربوره نیز بان علاوه کنید و بالای آتش بگذارید تا خوب بجوشد وقتی بقوام آمد آنرا در بین پیاله ها وظروفی که لازم می دانید انداخته بگذار ید سردشو د آنـرا عوض پودین بعد ازغذا صرف کنید.

۲– پو ست‌مالته‌راکه خوب‌شسته شده باشد اولا قسمت سفیدی بیـن آنرا با چاقوی تیز تراش کنـید سپس آنرا خلال نمائید بعد از آ ن در يك دیگ بدون زنـگ ز دگی ا نـدا ختـه بجو شا نیـد بعد از مدتی جو شانیدن آب آنـرا صاف کنید و باز آب انداخته بجوـ شانیدو همین‌طور ۳ـ٤ مرتبه تکرار آنرا جو شانده و آبش را تبـد یل نمائید .

در ظرف دیگری مقداری بوره که توسط هاون خوب میل شده باشد انداخته وخلال های جو شانده‌راکه باآب شستشو نموده اید سا عتی بـگـذاریـد تا خـو ب خشـك گردد بعد از ینکه خشك شد دربین پودر بوره انداخته توسط یکدانـه پنجه خوب آنرا با پودر مخلوط کنید سپس آنرا بروی کاغذ پاك و یا تکه پاك هموار نموده بگذارید خـوب خشك شود .

از خلال خشك شده بهتر یـن سیمیان شرین بدست می آیدکه به فامیل ومهمان تعارف میتو ا نید .

نامهٔ شمارسید

خواهر محترمه ا،الف ؟

نامه تانرا خواندیم از لطف وحسن نظر خواهر انه تان در مورد صفحهٔ زن یك جهان تشکر .امید واریـم طبق وعده همکاری تارا از ما دریـغ نفرمائید .

پیغله ، ل از جمال‌مینه !

ما هم با شما در مورد نوشته تان هم عقیده میباشیم . وباید محترما نه از ایشان خواهش کرد تا از حرکات خلاف نزاکت خود داری نمائید .

محترمه ن از لیسه جمهوریت .

امید است بتوانیم مطابق بذوق شما وسایر خوانند گان عزیـز و محترم مجله صفحـه زن را بیش از پیش جالب تر وسر گرم کننده تر تقدیم نمائیم از لطف تان تشکر .

محتر مه ـش ،

شما میتوانید با تر تیبی که داکتر معالج بشما توصیه نموده عمـل نمائید راونتیجه‌برایش‌بگوئید شاید توصیهٔ دیگری بشما بنماید .

پیغله ز ، از شش درك

البته علل زیاد دارد وبهتر است بیك متخصص طب مراجعه نمائید .

یکطرف مادرم با شتباهش ملتـفت گردد واز جانب دیگرهر پدرو مادری که واقعا آرزوی سعادت دختران‌شان را دارند درین مورد بیند شیند و راهی را انتخاب نمایند که آینـده دختر شان مواجه به پریشا نـی نگردد .

س :از پر وان مینه ؛

ژوندون : نظر شما را تائید می کنیم وضمنا از خوانندگان محترم این صفحه خواهش می کنیم‌آنها نیز نظر خویش را بما بفرستند .

لطفا دربالای پاکت (متصـد ی صفحهٔ زنان و دختران ـژوندن)را فرا موش نفر مائید .

شمره ۳۶

جوانان

یک تست روانی برای جوانان

فرستنده: میرمحمد «مظلومی»

باپاسخ دادن به این سوالات رفتاری که بادیگران دارید دریک داوری واقع بینانه قرار دهید .

بدون رفتار نیک، جامعه بشری تحمل ناپذیر وغیر قابل زیست خواهد بود زیرا بدون (رفتارنیک) ووجود داشتن اصول و مقررات پسندیده به عنوان (آداب زندگی اجتماعی) ، زندگی عرصه یک بازی خواهد شدکه بازیگرانآن، مکلف به رعایت هیچ قاعده وضابطه ای نخواهند بود. تلاش برای توجیه این واقعیت بدیهی ضرورتی ندارد، همه توجه دارندکه وقتی باآنان بشیوه ای احترام آمیز رفتار میشود، چقدر احساس غرور وشادی میکنند. دراینصورت، داشتن (رفتارنیک) علاوه براینکه جامعه بشری را تحمل پذیر وقابل زیست میکند ، برای انسانی که اصول آنرا رعایت میکندارمغان های ثمربخشی خواهد داشت . حالا بایدکه وضع شما، ازاین نظر، ازچه قرار است ، آزمایش روان شناسی که روشنگر این نکته دقیق است . آزمایش بصورت (۲۰) سوال است . هرسوال را بدقت بخوانید صادقانه وآگاهانه ومنصفانه با وضع خود تطبیق کنیدوبعد، با(بله) ویا (نه) بهر سوال پاسخ دهید .

سوالات

۱ـ آیادر ستودن وتحسین کردن دیگران سخاوتمند وگشاده دست هستید وهر وقت رضامندی برای تان حاصل میشود ، آنرا به سهولت ابراز میدارید ؟

۲ـ آیا (خواهش میکنم) (وسپاسگذارم) ازکلماتی استکه پوسته ازدهان شمابیرون میریزد ؟

۳ـ آیاغلب یک گام عقب میگذارید تا شخصی که شتاب دارد ، یک گام پیش بگذارد ؟

۴ـ آیانفرت دارید ازینکه ببینید کسی آزرده شود واپس زده شود وبه بازی گرفته نشود ؟

۵ـ آیا روشی دوستانه دارید: راحت میشود باشما صحبت کرد وبدنیای تان دست یافت ؟

۶ـ آیادر معر فی کردن اشخاص که یکدیگر رانمی شناسند، سریع وپیش قدم هستید ؟

۷ـ آیابراستی کوشش دارید که نام ها وچهره هارا بیاد داشته باشید ؟

۸ـ آیانسبت به احساس واندیشهءدیگران حساس هستید : متوجه میشویدکه آنان چه موقع دوست دارند ساکت باشند، نیاز به دلجوئی دارند وترجیح میدهندکه مو ضوع مورد بحث وگفتگو تغییر یابد ؟

۹ـ آیا هنگامیکه با آدمی نا توان وناجور برخورد میکنید میتوانید خو نسردی و ادب خودرا حفظ کنید ؟

۱۰ـ آیا تحمل نظر ی راکه مخا لف نظرات شما ابراز میشود ، دارید ویا اینکه ازآن آدم های هستید که تابخاطر مخالف خودرا باقاطعیت رد نکنید وابراز کننده آنرا سرجای خود ننشانند آرام نمیگیرید ؟

۱۱ـ وقتی اشتباهی میکنید، در اعتراف وپوزش خواهی سریع هستید؟

۱۲ـ آیااین دقت رادارید که با فراد ، وقتی حرفی برای زدن دارند، فرصت کافی بدهید تاحرف های خودرا بشما ویا دربرابر شما بزنند ؟

۱۳ـ آیاوقتی افراد باشما صحبت میکنند توجه ودقت وعلاقه کافی برای شنیدن ابراز میدارید ؟

۱۴ـ ممکن است باافرادی که نشست و برخواست دارید احساس لذت نکنید . اما میدانیدکه آن افراد شما رامیخواهند ویا بوجود تان نیازدارند . بااینهمه، آیا ابراز همکاری میکنید ؟

۱۵ـ آیاوقتی دست بکار ناجوری میزنید،

بقیه در صفحه ۵۹

از دنیای جوانان

دختران هوا باز فرانسوی دست به یک سلسله عملیات عجیب زده اند بدین معنی که نه دو شیزه که بزرگترین آن بیشتر از ۲۲سال ندارد باپرواز های اکرو با تیک در آسمان فرانسه توانستند ثا بت نمایند کهاز بسیاری جهات میتوانند با پسران برابری نمایند .

وقتیکه از ایشان در باره اینکه چرا در میان دها تفریحو ورزش های دیگر تنها به این تفریح خطر ناک مبادرت ورزیده اید عدهای از آنها برای اینکه جواب داده باشند گفتند.

چون میدیدیم که پسران بیشتربه ورزش های علاقه میگرفتند که ما دختر ها جر ئت آنرا نداشتیمو برای اینکه ثابت کرده باشیم که ما هم دست کمی از آنها نداریم شروع به یادگر فتن طیا ره نمودیم وامروزبا پرواز های خودثابت نمودیم که ما هم میتوانیم در بسیاری از مسا یل دیگر ورزشی با پسران رقابت نمایم .

دوشیزگان هوا باز

در جستجوی دوستان قلم

اینجانب محمد نبی میخوا هم در باره هنر رسامی ، نقاشی و هیکل تراشی معلومات تازه جمع آور ی کنم .

کسانیکه در این راه میتوا نندمرا کمك و رهنمائی نمایند لطفا به این آدرس مکاتبه کنند.

آدرس- لیسه صنایع کابل محمد نبی متعلم صنف یازدهم .

* * *

مایلم با برادران وخواهران افغا نی خویش مکاتبه نمایم موضوعات که من بدان علاقمندم اینهاست .

موسیقی ، رسامی ،خیاطی ،بافت آدرس -لیسه زرغونه - نجیبه معلمه صنف نهم .

* * *

آرزو دارم با کسانیکه در باره آثار تاریخی افغا نستان‌مخصو صا دوره کوشانی معلومات داشته باشند مکا تبه نما یم.

آدرس - نجیب الله متعلم صنف یازدهم لیسه نادریه .

* * *

میخواهم بدانم که‌دوره رنسانس د ر کشور ما چه وقت بوده وآثا ر هنرمندان معروف کدام ها اند .

کسانیکه درین باره معلومات‌دارند لطفا به‌این آدرس مکاتبه نمایند .

آدرس -لیسه عایشه درانی - نادره متعلم صنف هفتم .

* * *

ماشین چاپ چه وقت اختراع شده و مخترع آن کیست میخواهم در این باره معلومات داشته باشم .

آدرس- محمد هارون‌از لیسه‌تنخیك کابل .

* * *

مایلم با برادران خود که در باره ادبیات دری افغا نستان مخصو صا ادبیات دوره غزنوی معلوما ت‌جمع آوری کنم .

آدرس - عبدا لفتاح متعلم صنف یازدهم لیسه حبیبیه .

* * *

از عبدالجلیل (جو لان)

مراعات آداب معاشرت از ضروریات است

در جهان کنونی با اختراعا ت و انکشافات هر چه بیشتر و بهتر که بعمل میاید در نتیجه پیچ ویا پیچ های بر پیچید گیهای موجوده حیات انسانی افزوده میگردد . وما این مساله را نه تنها با حواس خویش درك مینمائیم بلکه میتوان در زمینه از لابلای او راق تاریخ نیز استنتاج نمود چنانچه از تتبع صفحا ت مذکور بر میاید که‌در از منه قدیم وقتا که هنوز اجتماعات باشکال کوچك وجود داشته واز طرفی هم از پدیده های محیرا لعقول امروز ی اثری در میان نبود . طرز زند گانی مردم شکل دیگری را داشته است.

قابل توضیح است که مرام از پیچیدگی حیات این نیست که پیشبرد زندگی همچون گذشته های بعید مشکلتر میشود بلکه بر عکس مطلب از جملهٔ فوق الذکر اینست‌که طرز سلوك و روشن با همنو عان ایجاب یك سلسله آداب و اصول را مینماید . و آن بدینمعنی خواهد بود که همانند سیستمهای زندگی دراز- منهٔ قدیم که نزاکتهای زیست باهمی بنابر عدم رشد علمی و مدنی ایجاب مبرم نمی نمود نمیتوان در شرا یط فعلی مطابق آن عمل کرد . بلکه بابمیان آمدن پدیده های علم و تخنیك که توام با آن تمدن بشری رنگ ورونق دیگری بخود گرفته ضروریست تا جهت فراهم آوری تسهیلات برای‌رفاه‌و رضائیت افراد اجتماع که با آنها در یك محیط زیست میداریم یك سلسله نکاتی را مورد توجه و عمل قرار داد و از برخی اجتناب ورزید، تا از یکسو اسباب سرورو خوشی خاطر سائرین را فراهم آوریم و از جا نبی هم از رنجش خاطر ایشان جلو گیری‌نموده باشیم .

طور مثال هر گاه شخصی به‌کمك مریضی میشتابد و یا حین اخذ تکت سینما ویا سوار شدن در بس نوبت را مراعات مینماید نه تنها باعث

بقیه درصفحه۵۹

از جوانان برای جوانان

«وطرح تازه وجالب از بهتر ین مود سازان اروپا برای جوانانیکه طالب مود وفیشن اند .

بخاطر باید داشت که ذوق و سلیقه موید شخصیت شما است پوشیدن لباس های خویش دوخت و خوش رنگ بر علاوه اینکه نمایندگی از ذوق عالی شمامی نماید بلکه برا زندگی خاص بر شما مـی بخشد .

آنانیکه میخواهند لباس خوب و زیبا بپوشند باید چند نکته را در نظر داشته باشند .

۱- رنگ لباس متناسب به سن و موقعیت شما باشد .

۲- پوشیدن لباس های که رنگ تیره دارد در شب زیبنده تـر است .

ناگفته نباید گذشت که‌انتخا ب نکتایی وپیراهن وبوت تاثیرمستقیمی به‌زیبای لباس شما دارد و البته شما باذوق که درین قسمت‌دارید تمام این نکات را مرا عات مـی نمائید .

ورزش

تور نمنت خزانی مکاتب پسرانه معارف پایان یافت

تور نمنت خزانی باسکتبال و والیبال مکاتب پسرانه‌معارف که‌روز دو شنبه ۱۳ عقرب

در جمنازیم ورزشی لیسه امانی آغاز شده بود .دو شنبه ۲۰ عقرب خاتمه یافت .

این مسابقات به اسا س قوانین جدید ورزشی صورت گرفت .

در مسابقات والیبال که روز دو شنبه ۱۳ عقرب انجام شد در آن تیم‌های‌والیبال‌لیسه های،محمودطرزی حبیبیه، امانی، غازی انصاری ابن سینا، رحمن‌باباوخوشحال‌خان‌ـ ختك اشتراك ورزیده‌بود مسا بقات والیبال به سیستم (نیمه لیگ) و (نیمه ناك اوت) صورت گرفت که تیم لیسه انصاری قهرمان شنا خته شد و جایزه قهرمانی خویش را که عبارت ازیك توپ‌والیبال بود ازمدیر لیسه امانی تسلیم شد .

به ادامه تور نمنت در مسا بقه روز چار شنبه ۱٤ عقرب لیسه های غازی ، نادریه ،محمو طرزی ،امانی ابن سینا، وخوشحال خان ختك اشتراك کرده بودند که تیم ها ی لیسه های غازی ،امانی ، نادریه و ابن سینا به نیمه فاینل رسید اندو بعد مسابقه بین تیمهای لیسه ابن سینا غازی صورت گرفت تیم لیسه غازی با اخذ۷٦ نمبر مقابل ۳۳بالای تیم لیسه ابن سینا غالب شده وتیم لیسه امانی بر تیم‌لیسه نادریه فایق

تیم قهرمان باسکتبال لیسه‌غازی

ورزش بدمنتن در جمنازیوم پوهنتون کابل آغاز شد

ورزش بدمنتن از چند روز به این طرف در جمناز یوم پوهنتون کا بل **بطور اساسی‌آغازیافت وورزشکاران** بدمنتن به روز هـای جمعه‌بمسابقات شان ادامه میدهند .

یکعده ورزشکاران خارجی مقیم کابل نیز با ورزشکا ران افغانی به تمرین این مسابقات میپر دازند .

ورزش بدمنتن از شش سال بـه اینطرف در جمنازیوم پولی تخنیـك تمرین میشود .

بدمنتن ورزش است که بارکت و توپ پردار صالون های سر پوشیده اجرا میشود .این ورزش اولین بار **درهند رایج شدو بعدابه انگلستان** به مرور ایام در اکثر از ممالـك اروپایی ، آسیایی و امریکائی علاـ قمندان زیادی پیدا نمود .

در سال ۱۹۳٤ اولین فدرا سیـون بین المللی بدمنتن را (سر جورج توماس) انگلیسی بنیان نهاد و بعدا ممالك زیادی با تشکیل فدرا سیون های ملی خود به عضویت فدراسیون بین‌المللی بدمنتن در آمدند .

در سال ۱۹۳۹ فدرا سیون بین‌ـ المللی بدمنتن تصمیم خود را برای انجام مسابقات‌قهرمانی بنام‌مسابقات جام (سر جورج توماس)اعلام کرد. این مسابقات هر سه سال یکبا ر انجام می پذیرد .

این ورزش همه وقت در بـازی های آسیایی شامل بوده است .

آمده به‌فاینل نهائی رسیدند و به ادامه تور نمنت روزدو شنبه ۲۰ عقرب بین تیم های غازی و اما نی عالیترین مسابقه با سکتبال بالا ی بدست آوردن مقام قهرمانی صورت گرفت که در نوع خود در چند سال اخیرا بی‌سابقه‌ترین‌مسابقه‌باسکتبال بشمار می آید در آغاز بازی اعضای هر دو تیم شطرات های قابل وصف از خود نشان میدادند و مسا بقه‌هر لحظه گرم و هر چه گرمتری شد تا بالاخره اعضای‌تیم‌غازی‌با‌بدست‌آوردن (۷۴) نمبر مقابل ۳۲ نمبر به مقا م قهرمانی باسکتبال نایل آمد و تیم لیسه های امانی ـ نادریه و ابن سینا به ترتیب مقام های دوم تا چهارم را اخذ کردند در پایان مسابقه به تیم قهرمان یك توپ باسکتبال به عنوان جایزه ودیپلوم باسکتبال اعطا گردید وبرای تیم های دوم ، سوم ، و چهارم دیپلوم داده شد .

تیم قهرمانان والیبال لیسه انصاری

آناتولی کارپف یکی ازبازیکنان شطرنج اتحادشوروی

مینخایل تال قهرمان شطرنج که یکی از قهرمانان شطرنج جهان در اتحاد شوروی است‌درباره مسابقات آناتولی در ضمن گفتگوی مطبوعا تی اش گفته بود .

سبك‌بازی آناتولی‌ورقیبش‌ویکتورکار چنوی بحد کافی بوضوح‌در مسابقات نیمه نهایی که انجام دادند نشا ن داده شده است . وپیروزی کارپف بر اسپا سکی بعلل زیادی از اینهم بیشتر در من تاثیر کرد . درزور آزمائی در لیننگراد پیش از همه این مساله برای من جالب بود که کارپف چه عکس العمل در مورد او لین شکست خود نشان میدهد که عادت نداشت میچ به‌هیچ بشورد وحالت معصومیت در مورد باختنها نداشت بهر حال اولین دور بازی انجا م گردید .اسپاسکی بابرتری آشکاردر این بازی پیروز شد . ضمنا کارپف بعدا حالت سرما خوردگی پیدا کردو به همین جهت مجبور بود از یکی از دو حالت مجاز تایم اوت استفاده نماید . من در حقیقت تصور میکردم که کار پف باوجود نشان دادن‌حالت ظاهرا آرام شروع به (از نفس افتادن) خواهد کرد .

در آخر دوره نهم بازی کارپف واسپا سکی تاثیری شدیدی در وی کرده است هنگامیکه شطر نجبا ز یگانه حرکت درست‌پیدا میکند،(همه حرکات دیگر منجر به باخت میشود) برای وی دو علامت تعجب میگذارند این موضوع کاملا روشن است و ی شایسته گی آنرا بدست آورده است .

ولی چگونه میتوان این جریان را ارزیابی کرد که شطرنج باز در بین تعداد زیادی حرکت چنان حرکتی‌رابر می‌گزیند که فورا معلوم **میگردد آن حرکت موجب برد است** ضمناسعی مینماییم ثابت کنیم که‌این کارکافی نمیباشد زیرا بازیکن دانه های سفید با این وجود پس از رفع مشکلات باید موفق گردد ، بهر حال کاریف حرکتی انجام میدهدکه پس از آن اصلا فدا کردن بی مورد میباشد و اصولا بازیکن با دانه های سیاه‌هیچ امکانی ندارد.دیگر مسله‌ای مطرح نیست .

وی‌درمورد سابقه کارپف وکارچنوی یکی دیگر از شطرنج بازان گفت : بجاست یاد آوری نمایم حسا ب آنها مساوی است ـ۲بر۲ با نضمام یك هیچ به هیچ .کارپف خیلی کم برتری معنوی دارد که در همه بازی های خود با دانه های سیاه مفید بازی میکرد .ولی ارزش دارد وقتیکه چنین مسابقه ای باید انجام گردد جزئیات مورد بحث قرار گیرد ؟

خبرنگار خبر گزاری ا.پ.ان در جریان آخرین مسابقات المپیك جهانی شطرنج در شهر نیتس در

بقیه در صفحه ۶۱

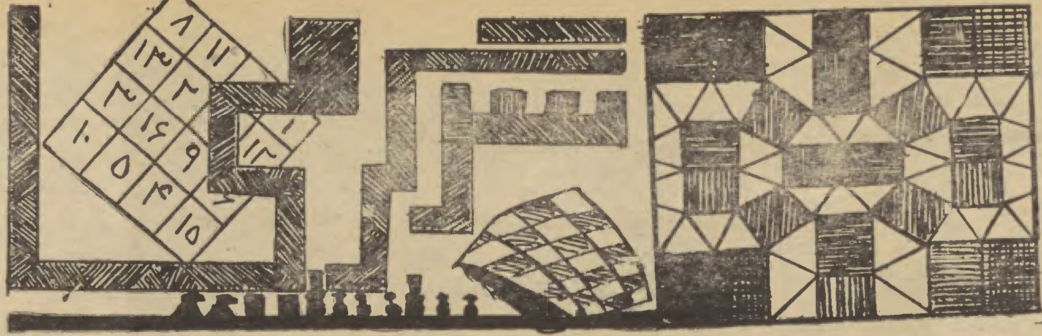

آیا این شاعر را می شناسید؟

برای شنا ساندن این شاعر که از شعرای معروف هرات در قرن دهم هجری بوده است ودر سال ۹۸۳ درهند وفات یافته ، دوروش یکی ریاضی ودیگری ادبی، بکار میبریم که البته با توجه به مولد و تاریخ و فاتش ، به آسانی میتوان اورا شنا خت:

الف – روش ریاضی :

تخلص او از چهار حرف ترکیب شده که مجموع حرف دوم وسومش به حساب ابجد مساوی حرف اول وحرف چهار مش معادل حرف دو م است و مجموع هر چهار حرف مساوی نود می باشد .

ب– روش ادبی :

این ابیات از اوست :

منم ودل خرابی ، به تو می سپارم او را
به چه کار خواهد آمد که نگاه دارم اورا
شب که به بزم خویشتن دید من خراب را
رفت برون ز مجلس وکرد بهانه خواب را
افسرده چون شوم ز تو کز یک نگاه گرم
بازارآ ر زو ی مرا تیز میکنی.

پیدا کردن عدد محذوف

سه عدد راکه در پی یکد یگرقرار گرفته اند مثلا ۷و۸و۹ از دوست خود بخواهید تا انتخاب کند ومکعب هر کدا م را جداگانه پیدا نماید ومجموع مکعب ها را بدست بیاورد، آنگاه از این مجموع ، یك رقم را حذف نماید (از سمت راست باشد یاوسط یا ازسمت چپ) فرق نمیکند سپس باقیمانده مجموع را که یك رقمش حذف شده است برای شما بگوید.

برای شما پیدا کردن عدد **حذف** شده مشکل نیست باین معنی که ارقام عددی راکه بشما گفته شده است بایکدیگر جمع کنید جمع آن هرچه باشد از عددی که بزرگتر ازآن مجموع وبر۹ قابل قسمت باشد کسر کنید ، تفاوت آن همان **عدد** حذف شده می باشد.

مثال فرض میکنیم عدد ۷و۸و۹ را انتخاب کرد مجموع مکعب های این سه عدد ۱۵۸٤ میشود ، اگر ٤ را حذف کرده باشد عدد ۱۵۸ را بشما میگوید که مجموع ارقام آن ۱٤ میشود واز عدد ۱۸ (عددی که بر۹ قابل قسمت است) ٤ عدد کمتر است ،اگر ۸ را حذف کرده باشد عدد ۱۵٤ را بشما میگوید که مجموع ار قام آن ۱۰ میشود واز عددی که بر ۹ قابل قسمت است ۸ عدد کمتر است .

وبهمین ترتیب است باقی **اعداد** مجموع مذ کور یا مجموع مکعب هرسه عدد متوالی دیگر که دوست شما انتخاب مینماید .

اما کار به همین جا خاتمه **نمی یابد** زیرا از شما میخواهیم راز این معما را پیدا کنید که چرا هر **عددی که** حذف میشود برا ثر تفریق باقی اعداد از عددی که بر۹ قابل قسمت میباشد پیدا میشود ؟

اطلاعات عمومی خود را بیاز مایید

۱– در حدود قرن هفتم و ششم پیش ا زمیلاد فیلسو فی در یو نان قدیم میزیست که برای او لین بار کسوف آفتاب را پیش بینی کرد، او کیست ؟

۲– در فاصله ۱۵۹٦ تا ۱٦۵۰ دانشمندی در فرانسه زندگی میکرد که هم فیلسوف بود هم فزیکدان، هم عالم ریاضی و هم بیا لو ژیست و ریاضیات را ایده آل و سر مشق همه دانشها میدانست . اوکیست ؟

۳– در فاصله ۱٦٤۲ تا ۱۷۲۷ میلادی ، نابغه ای از مردم انگلستان زندگی میکرد که با کشف قانو ن جاذبه عمومی انقلابی در جهان دانش بو جود آورد، او کیست ؟

٤– در فاصله ۱۵۵۰ تا ۱٦۱۷ یك ریاضی دان اسکا تلندی زندگی میکرد که باکشف لگار یتم، علم حساب را تکامل بخشید،او کیست؟

جواب را در شماره آینده مطالعه فرمایید .

یك سوال حسابی

تعدادی کتاب داریم، اگر آنها رادو تا دو تا در کنار یکدیگر قرار دهیم . یك کتاب باقی میماند، اگر سه تاسه تا پهلوی هم بچینیم دو کتاب باقی میماند ، اگر چهار تا چهار تا، نز دیکد یگر بگذاریم سه کتاب با قی می ما ند وبهمین قیاس اگر ده تا ده تا روی یکدیگر بگذاریم ،نه کتاب باقی میماند ، یعنی از دو تا ده همیشه از شماره قسمتها یی که نزدیکد یگر گذاشته میشود ، یك عدد کمتر باقی میماند . تعداد مجموع کتابها چندجلد است ؟

اصل این شعر را پیدا کنید

کلمات شعری را که بسیارمعروف است در هم ریخته ایم واز شما میخواهیم تااصل آ نرا پیدا کنید پراگنده شعر چنین است :

آهسته دشوار عشق دلا که و آهسته آسان ترسم گرفتی گردد

حل کنندگان

کسانی که درین هفته جواب صحیح فرستاده اند عبارتند از:

نباغلی غلام زبانی محب زاده ،محمد کریم شیفته ، رحمت الله حمزه یی ،لطف الله کارگر مطبعه دولتی ، نور احمد نوری، محمد اسمعیل قصاب زاده، محمد سلیم ،عبدالحی و عبدالمحمد، اسد الله عزیزی و محبت خان .

بقیه صفحه ۲

افغانستان همیشه یک...

معاونت کند از آنجمله افغانستان را بایدنیز این بانك کمك نماید ،اگر چه تاحال از این بانك مساعدتی نگرفته ایم اما توقع داریم کمك های موثری از این بانك بگیریم .

سوال :ـ در کنفرانس اسلامی لاهور تصمیم گرفته شد تایك صندوق تاسیس گردد واز این صندوق بصورت اضطراری برای کمك به کشور های نیاز مند استفاده شود درعین حال کمیته هشت عضوی در نتیجه کنفرانس لاهور تشکیل شد تادرمورد طرح این صندوق وکمك های دوامدار آن به کشور ها تجویز بگیرد نظر جناب شما رادر زمینه آرزو میبرم؟

جواب :ـاگر این صندوق بمیان آیدیقینا ازآن استفاده شده میتواند وما از آن استقبال میکنیم .

سوال :ـطوریکه اطلاع دارم چندی قبل درنتیجه تماسها بین رجال افغانی وایرانی قرار داد های اقتصادی وتجارتی بین دوکشور امضا شد وعلایق دو کشور خیلی صمیمانه میباشد نظر جنابشانرا درزمینه میخواهم.؟

جواب :ـ بلی همین طور است مناسبات بین کشور های ما دوستانه میباشد .

در مورد کمکها بیندوکشور تا حالمذکراه صورت گرفته این مذاکرات جریان دارد واقعا این کمك ها کمکهای موثری خواهد بود.

سوال :ـ در تابستان گذشته بیم آن میرفت که افغانستان درجنگی کشانیده شود اوضاع فعلی را چگونه ارزیابی میفر مائید مخصو صا برای تقویت دفاع ملی ومقابله با بحرانات آینده چه قدم هایی برداشته شده است ؟.

جواب:ـ البته روابط باپاکستان کاملا روشن است پاکستان همیشه مخصوصابعد از تاسیس نظام جمهوری در افغا نستان کوشش نموده است تا در افغا نستان نارامی ایجاد کندوپرو پاگند آنها دوام داردهدف پرو پاگند پاکستان دو چیز است :

یکی آن که میخواهد ذهنیت دنیا را نسبت بافغا نستان مغشوش سازند واز طرف دیگر بدینو سیله میخوا هد نارامی هاو بدبختیهای داخل کشور خود رااز نظر ها بپو شانند .

ممکن است چندی پیششما شنیده باشید که منابع پاکستانی گفتند افغا نستان وهند در سر حدات آن سو قیات نظامی کردند در عین حال منابع پاکستانی پرو پاگند میکنندکه افغا نستان در داخل خاك خود گریلاها را تربیه کرده وبه پاکستان میفر ستند درحالیکه این اتهام بکلی عاری از حقیقت است وباز میگویند که بیش از صد هزار نفر از دست ظلم ،ستم وبی داد گری بهپاکستان پنامی آورند ،در حالیکه اینها عبارت از کوچی هائیست که در قرون متمادی در موسم معینه از اینجا باآنجا میروند از همین قبیل گفتار های ضد ونقیض از طرف منابع پاکستانی صورت گرفته ومیگیرد که البته این گونه تبلیغات روز بروز تشنج را بیشتر میسازد.

یك ملتی مانند افغا نستان که مصروف رفع پسمانی های خود بوده وکوشش مینماید تا مشکلات اقتصادی خودرا رفع سازد وهمیشه صلح دوست بوده است ،هیچ وقت آرزوی جنگ را ندارد .البته این سخنان صرف ساخته پاکستان است ،آرزوی ما همیشه این است که باهمه مردم جهان در صلح وصفا زندگی کنیم .البته وظیفه دفاع از خاك وظیفه ملی هرملت است تا جائیکه به افغا نستان ارتباط میگیرد برای دفاع ازخود آمادگی که درقدرتش است باید داشته باشد واین یك مکلفیت برای همه استلیکن آرزوی ماابنست روزی جهانبهآنجا برسدکه اصلاحیح ضرورتی برای تسلیحات وجنگ باقی نماند .

سوال :ـ چندی قبل یك هیات نظامی افغانستان تحت ریاست دگر جنرال مستغنی به مسکو رفت ودر این اواخر یك هیات به دهلی جدید نیز سفر نمود آیا این موضوع ارتباطی به تقویه قابلیت دفاع افغا نستان دارد ؟.

جواب :ـوظیفه ملی ماست که برای دفاع از خود آمادگی بگیریم در مورد جزئیات این موضوع از جواب دادن معذرت میخواهم .

سوال :ـ درین اواخر شاه ایران در باره بلو چستان سخنانی گفته وواقعه را در آنجا موضوع داخلی پاکستان قلمداد نموده است وهم از آمادگی خویش برای مساعدتبهحلو فصل اختلافات پاکستان به افغا نستان سخن گفته است نظر جناب شما را در زمینه میخواهم .

جواب :ـ در مورد موضوع بلو چستان باید متذکر شد که بلو چستان ازنگاه موقعیت جغرافیایی با افغا نستانهمجوار میباشدومردم آن بامردم افغا نستان علایق تاریخی وکلتوری بسیار نزدیك دارند لذا هرنارامی رنج و بدبختی که در آنجا برای مردم آن پیشمیشود حتما برافغانها تاثیر میکند وممکن نیست که تاثیرات آن در افغا نستان انعکاس نکند .

افغا نستان همیشه یكاصل راتائید کرده وآن عبارت از پشتیبانی از آمال ملی برادران پشتون وبلوچ ما میباشد اینمربوط خودآن مردمان است که در باره خود وآینده خودچه تصمیم میگیرند وچه را قبول مینمایند .

در قسمت مساعی شاه ایران برای رفع اختلاف افغا نستان وپاکستان باید گفت که شاه ایران در موقع صدارت اینجانب نیزسعی کرد تا مناسبات دوکشور خوب شود شاید ایشان اکنون نیز چنین فکری داشته باشند اما هیچگونه پیشنهادی درزمینه نهازطرفآنها ارائه شده است ونهازطرف ماچنینپیشنهادی صورت گرفته است .

سوال :ـ دو روز پیش منازکندهار دیدن کردم وبعضی بلوچ هایی را که از بلو چستان بافغا نستان پناه آورده اند دیدم تعداد آنها در حدود سه صد نفر است درائر هدایت بوتو که قوای خودرا از مری بهمنگل سوق داده ممکن است تعدادپناه گزینان بلوچ بیشتر شود اکنون طوریکه ملاحظه کردم مقامات افغانی برای پناه گزینان مساعدت مینماید اگر تعداد آنها زیاد شود آیااز اداره پناه گزینان ملل متحد مساعدت خوا هید خواست ؟.

جواب :ـ بلیالبته وقتی تعداد پناهگزینان بلوچ زیاد شود آنگاه مجبور خواهیم بوداین موضوع رابه آن اداره ارائه کنیم .

اما تاحال این موضوع را باطلاع آناداره نرسانیده ایم .

سوال :ـ آیا پیشنهاد شاه ایران را برای ایجاد یك جامعه بحر هند ازتهران تاجاکارتا مطالعه کرده اید نظریات افغا نستان در این موضوع ودیگر نظریات همکاری منطقوی چه میباشد ؟.

جواب :ـ نظر شاه ایران رابار اول در مصاحبه ایکه بابناغلی کرنجیه مدیر جریده بلتس کرده بودند مطالعه نمودم همچنانضمن اظهارات وبیانات خویش در جریان سفر اخیر خود در جنوب شرق آسیا باین موضوع تماس گرفته است .البته از اخبار وجراید نمیتوان تمام اطراف وجوانب واهداف این پیشنهادرا کاملا تحلیل نمود لیکن اینطور نظریات ازهر جانبی باشد اگر مقصد وهدف آن آسایش، تامیندوستی وتامین صلح درمنطقهایکهمادران زندگی میکنیم وتحکیم صلح جهانی باشدبهآن به نظر نیك دیده ومیبینیم .

سوال :ـ ما افتخار استقبال شما را در کشور خود چه وقت داشته میتوانیم پیشرفتی راکه در تطبیق طرح هایهمکاری متقابله بین دو کشور مامیسر شده است چگونه ارزیابی میفر مائید ؟.

جواب آرزو دارم در همین زودی ها موقع پیدا کنم تابنا بدعو تیکهزعمای کشور دوست هند ازمن بعملآورده اندبهکشور شماسمافرت نمایم وبا دوستان هندیملاقات نمایم .

روابط ما وهند همیشه دوستانهبودهوعلایق خاص تاریخیبیندوکشور وجوددارد مخصوصا بعد از آنکه رژیم جمهوری در این کشور بمیان آمد دوستان هندی نظر نیك بوطنما داشته اند وعلایقمادوستانه وصمیمانه میباشد

در مسایل همکاریهای انکشافی درساحات اقتصادی همکاری های کشور هنددرسهساحه متمرکز بوده است :

اول۔ همکاری درپروژه های کوچك برق وآبیاری که خوشبختانه بعضی آن بهثمر رسیده است .

دوم۔ کمك های تخنیکی .

سوم۔ رسانیدن جوانان مادر ساحات مختلفبرای پیشبرد خدمات انکشافیـامیدوارم درآینده در نتیجه مذاکراتیکه باز عمای هندی صورت میگیرد دوستان هندی مادر پروژههای بزرگ نیز همکاری نمایند .

پروژه ها خوردباشد یابزرگ نمونهخوبی ازهمکاری بین دوکشور میباشد وما همیشه هند راکشور دوست خود میدانیم .

دراخیر ژور نالیست هندی از اینکه برای شان موقع مصاحبه داده شد صمیمانه اظهار سپاسگذاری کرد .

آخرین نوازش

ازچندی به اینسو ،ما در«پا ل»مریضی است وداکتر وضع صحی اورا خیلی‌خطرناک‌خوانده ا ست‌البته‌علت عمده مریضی او بخا طر یست که همسرش وی راترک گفته وبازن‌دیگری زندگی میکند.«پا ل»در صدد آنست که‌برود ، پلرش را مجبورسازد تادوباره بخانه بر گردد .
واینك بقیه داستان :

ترجمه وتنظیم از :قاسم صیقل درشماره گذشته خواند ید :

عادتاً ساعت ۷، امانوئل، نزد "پال" میرود.
سلام!
سلام!
فردا به پرونس میروم، تمام وقتم گرفته میشود.
امانوئل فریاد می کشد
به راست بگرد.
آن زن چطور است؟
راستی، امروز پیش آن زن رفته بودم و با او صحبت کردم.
چه؟ به راست؟ شنیدیکه خانه میروی؟
نه، من از خانه قهر کرده ام، و تا وقتیکه برایم یک اتاق پیدا کنم، پیش دوستم "دانیل" می مانم.
چرا از خانه قهر کردی؟
به این سوالت جواب داده نمی توانم
برعکس، باید حقیقت را بمن بگوئی
نه، ترا ناراحت می سازد.
بلی، آنها به این عقیده اند که این بچه شما را تباه خواهد کرد
اما پدرم مرا دیگر اجازه نمی دهد که ترا ببینم

گذرگاه تبسم

از ژرف بین

تیلفون عوضی

گو شی رابر داشتم .
ـ بلی ،بفرمائید .
آواز خانمی را میشنوم که بـه بسیار جدیت می پرسد .
ـ کجاست ؟ شما کیستید ؟
ـ ببخشید کجا را کار دارید ؟
ـ نخیر ، نخیر ، شما بگوئید کیستید ؟
اینجا کجاست ؟
ـ من ، شمابه کی زنگ زده‌اید؟
ـ شما کیستید ؟
ـ نمیگویم من کیستم تا شما خود تانرا معرفی نکنید هیچ چیزی نمی گویم .
ـ بگوئید خواهش میکنم .
ـ سوگند یاد کردم که نمی گویم.
ـ ترا بخدا قسم که بگو کیستید.
ـ عجب ، چرا اینقدر اصـــر ار دارید ؟
ـ بگوئید خواهش میکنم اینـــجا کجاست ؟
ـ اینجا منزل (ف) . بفرمائید!
ـ شما کیستید ؟
ـ من خودم (ف) هستم .
ـ مرا نشناختید .
ـ نخیر ، سلام ،
ـ سلام ببخشید که خـــود را معرفی نکودم .
ـ خیر فرق نمی کند هنوز ســر وقت است.
ـ چطور تاحال مرا نشنا خته‌ای.
ـوالله تا بحال نه .

ـ کمی فکر کنید .
ـحاجتی ندارد فکر کنم اولیـن بار است که صدای تانرا ازتیلفون می شنوم .
ـ راستی ؟
ـ خیر دو دقیقه وقت دارید .فکر کنید .خنده ام می گیرد و مــــی گویم .
ـ راسی شماانسان عجیبی استید. درین وقت شب که مـن مصـرو ف نوشتن نامه ای‌هستم دودقیقه‌بایـد فکر کنیم .
این بدان‌میماند که الفردهیچکاك از امریکا به ژسیمون تیلفو ن مـی کشد وبه خانمش میگوید که آرزو دارد باسیمون ملاقات کند .
خانمش هم در جواب میگوید که او در اتاقش مصروف نوشتن‌کتابیست و خواهش کرده که‌مزا حمتش نشوم هیچکاك نیزحاضر جوابی رافراموش نکرده و میگوید (راستی خانم شما حق بجانب استید . من گوشی را نگهمیدارم همینکه کتاب را به آخر رسانید بگوئید پای تلفون بیاید .
البته برای شما دو دقیقه اهمیتی ندارد شاید برای من در همین لحظه با ارزش باشد .
صدا در آنطرف سیم تیلفون به قهقهه می خندد .و من از ترس‌اینکه خانمم از خواب‌بیدارنه‌شودازهمراهی خنده باوی منصرف می شوم .

ـراست بگو مرا نشناختی .
ـقسم به تمام مقدسات جهان که نشناختمت .
ـ چرا ؟
ـ نمیدانـــم .
ـ بسیار خوب اختیار داری مـــرا بشناسی و یا نشناسی ، ولی مـن میخواستم یك حقیقت را برایـــت تعریف کنم .
ـ حقیقت ، چه حقیقتی ؟
ـ تا مرا نشناسی برایت نخواهم گفت :دیدم که نمیشود به‌این‌سادگی ها رهائی یافت گفتم :
ـ اجازه بدهید بیست سوال‌میکنم ، شاید طی آن به شناخت شما موفق شوم .
باز هم خنده‌اش می گیرد و مـــی گوید .
ـ ازین معلوم میشود که پروگرام نیم ساعته ذهنی رادیو آغاز شد .
ـ بلی ، البته ، امیـــد وارم از خستگی گوشی را نگذارید .
ـ نخیر ،نخیر شروع کنید؟
ـ زن استی یا مرد ؟
خنده قهقهه ودر ختم آن .
ـ هیچکدام .
ـ چی ـ چطور
ـ من هنوز دخترم .
بکلی گیج شدم .
ـنزده سوال دیگری را که قبلا در مخیله ام آماده داشتم فرا موش کردم خاموش ماندم .
صدای شپیلاق از گوشی شنیدم.
ـاین دیگر صدای چیست ؟
ـ چانس سوال دوم تانرا از دست دادید ؟

ـ دختر جان من اصلا ســوال دیگری ندارم . همینکه دانستم شما دختری استید .تسلیم می شو م.
ـ تسلیم ؟
ـ اما فراموش نکنید که شما را شناختم .
ـ من کیستم .
ـ شما یك دختر .
خوش صحبت و خوش مشر بی می باشید .
ـ تشکر .
ـ لطف تان است .
ـ حالا که مرا شناختید . گو شی بدهید که حقیقت را بگویم .
ـ بلی بلی بفرمائید .
ـ قسم به خدا که نمره تانرا بهـ کلی تصادفی دایل کرده ام و حـــالا نمی دانم کدام نمره بوده . اما روی شما میتوان حساب کرد . نمیشود نمره تانرا برایم بگوئید تا اگر شود بعضاً صرف ازطریق تیلفون صحبت کنیم .
ـ از کجا بدانم که این حقیقـت است .
ـ بمن اطمینان کنید قسم مـــی خورم .
ـ نمیشود که شما نمره خود تان را بمن بگوئید تا اگر بتوانم ...
خانمم تمام جریان صحبـــت را شنیده بود و بعدا مثل اینکه هیـــچ چیزی نشنیده با چشمان خـــوا ب آلود لحاف را یك طرف زد وپرسید:
ـ کیست ؟
ـهیچ مزاحمت می کنند.و گوشی را در جایش گذاشتم .

نترسین . داکتر صاحب،مریضی‌من هم اینقدر ساری نیست که‌شما فکر کردید

(د۲۱ مخ پاتی)

لالهانده‌مینه

سنرگی پرانیستی وی‌او اوس هغه په ډیرو شیانو پوهیده .»

دتانیا دپاره ترټولو مشکل کار «ماکس» ته‌ورتګ او هغه ته دحقیقت ویل وو .تانیا فکرکاوه چه له‌دی کار شخه سرنشی غړولای.

کله‌چه تانیا په روغتون کی دماکس‌کوټی ته‌ورغله هغه پر یوه پاکټ باندی دیولړ محاسبو په لیکلو بوخت وو او مخی‌ته‌یی‌ډیر کاغذونه پراته وو . تانیا هغه تـه‌ور نژدی شوه او بشکل‌یی په تندی باندی په ډیـره آرامی ښکل‌کړ . بیایی پوښتنه ځنی وکړه: «نن‌دی صحت څنګه‌دی.» «ماکس» په تندی سره هغی ته وکتل او ویی ویل : «ښه‌یم، ملګری دی تللی‌دی ؟»

ــ« هغه زما ملګری نه‌دی . هغـه پــه اسپانیاکی استوګنه‌زما دپاره‌ډیره په‌زړه‌پوری کړه . ماته له‌«لاری» څخه یو خبر رسیدلی دی . هغه ځانته یوکار پیدا کړی او غواړی چه‌واده وکړی .

ــ« ښه نو هغه بالاخره بریالی شو .هیله کوم چه‌هغه خپل کار او خپله ماندینه‌دواړه وساتی .

«ښه تانیا ته څنګه یی ؟»

تانیا په پوره صداقت ځواب ورکـړ : «چندانی ښه نه‌یم زه خوشحاله یم چه«لاری» یوډول استقرار پیداکړی دی ، همدا اوبس.» هغه ودریده او ماکس ته‌یی چـه ناست وو، کتل اوویی ویل :

ــ« زه‌له تاڅخه تشکر کوم چه دلاری د تګ په‌وخت‌کی دی ماته بیرته په خپل ځان باندی دباور احساس راوباخښه .»

ماکس هغه ډیره ښه پـیژندله . دهغـی ددی خبری په ځواب‌کی یـی وویل :«داسی ښکاری چه‌زما سره ستا په رفتارکی یوڅـه تغیر پیښ شوی‌دی .»

ـ «هو ماکسه ! زه‌نه غواړم چه‌له تاسره واده وکړم . زما او ستا کوزده به‌دلند والی له‌نظره ریکارد قایم کړی . ته‌پرماګران‌یی‌خو وربانډی مینه نه‌یم زماپه خبره پوه شوی؟ کله‌چه لاری ولاړ ماستا قدرت او مهربانی‌ته اړه در لوده خو داراز علاقه دټول عمر دپاره کافی نه‌ده . هغه څه‌چه ما د«لاری» په‌وجود کی‌غوښتل تفریح مینه اوځوانی وه‌هغه‌څه چه له‌تا څخه می غوښتل امنیت وو. ماستاسی څخه لـه‌هیڅ یـوه سره رښتیانی مینه نـه درلوده .»

ماکس په قهر سره چیغه وایستله:«تـه چتی خبری کوی تانیا ! ځان مه مسخره کوه، داستیفن بیاڅوك دی ؟»

ــ« نه،هغه فقط ماته زما مستقبل راوښود اوبس . دنورو شیانو په باب ما پخپله فکر کړی دی .»

ــ« ته ډیری ګړی ودی خبری کوی او نه پوهیږی چه‌څه غواړی ؟»

ــ« زه پوهیږم چه څه غواړم زه نیمه ځوانه ، بی‌پروا او بیعقله یم ــ لکه «لاری» او نیمه عملی او حساسه یم ــلکه ته! زما زړه اوس تش دی او داسی یوه مینه به‌یـو ځای پیدا شی چه داتش زړه به ډك کړی، یوه رسیدلی مینه چه زه به دخپل ژوندپاتی برخی دپاره په هغی باندی اتکاوکړم .زه‌به ترهغو انتظار وکـړم چه داسی مینه پیـدا کـړم .»

ماکس ډیر په قهر وو او البته حق‌یـی هم‌در لود . تانیا له‌ځانه سره وویل چه هغه به‌دیو څه وخت دپاره قهرجن او خپه وی‌خو څنګه چه یوعملی سړی دی څه‌موده وروسته به‌دا ټول شیان هیر کړی . هغی هیله‌وکړه‌چه جولیا پدغه وخت‌کی له ماکس سره یوځـای شی .هغی له‌ځانه سره وویل چه کاشکی‌دی ته‌نه وای مجبوره شوی چه ماکس‌خپه‌کړی.

تانیا له ماکس څخه تر جـلاکیدو دمخه دژړا په‌حال‌کی هغه ښکل کړ . هغه له ژیړو څخه‌کښته شوه اودلمر رڼا ته ور ووتله .

تانیا یوه ژوره ساه واخیستله‌او دروښانه شنه آسمان لورته‌یی وکتل .هغه خپل کورته دستنیدو په‌لارکی ډیره خوشحاله‌وه .که‌څه‌هم دراتلونکی په باب یی‌کومه روښانه مفکوره نه در لوده خو پروایی نه‌پری کوله . هـغه پوهیده چه دسبا په افق‌کی هغه مینه‌ځلیږی چه‌یووخت به دهغی پـه تش زړه‌کـی ځای ونیسی .

هغی ځان‌ته وخندل . هغی خپل ځـلانده سبا او هغه چاته خندل چه دغه ځلانده سبا به‌یی وربه برخه‌کړی . ښایی هـغه سړی‌د «لاری» ، «ماکس» او «ستیفن« ددرو واړو د شخصیتونو مجموعه وی .

بقیه صفحه ۲۷

علیشیر نوائی

کمال جدیت و سرعت‌با کمال‌جدیت و سرعت از پی شاعر به تپه هجوم بردند .

نوایی در حالیکه شمشیر را چون عصایی دردست داشت اولتر ازتپه مهیب فرود آمد ومستقیما بـــطر ف کوشك شتافت . از عقب کوشك‌چند نوکر مسلح ، سراسیمه و مشو ش دوان دوان جلو آمدندوآنکه پیشاپیش قرار داشت خشمگین گفت :(کیستی دستها بالا) و چند نفر دیـــگر از فاصله دورتر شمشیر کشیدنـد .

نوایی بدون آنکه شمشیر خود رابالا کند . در حالیکه برای ضربـــه زدن آماده بود ،خونسر دانه توقف کردو بالهجه‌ای آمرانه و قاطع گـفـــت : (اسلحه را بر زمین گذارید و بلاد‌ـ رنگ تسلیم شوید !) دومین نو کر نزدیکتر آمده ، بدقـت چشم دوخت و پرسید : (تو کیستی ؟ و ما چـرا باید تسلیم شویم ؟) همینکه شاعـر بخشم گفت :(من علیشیر نوایـــی هستم !) نفس سر بازان بند شـــد نوایی مجدانه پشت بر آنها کرده، بسوی کوشك شتافت . در تاریکی شب از میان دهلیز گذشته تازه به دروازه خانه بزرگ رسیده بود که باباعلی نیز بشتاب وهیجان خود را رسانید .

دروازه رابازکرده‌یکی‌ازعقب دیگر بداخل خانه قدم گذاشتند .

دریچه‌ها باز بودند .

درمیان خانه بزرگ روی قالین‌های نرم، بردوشك های مخمل وکیمخاب ،چهارنفر در چهار وضعیت مختلف ،هریك روبه سمتی‌درخوابی سنگین فرو رفته بودند.

دربین اینها ،زیر یکی‌از دریچه ها، زن جوانی با موهای پریشان سربر. بالین سفیدی نهاده آرام میخوابید. نوایی خفتگان را ازنظر گذرانـــده، آهسته گفت :«این‌را گرفتار کن». زیرپای باباعلی ،ساغر ها وصراحی ها کشکستند .

درحالیکه اوشهزاده را ازجایش بلند میکرد ، ناگهان دو سپاهی‌که سرها رابهم تماس داده ،پاهارا بدوسمت مخالف دراز کرده بودند، سراسیمه بیدار شده ازجا برخاستند.

صداهای پراز اضطراب وهیجان‌امیز داخل‌خانه رافرا گرفت .

زن جوان نیز جهیده از جابر خاست و (وای !) گویان از دریچه خـود را بیرون افکند .

میرزا یادگار مات‌و میهوت درینچه های آهنینی بابا علی اسیر بود وبی اختیار چیز های نا مفهومی بزبا ن میراند .داخل‌اطاق‌و دهلیز ازجوانان پرشد نوایی برروی میرزایاد گـــار زهر خندی کرد و دستور داد تـا از آنجا بیرونش ببرند و خود از عقب او چنین زمزمه کرد :

شامست و جهان خراب و دشمن پس وپیش !

بـابـا علـی و گـــر و هـــی از جوانان در تحت هدایت نوایی ، میر زا یاد گار را کشان ـ کشان ازتپه عبور داده ،زیر پای اسپ حـسـیـن با یقرا افگندند شهزاده که با لباس های خسروانه در بزم شبانه بیخود افتاده بود . بیهوش و عاجز انه هر طرف نگاه کرد ،و بعد از آن که به مصیبت و ارده پی برد ، بزحمت از جا بر خاست و لرزیده دستـها را روی سینه نهاده بسوی دشمن خود چشم دوخت . در چشمنا نشس ترس احمقانه و عا جزانـه خـوا نـد ه میشد حسین بایقرا هما نطور نشسته بر اسپ ، سخنان تلخ ونیشدار ی حواله اسیر کرد و به نوکران اشاره نمود تا او را ببرند .

هرات با صدای‌سرنا ونقاره‌هاکه از فراز قلعه ها وارك طنین افگـــن بود ، از خواب بیدار شد میرزا یاد‌ـ گار را سر بریدند .طرفدارانش بـه خاطر حفظ جان هر طرف پناهنـــده شدند .

(بقیه درصفحه ۵۹)

بقیه صفحه ۳۹

مختصری پیرامون برخت

نظر ما جلوه نمیکند بلکه در بسیاری از صحنه ها او درنظر بیننده هـــا حقیر و زبون جلوه میکند .

مـثلا وقتی که نامه های ریاکارانه را که حکایتگر دین داری او ست و در نقش امر او فقط پناه بیك تظاهر برده ، می بینید ، احساس میکند که گالیله محبوب نیست که همین نقطه خلای اکراه آمیز را در نمایشنا مه خلق میکند .

اگر از این موضوع هم چشـــم پوشی شود بصورت عمومی در آثار برخت محرك های مشخص واستوار در برابر اعمال بازیگران وجود دارد که این محرك‌ها عامل پیام‌های است

که اساس منافـع طبقاتی را نفی می کند و این بالا ترین نقطه شاخـص نمایشنامه های برخت است کـــه قسمت اعظم نقایص آنرامی پوشاند.

بقیه صفحه ۴۳

دورنمای تحقیقات کیهانی

قسمت یك پلیت فورم بایدازستاره
ن،عالم کائنات وسیارات با درجه
ق بودن صدها حصه قوس‌ثانوی
قبت کند ساختن این‌قسم‌وسایل
جهه کننده‌واستقرار دهنده بدون
و تردید پرنسیب هٔ‌وراهای حل
کلی جدید را تقاضا میکند .
سکوب های مداری بزرگ سبب
شرفت‌و موفقیت استرو نومی‌هامی
ردد . این علم در دهه‌اخیر نسبت به
شرفت وزارت ساده به موفقیت
ای زیاد تری نایل گردیده است
فضائی کیهانی‌میتوانیم خراص‌مواد
درحالیکه بشرایط لابراتواری آماده
ی باشد تحقیق کنیم .
ین را رد کرده نمی توانیم دربین
جسام کیهانی چنان جسمی پیدا
ود که با قانونهای فزیکی که برای
در حال حاضرمعلوم است تشریح
ردد .امکان آن موجود است که این
سم اجسام کیهانی موجود باشد که
ریا نات درآنها مشابه به‌جریاناتی
شد که ما راجع بان معلو مات
اشته و سبب تولید مقدار زیا د
رژی شود . بلی فقط همین استر-
فزیك بود که راجع بمو جو دیت
کس العمل ترموذروی نتیجه گیری
رده است .
ر قدر که کشتی های کیهانی
بلوت دار دور تر پرواز کنندبه‌همان
ندازه آنها نه فقط مسایل تحقیقات
افراخ میسازند بلکه سا حه خو د
ندگانی را نیز وسیع می سازند .
بیعی است که فرا گرفتن فضا ئی
یهانی از طرف انسان با حل یك
ه پرابلم مغلق بیولوژ یکی وسایل
بی‌و تخنیکی مربوط می‌باشد دربین
ن پرابلم یکی از مهم ترین آنها
بارت از مسایل فزیولوژی بود ن
دام دار انسانها در فضا و طرح
سیستم تامین کننده حیاتی در یك
ره بسته میباشد .
پرواز های آینده کیهانی مربو ط
پیشرفت‌تخنیك راکت‌و بالخصوص
بوط به استفاده از انجن ها ی
وی ،ایونی وپلازمائی خواهد بود.
ساختن کشتی های کیهانی که
سافرت چندین ساله رادر سیارات
مین بدارند در پیشرو داریم .

از نتایج تحقیقات و زحمات فضا
نوردان امروز در پیشرفت زراعت
استفاده بعمل می آید .آنها تا مین
کردن مخابرات بعید پیش گو ئی
هوا، طیاره رانی وکشتی رانی‌را
آسان تر می سازند این را هم باید
خاطر نشان بسازیم که درحل‌مسایل
بوسیله تخنیك کیهانی قدم ها ی
ابتدائی برداشته شده است . فعلا
با قدرت اعظمی دلچسپی به‌استفاده
از اقمار مصنوعی برای مطالعه‌عمومی
ذخایر طبیعی سیاره زمین ،اثر ات
طبیعی زمین نشان داده میشود .روی
سخن ما متوجه تحقیقات کامپلکسی
است که اساس آن ساختن مود لی
را تشکیل میدهد که دارای تخنیك
عصری بوده و با همکاری انسان
طبیعت سرمایه طبیعی سیاره زمین
را کنترول نموده ، محافظه نمو ده
و بصورت مناسب از آن استفاده
نمایند .

البته این مودل با پیشرفت
دانش بشری عصری ترو مکمل
تر خواهد گردید .برای تحقیقات
ذخایر طبیعی فعلا از عکس برداری
سیاه وسفید ویا عکس های ر نگه
سطح سیاره زمین استفاده می نماید
لیکن اگر در یك زمان‌ما عکس هارا
در قسمت قابل دید سپکترو اشعه
تحت قرمز بدست می آوریم ، در
اینصورت می‌توانیم به شکل مکمل
تر خواص محل مشاهده را مطا لعه
کنیم .

در زمان موجوده بصورت تیوری
و تحقیقاتی امکانات تهیه طر ق و
وسایط برای تعیین خواص تشکیلات
طبیعی از مسا فات دور تد قیق می
گردد .طریقه های موثر استفاده از
معلومات بدست آمده از اقما ر
مصنوعی در ساحات مختلف علو م
و اقتصاد آماده می گردد .

برای این مقصد عکس بر داری
همزمانی‌زمینی، طیاره‌وی، اندازه‌گیری
واقمار مصنوعی صورت‌میگیرد نتایج
این فعالیت ها با مرو رزمان بحیث
عناصر طرح های کا مپلکسی‌تحقیقات
ذخایر طبیعی سیاره‌زمین باقی‌خواهد
ماند .

پایان

بقیه صفحه ۴۱

دننی پروانه

یابد .و در وقتیکه اعصا بش خراب
میشد سرش رابه‌دیوار می کو بید،
انگشتش را می مکید . بار دیگر در
برابر کدام چیزی عکس العمل نشان
نداد . ولی امید را از دست ندادم.
وقتیکه ۱۸ ماهه شد باردیگر به
نزد داکتران بردمش سعی‌میکردم که
گپ بزند و راه برود .
در شفاخانه به داکتری که معاینه
اش می کرد گفت :
(هلودا کتر) برای داکتر گفتم-
چه‌فکر می کنید ؟
شما گفتید که‌اوهر گز حرف‌نمی
زند ، وحرف می زند گفتید که‌هرگز
راه نخواهد رفت . ولی راه رفت)
(ممکن مادر تشخیص خود اشتبا ه
کرده باشیم) ، پس چنین بنظر
میرسدکه‌مغزش ممکن‌بمرض کشش
اعصاب دچار نشده باشد .
ولی بانهم پسر بسیار ضعیف
بود . به‌تداوی روانی ضر ورت
داشت وماین کار رابر ایش تنظیم
کردیم .
هفته سه روز او را به مرکز
تداوی اعصاب می بردیم .اکنون دو
نیم ساله شده بود . وسال ها ی
که‌بدنبال آن آمدبدتر بود . چطور
میتوان آنهارا باز گو کرد کژخلقی
ها و فریاد های وحشتنا کش را؟
و روشی که او با دیگران می نمود و
در برخی موارد خود را زخمی می
کرد .

یك بار کاردی رابدست آورد و
دستش را بان برید . جای زخم-
به شدت پندید و او را نا آرا م
ساخت .و ناچار به شفاخانه برد-
یمیش .

بر گشت دیگری بمیان آمده ،
دوران دیگری که گامی به قهقرا
بود تا به جلو وقتیکه سه ساله شد
مجبور به‌درب اتاقش زنجیر انداختم
زیرا همیشه سعی می کرد فرار کند
یکبار او را در حالیکه لباس خواب
پوشیده بود ،در ایستگاه ریل
یافتند .وحتی اگر میتوانست از
ارسی نیز فرار میکرد و از همین-
سبب او را بندی نمودیم .در اتاقش
هر چه که بود روی هم می انداخت
وحتی سعی می کرد راهش را بر-
دیوار باز کند باری مجبور شد یم
را به صورت مجدد تعمیر کنیم .

**مردم از ما می خواستند تا دننی
را نیاوریم.**
بار دیگر اتاقش را اصلاح کردیم
ولی باز سعی کرد همه چیز را بهم
بزند روزی مهمانی داشتیم و صدای
را از اتاق دننی شنیدم . به اتاقش
رفتم ، دیدم که در ودیوار را با
مدفو عشق آلوده کرده بود .
چرا او را بندی می کردم .
زیرا غیر ممکن‌بودتا موجودوحشی
را رها بسازیم بچه هایم او را
پذیرفته بودند ، ولی دیگران هنوز
او را قبول نمی کردند .اگر از آنها
می پرسیدم می گفتند .
(دننی را نیاور)
اشك بدید گانم راه می یافت
بار دیگر خود را به یخچال رسانید
وتمام کیکها وجلی ها ی که به
خاطر سالگرد تولدبچه‌ی دیگرم‌پخته
بودم ، همه را بهم زد.
او در حقیقت یك ماشین کوچك
خرابکاری بود .

همیشه با داکتر به تماس بودم
واو تشریح می کرد که دننی نقصان
مغزی دارد. وبه‌همین سبب ازهرچیز
میتر سید . تر س در مغز ش
مانند مهمان ناخوانده ای راه می
یافت و همه چیز را بهم می زد .
دننی به خاطری به‌همه چیز حمله
می کرد و هجوم می آورد که بر
مغزش ترس حکومت می کرد به مردم
هجوم می آورد ، خود را زخمی می
کرد و سعی می‌نمود که جهان اطرا-
فش را به ویرانی بکشد .
هرگاه به سرویس سوار می
شدیم موی های نگران را کش میکرد
و به طرفش حمله می آورد .
وقتیکه چهار ساله شد ، ما فکر
می کردیم که او بکلی عقلش را از
دست داده است بر گشت
دیگر بر او حمله کرد و
برای دو هفته کسی نزدیکش رفته
نمی توانست . بار دیگر بحیوا ن
کوچکی بدل شد .
ولی ناگهان ، بماه اگست بعد از
دوهفته کژ خلقی ،فر یاد ها و
حملات شدید .مثلیکه از نو تولد
یافته باشد . نا گهان یك
موجود کوچك از درون پوسته آ ن
حیوان وحشی بیرون آمد .

بقیه در صفحه ۵۸

بقیه صفحه ۳۳

یک پلان

سخت از آن بمشام برسد . این دیگر بواقعیت نزدیکتر است و قابل قبول ... همینطور نیست ، آقای فورستر ؟ کسانیکه ما یلدرید را خوب میشناسند و بخوبی و طبیعت وی آشنای کامل دارند ، جداً و قتی همیشگی وی را یك امر طبیعی و ساده میشمارند... بارها وقتی برای صرف چای کنار یك میز می نیشستیم طبع ناساز گار وی اساس یك نزاع وستیزه را میریخت و بسر هیچ و پوچی دعوا راراه می انداخت .

اخلاق وی با شما نباید زیاد تغییر کرده باشد ، زیرا ستیزه جوئی جزء کر کتر او بود. خد مه منزل یقینا این شیوه اخلاقی او را به پولیس خواهد گفت :

فورستر فریاد کرد :

ـبنام خدا ...

برت نگذاشت فورستر جمله اشرا تمام کند بدوام جملهٔ قبلی ، گفت .

مطلب من از تذ کر و ضع اخلاقی مایلدرید اینست که صحنه سازی من با خصو صیت نزاع طلبی مایلدرید ،خیلی طبیعی جلوه خواهد کرد. یعنی شما (زن و شوهر) گویا موقع صرف چای با هم‌نزاع کرده‌اید و مایلدرید از منتهای غیظ دست به تفنگچه برده و بالای شما فیر کرده است . در آنصورت هیچکس وجود مرا درینجا تصور نخواهد کرد واز همین جهت‌هم‌پیشنهاد شمارا درمورد چای وسگرت رد کردم تا اثر ی از من درین صحنه قتل باقی نماند. بااین تفصیل چه‌کسی سرش رابدرد خواهد آورد که‌در باره ازدواج قبلی مایلد رید تفکر کند و چه کسی با چه مدرکی خواهد توانست پای مرا درین جنایت شامل بداند؟

فورستر در حالیکه سایهٔ مرگ را در چند قدمی خود میدید ، با تمسخر گفت :

ـولی تفنگچه چطور ؟ این اسلحه کشنده از کجا آمده است ؟ من که نداشته ام ؟

برت دیوانه وار خندیدو گفت:

ـآفرین .این یگانه سوا لیست‌که از مطالعهٔ اینگونه رومانهای جنایی بلکه شما باقی مانده .. و لی مطمئن باشید که این تفنگچه متعلق به مایلدرید است .

برت میدا نست که کلمات وی چه تاثیر سوزنده‌ای بالای فورستر وارد می آورد . بنابر آن مطالب خود رابا تون خاص وخیلی شمرده ادا می کرد :

ـ وقتی مایلدرید در جنگ جهانی دوم جزء زنان دواطلب در جدا ل دسته های رهایی بخش دنمارك بود این تفنگچه را بدست آورده بود و موقعیتکه مرا ترك میگفت . فراموش کرد آنرا از من بستاند و بعد از هم کسی در ینباره سوالی نکرد ،نمبر تفنگچه طبعا با اسم مایلدرید را ـ جستر شده است.

برت لحظه ای خاموش گردید ودر آن حال بقیافهٔ قربانی خویش نظر دوخته بود . سپس آهسته دوا م داد :

ـ بعد از آنکه بالای شما فیر کردم ، میروم بالا و بعد ازقتل مایلدرید ،تفنگچه را که هنوز آثار انگشت وی روی آن هست ،بدستش میگذارم تا همه قیاس کنند که بعد از کشتن شما ، اراده خود را از دست داده و انتحار کرده است .. باینصورت پلان قبلی را تعدیل کرده ام وخیلی هم مسرورم..

فورستر آه سرد و عمیقی بر کشیده واز منتهای عجز و ناتوانی خاموش ماند . برت ابتکار عمل را بکف داشت و به یقین میتوانست بدو ن هیچ تردیدی ، پلان شیطانی خود را عملی سازد .تصور این نکته که برت عقل خود را از دست داده وبا یك جنون آنی میخواهد اسم دو موجود بیگناه را از صفحه هستی محو سازد ، برای فورستر چه کمکی خواهد کرد ؟

برت تفنگچه را بلند کرده گفت :

ـحالا فقط یك‌معجزه میتواند تو و مایلدرید را از مرگ حتمی نجات دهد . ولی شاید فکرش را نکرده باشی که معجزه ها همه وقت ممکن است پدید آید، جز هنگامیکه انسان به‌آن نیاز دارد. چنانچه مراهم‌وقتیکه مایلدرید ترکم میکرد و قلبم را می شکست ، هیچ معجزه‌ای نجات نداد در حالیکه برای یکچنین اعجازی دعا میکردم .

درست در همین لحظه، صدای زنگ در فضای عمارت پیچید فور ستر با یك جهش جسورانه ، برت را بزمین افگند و درین ثانیه حساس متوجه‌شد که‌چه‌واقع‌شده‌وچه اعجازی توانسته است جان او و مایلدریدرا از مرگ حتمی نجات دهد :

در اثنا یکه برت میخواهد فیر کند ،جهت موضع گیری مناسب ، یکقدم به پیش میگذارد و تصادفا پایش روی دکمه زنگ که‌بزیر فرش اتاق ،قریب میزچای تعبیه شده‌بود، فشار می آورد ...

مایلدرید بمنظور سهولت کار ، نصب دکمه زنگ را قریب میز چای بزیرفرش فرمایش‌داده‌بودتاگاهگاهی خدمه منزل را برای انجام کاری احضار کند .

چستر تون چه خوب گفته بود : «یکی از عجایب اعجاز آنست که یقینا همیشه بوقت مناسب پدید می آید!»

بقیه صفحه ۵۷

دننی پروانه گکم

اشک‌هایش برایم مانند دانه‌های جواهر معلوم میشد

ممکن کلمد ناگهانی، درست نباشد بلی غیر مترقبه نبود ، ولی در ظرف چند روز احساس گرمی بوجودم راه یافت ، مانند احساس که از بر آمدن آفتاب از پس ابر ها دریك روز سرد زمستانی برای انسا ن دست می دهد . براستی شرو ع‌به حرف زدن کرد .

تبسم می کرد و می گریست . بلی ، او می گریست و اشك های واقعی در دیدگانش دیده می‌شد در گذشته این ها فقط در وجود فریاد ها و چیغ های حیوانی خلاصه می شد ولی حالا که عصبی میشد اشك های که چون دانه های مروارید می در خشید و سبمولی از عواطف انسانی بودند .

علتی این راکه چرا دننی از صدف حیوانی اش‌برآمد نمی دانستم ممکن مانند پروانه ای که از پوشش می بر آید .حالا دانستم که تلاش هایم بیهوده نبود .

بلا خره فهمیدم که دننی هو شیار است .بزودی جملات‌درازیاد گرفت. زمان مکتبش فرا رسید و در امتحان هوش زن‌امتحان‌کننده ازاش پرسید .

(کلاه چیست؟)

بزودی جواب نداد . بعد گفت (اگر شما می داشتید ، من نشانتان می دادم) .

(با کلاه آدم چه میکند؟)

(بسر می گذارد).

در امتحان هوش موفق بر آمد

به این ترتیب دننی‌در پنجسالگی تولد یافت . هنوز هم تند مزا ج است ولی ما به خویش بلدشده ایم. اکنون‌او می‌داند که(نی) (نی)است. در مکتب نیزمی دانند که‌تندمزاجی‌اورا باید بارفتار ملایم ومهربانی جواب بدهند .

به سختی باورم میشود که این بچه‌ای از درون صد ف حیوانی بر آمده باشد . او مثل بلبل می خوانند .و زمانیکه به سفر های دور بوسیله موتردست‌می زنیم برای ما داستان ها ی طو لا نی میگو ید.

من و پسرم تادم مرگ جنگیدیم ولی در طول همین نبرد بود که من به او ،این پروانه گک کوچکم عشق ورزیدم و مهرش سخت بدلم راه یافت .

ژوندون

مسئول مدیر :
علی محمد «بریالی»
مهتمم ع.م عثمان زاده
دمسئول مدیر ددفترتیلفون:۲۶۸۴۹
دمسئول مدیردکور تیلفون: ۲۱۹۶۰
سوچبورد ۲۶۸۵۱
ددفتر ارتباطی تیلفو ن ۱۰
دتوزیع او شکایات مدیریت‌ارتباطی تیلفون ۵۹
پته: انصاری واټ
داشتراك بیه
په‌باندنیو هیوادو کښی ۲۴دالر

بقیه صفحه ٥٦

علیشیر نوایی

فصل هشتم

توغان بیك ازیك هفته باین سودر اطاق آراسته خویش ،افسرده و دلگیر بسر میبرد د لش یاری نمیداد که برای گشت وگذار در کوچه ها براید . همچنان غرورش اجازه نمیداد تا نزد خواجه خود که با سلطان از سفر بر گشته بود برود و بخطا های خویش اعتراف کند .

ایکاش باری بخاطرش میگذشت که ناگهان روزی ابر های تیره ،بر ایام درخشان میرزا یاد کار سایه می افگنند او پاینده سلطان بیگم را به عنوان (زن کاکه احمقی که فقط به فن آرایش با سرمه ووسمه‌آشنائی دارد !) دشنام میدهد . بیك های ترکمن را که جریان حوادث را با چشم و گوش باز تعقیب نکر ده‌اند، نفرین میگوید. از اینکه‌بزودی‌موفق نشد نقشه خود را دایر بر اینکه شبی تمام سر کردگان تر کمن را سر ببرد و آنگاه با تهدید میرزا یاد گار خویشتن را بحیث وزیر اعظم جا بزند ، خون دل میخورد و نیز ازینکه در نخستین روز طوفان ،در گرما گرم جریان حوادث حاضر نشد بکجا با توقلی میرگن از هرات بگریزد ، اظهار ندامت میکند ... او نقشه های زیادی در باره سفر به کشور های دور دست سنجید ،امابه نسبت اینکه نمیتوا نست از زندگی در هرات دل بکند ، کوشید تا در تمام نقشه ها نوعی نقص ویا مانعی در یابد ...

توغان بیك مثل اینکه خفه شده باشد نفسی سنگین گرفت و هر دو پله دریچه را بشدت باز کرد رشته های ابر یشمیی انوار آفتاب آرا م به درون خانه فرور یختند .توغا ن بیك از دریچه تفی به بیرون افگنده از جاجنبید تا خبری از دلدار بگیرد درست در همین موقع دروازه اندکی باز شده ریش سفید ملایم با چهر ه مایوس نور بابا پدیدار شد . توغان بیك باشاره سر پرسید : « چه خبر است ؟»پیر مرد بصدایی آرام اطلاع داد که خواجه او را نزد خود خواسته است و خودش نا پدید شد توغان بیك مدتی درخود فرو ر فت با خود اندیشید ،و سپس طور غیر ارادی براه افتاد .

مجد الدین او را در مهما نخانه پذیرفت . توغان بیك بعد از آنکه دست خواجه را محتر مانه فشرد ، رو بروی او نشست . مجدا لدین تمام حرکات نا معقول او رابرویش کشید .توغان بیك در حالیکه‌چشمان خود را دقیقا بیك نقطه معین دوخته بود ،خاموشانه سخنان او را شنید همینکه گفتار خواجه بپایان رسید ، توغان بیك تمام بدن خود را حرکت داده گفت :

ـ چندان کاری هم از ماسر نزده که قابل یاد آوری باشد . مردم این شهر درکار مبالغه خیلی ما هر اند.

ـ خوب از چنگ علیشیر چگو نه نجات یا فتی ؟ از تو شکا یت کرده بودند .برخی از ذوات درین باره بمن معلومات دادند .

ـمن در انجام خدمات جناب‌شما از صمیم قلب جسورانه بفعا لیت آغازکردم . من اینطور عادت‌کرده‌ام که‌ازکار ناتمام خوشم نمی‌آید . در برابر آنانیکه مبلغ مقرر را بدون گفتگو پرداختند ،خدا شاهد است که حتی زبانم راهم حرکت نداده ام اما کسانی راکه تعلل بخرج‌میدادند اگر سخن کارگر نیفتاد ، با تازیانه وادار ساختم . شما خود میدا نید در کار هایی که توسط مردم صورت میگیرد ، جز این نمیتوان از طریق دیگر موفق شد .اما جناب شان باید اطمینان داشته باشند که موقع نداده ام‌حتی کوچکترین‌درو غی‌هم‌بر دامن شان بنشیند . من به صفت نماینده ابو ضیا کار کردم !... این شخص که نوایی اش میگو ئید ،هر آنچه را که از زبان مردم میشنود بی چون‌و چرا می‌پذیرد .درینجا هنگامه بزرگی برپا کرده بود ..عجب است شاعر هم میتوا نسته تا این حد جسور وپر قدرت باشد ! من از شهامت این انسان به شگفت اندر شدم !... اما در ینگونه موارد من نیز کمتر از هیچکس نیستم ، پوستین کهنه خود را دور خود پیچیده، شب وروز در میخانه ها خفتم . آنوقت می آمدند و توغان بیك را می یافتند ؟!

ارزشی که برای شاعر داده شد، بر مجدا لدین مغرور گران آمد .او روی خود را کمی دور داده ، بصدای حاکی از عدم رضامندی گفت :

ـ آرزوی نوایی اینست تا اعتبار و آبروی خود را در میان مردم بیفزاید .این سیاستی است که هدف آنرا ما میتوانیم درك كنیم .

ـ میخواهید بگوئید که در زیر نقاب مردم دوستی چیزدیگری نهفته است ... در هر حال بی چیز نیست (توغان بیك‌نگاهی زیرکانه‌به خواجه خود انداخت)

مجد الدین متفکرانه وباصدایی‌آهسته گفت :

ـتوغان بیك ،اگر میل داری به بزرگی برسی ، باید هر گام خود را بدقت واحتیاط بر داری ... از دست ما درد آور است .هر گاه دامن ما را دادن جوان بهادری مانند تو برای از کف رها نسازی ،حتی خواهیم توانست از (پل صراط) نیز ترا به سهولت عبور دهیم . اما تا زمانیکه حوادث رنگ نباخته ،لااقل یکی دو ماه باید در ولایات بگذرانی . فقط کافی است در خلال صحبت ها زبان خویشتن را نگهداری .

توغان بیك که اندکی اطمینان در دلش راه یافته بود ، از وی سپا سگذاری کرد مگر این التفات قناعت او را فراهم نمیسا خت،زیرا او فقط وعده نجات از چنگ نوایی داده بود وبس واز طرف د یگر این حادثه در جریان آخرین طوفا ن ها اهمیت خو را باخته بود . ممکن بود از ینگونه جرم ها با دادن جریمه

(ناتمام)

بقیه صفحه ٤٧

مراعات آداب معاشرت

خوشی ورضائیت طرف مقابل شده بلکه در حقیقت به ارتقای پر ستیژو حیثیت خویش در جامعه نیز عمل نموده است .

بر عکس وقتی موتر سواری در شب هارن عراده خود را با قوت هر چه تمامتر فشار میدهد و یا مثلا خانواده ای رادیوی خویش رابدون در نظر داشت‌اینکه برای همسایگان مزاحمت تولید میشود بلند وبلندتر مینمایند اگر از یکطرف تنفر وانز جارد یگران را کمائی مینما یندبرای شخصیت خویش نیز لطمه وارد می آرند .

فلهذا بر عموم هموطنان است تا ازنزاکتها وآداب اجتماع خود را آگاه ساخته و بدان پابندی از خود نشان دهند تارفاه و آسوده حالی هر چه بیشتر در جامعه ما تعمیم یابد .

بقیه صفحه ٤٦

یك تست روانی برای جوانان

خوددر صددرفع ورجوع آن برمی آئید واینکه بعهده دیگران وبپای دیگران میگذارید ؟

١٦ـ آیادر انجام کارهای عادی روزانه، روشی داوطلبانه واشتیاق آمیز دارید ؟

١٧ـ آیاوقتی درانجام یك کار اجتماعی، ابراز بیشتری نیروی کار وکار دانی ضرورت دارد ازآن دریغ نخواهید کرد ؟

١٨ـ آیا وقتی کسی بیمار است، بزحمت افتاده است، بگونه ای بشما علاقه مند است ویاجشن ومراسمی دارد، در فرستادن گل، تلیفون کردن ویانامه کوتاهی نوشتن اقدام میکنید ؟

١٩ـ آیا نسبت به همه روشی احترام آمیز وتوام بامحبت دارید : خانواده خود ، زیردستان تان، درمحیط کار، آنهاکه شمارا دوست دارند وآنهاکه دوست تان ندارند ؟

٢٠ـ آیابه رفتار مودبانه ومحبت آمیز دیگران توجه دارید وآنرا می ستائید؟

برای هر پاسخ (بلی) که بهریک از سوالات داده اید (٥) نمره در نظر بگیرید وبعد نمره هارا جمع‌کنید ٠ چنانچه مجموع نمره هائی که بدست می آیداز (٧٠) به‌بالا باشد، شمارفتار وکرداری پسندیده دارید، اگرمجموع نمره هابین (٦٠) و(٧٠) باشد ، رفتار وکردار تان رضایت بخش است ٠ نمره های بین (٥٠) و(٦٠) نیز، نا مطلوب نیست . ولی درصورتیکه مجموع نمره ها کمتراز (٥٠) باشد نامطلوب خواهد بود ٠ دراینصورت یك تجدید نظر درکرداورفتار تان ضرورت است. سوالات این تست‌روانی معیار ودستور عمل ثمر بخشی است برای شما دراین زمینه ٠٠٠ درواقع، روشی باید درپیش گیرید که درجهت توافق وسازگاری بااین سوالات باشد ٠ ساده ترین راه برای رسیدن به‌این مقصود این است که دردیگران آنچه دوست داشتنی است بجوئید وببینید وچشمان خودرا برآنچه د وست داشتنی‌و مطلوب نمی بینید ، به بندید ٠٠

بقیه صفحه ۲۵

جزیرۀ خاطره

تکه‌ی پاك آورد واز تریشه های آن‌بنداژ خوبی سا ختم. تریشه ها نتوانست جلوخون ریزی رابگیرد ولذایك شریان بند ازآن‌تیار نمودم. وبخا طر اینکه قطع جریان خون‌صدمه زیاد وارد نکند تاآ مد ن‌دکتور آن را می‌بندم وباز میکردم. بعد در حالیکه دخترك‌راباآهنگ للو للو می خوا باندم، مادر ش حادثه‌راباز‌گو کرد.«دخترك برای تفریحی فقط تفریح بوتل روغن‌راگر فت وازخانه به بیرو ن‌دویدودنبالش نمودم، در حیاط منزل در حالیکه به‌پشت‌سر میدید و می خندید پایش به‌سنگی بندشده‌و سخت‌بهز مین خوردو شکستن بوتل یك‌توته شیشه آن بدستش فرو رفت وخو ن ریزی‌را باعث شد .»

درحالیکه سر م رابرسم تایید تکان‌میدادم گفتم:

(درست است) واز دختر ك نا مش را پرسیدم.

بانگاه معصو م واندوه زده لب هایش‌رابه هم‌فشرد فکر کردم نمی خواهد نا مش را بگوید.

ناگهان صدای خنده ی مردی که بدنبالم قرار داشت چنین گفت:

(نا مش روزیلا ست. نام زیبایی است، نیست؟)

در حالیکه سر م رابه آ هستگی دور می دادم برای او این بار نگا هم‌بصورت د کتور کننت والاس تو قف کرد.

بوت های تینس بپا داشت ، پتلون‌خاکی وپیراهن کر می رنگش به او چهره واقعی یك دکتور رامیداد. دفعتا فکری به‌ذهنم‌خطور کر دکه مبادا این لباس رابقصد پوشیده‌باشد تاتوجه اهالی جزیره رابخود جلب نماید.

هرگونه که لباس پو شیده بودبراستی مرد زیبا بود. بلند وباریك زیر موی های درهم وبر هم ولشمش چهره‌ی زیباوقوی‌اش قرار داشت و چشما یش در حالیکه بسویم میدید می رقصید .

پرسید:

(تو این را کردی ؟)

(بلی، من یك پرستار هستم)

(آفرین ،بگذ ار این بنداژ وشریان‌بندرا ازنزدیك ببینم).

درحالیکه زخم را معاینه میکرد لبانش تکان می خورد (ام..خو ب است به‌درستی بسته شده است ؟باآنهم باید چند بخیه‌بزنم) انگشتش راروی زخم اوزیلا گذ اشت وبعد آن‌رابوی نمود. بسوی دختر تبسم کرد.

(تو دختر ك اکنو ن بزرگ شدی‌تاوقتیکه من‌زخم رامی بندم باید شجاع باشی.)

دختر ك باوقارسر تکان داد.

دکتور والاس آب خواست تا دستهایش‌را بشوبید، بعد بکسش راباز نمود وشروع‌بکار نمود. در تمام مدت عملیات خاموش نموده‌و بامزا حها یش فضای آرا مش‌بخش بوجود آورد. دختر ك رابیهو ش مو ضوعی‌نمودومی توانست همه چیز راکه دکتور انجام میداد ببیند. مادر نیز باشگفت زدگی به دست‌های دوکتور می نگریست‌وزما نیکه دکتور کارابا کلمات(اینطور خوب شد) تمام نمود هنوز دهان دختر ومادر ازتعجب باز مانده بودومثل اینکه افسانه‌ی دلچسپی به پایان رسیده‌و آیند وبه شدت زیر تائیر آ ن ر فتـــه باشند.

بعد به مادر دوا داد وهدایت خوراندنش راگفت وبعد از من پرسید کـه از مهمان خانه‌ی بلوویز آمده ام .

(ناتمام)

بقیه صفحه ۳۷

سوفیالورن در آستانه..

آرایش راتغییر نداده ام . وقتیکه جوان‌بودم آرایش غلیظ می‌نمودم طوریکه بسیاری‌دختران جوان می‌کنند.

ولی حالا فهمیدم که‌آرایش غلیظ یك زن راپیر تر جلوه میدهد وتمام احساس‌چهره‌اش را ازبین می‌برد.

مادرم به‌جراحی پلاستیکی ضرورت نیافت ومن هم امید وارم چنین احتیاج‌نیابم. فك‌ها برآمده ام‌بمن کمك می‌کنند.

اطفال جور و صحتمند به جـــوانی ام می‌افزایند وهمچنان شوهرم دراین را کمکـم می‌کند . **واگر چنین شادی داشته باشم‌دیگر** ضرورت به‌گرفتن هورمون ویاجراحی‌پلاستیکی ندارم . **ولی اگر به چنین پینه ووصلـه‌ای** احتیاج یابم از آن شرم نمی کنم زیرا یـك زن هرگاه بتواند ازلحاظ روانی بـر تر س ناشی ازپیری غلبه‌یابد، **انتخاب‌راه ووسایل** مهم نیست .

اکنون بمراتب کودکتر از سن ده‌سالگـی هستم. کارلو بمن دوران کودکی از د ست رفته‌ام راباز گرداند. بمشابه هدیه‌ی‌عروسی‌ام بمن‌خانه داد که‌هرگز نداشتم آن ویلای‌پونتی است. اکنون آنقدر آرام وپر دبدبه‌زند گی می‌کنم که‌حتی بخواب نمی دیدم. بامعیارهای جهانی من مرده ام ولی‌زندگی آنقدر بمن‌در لحظات کنونی ارزشمند است که نظیرندارد. من‌کاملا شادهستم . **وممکن‌همین امرمراجوان** نگه داشته‌باشد.

باتمام این پیروزی هایم هنوز نامطمئـن هستم .

یگانه واقعیت برایم شوهر وفر زندانم‌اند. آنان کارهای هنری ام اند وبخاطر آنان‌تاآخر زندگی ام نبردخواهم کرد.

این‌خانه پناگاه ام‌است. وزمانیکه دربین انبوه مردم هستم احساس نگرانی می‌کنم . برخی موارد فکر می کنم که‌یا مردم‌رادرك نکرده ام‌ویا آنان مرا. در کنفرانس‌مطبوعاتی به‌شدت زیرتائیر می روم وتمام جانم‌مملواز عرق‌می شود.

ولی همین ناآرامی هم برایم نیروی عظیم میدهند. این ها مرادر مرکز حوادث‌قرارمیدهد بلند تر می‌بردوگسترش میدهد . مـــن‌آنچه کارول یك ناآرامی مثبت می‌نامدهستم.

دربرابر کمره فلمبرداری خوب هستم . خودم اهستم وراهم باکودکـان.خانه‌ام‌قلعه‌ی بزرگم است. خاطرات اقامت ریچارد بر تــن راهنگام یکی ازجدایی هایش باما،بیاد دارم. وقتیکه الیزابت تایلور بااوپیوست‌باشگفتی برایش گفت :

((توباورمی کنی که‌سوفیا برای‌یك ماه‌از خانه بیرون نشده‌است)). برای آنان‌زندگی مایك بیهودگی است. ولی‌برای من‌یك‌زندگی آرام وسعادتبار.

درمورد ازدواج وطلاق نظرم اینست که: ازدواج کارزن است . مردان د ر این راه هیچوقت تلاش نمی کنند. زنها یکه عشق می‌ورزند وواقعا مراقبت مردان شان اندشگفت انگیز اند. آنان ریشه اینگونه روابط راهر روز آب‌میدهند.

از آنجاییکه باشدت مراقب ازدواج‌هستم برای تحکیم آن هرنوع تلاش خواه کو چك وبزرگ باشد می‌نمایم . بنظرم این یگا نه

معنی حقیقی ندارد، راه ندهم ویالحظـــات غشی آوری که هیچ معنی ندارد .

دربرخی موارد به تنها یی در اتاق‌خوابم می‌گیریم و میگذ ارم که فقط خودم قر بانی این حسادت های زنانه باشم ودر بر خی موارد از خوشی نیز می گیریم که بنظـــر بهترین‌نو ع گریه ها ست ، ونمی گذارم‌تا دیگری در این سا حه راه یابد. مر دان

من کا ملا یکزن خانه هستم. ز ما نیکه کاری ندارم، سببی مرا بساعت٦ ازخواب

بقیه درصفحه ٦١

بقیه صفحه ۱۱

بلخ شهری باتمدن

درین صفحات کشور در از منه های دور تاریخ علاوه از تمدن های آریایی ویونانی تمدن های دیگری از کوشانی ها. کوشانی های بعد ودوره اسلامی نیز بمیان آمده است . حفریات باستا نشناسی در ساحه بلخ تا ۱٦ متر عمق زمین ادامه یافته است ودرین عمق قشر هایی مربوط به دوره کوشانی ها ، کوشانی های بعدی و دوره اسلام در بلخ کشـف گردیده است .

اما ادامه حفریات نسبت موجودیت آب ،برای فعلا به موانعی مواجـــه شده است .

داکتر طرزی میگوید :

ــ وقتی شرایط مطالعهٔ آثا ریکه در زیر آب قرار گرفته‌است ،مساعد شود .تا دوره یونانی ها و آریایی ها یعنی تا سه هزار سال قبل از امروز ،روشن میگردد .

وی سوالی را ، راجع به آمد ن آریایی ها ، درین سر زمین ،اینطور جواب میدهد :

ــ آمدن آریایی ها را در آسیا و اروپا، میتوان به‌اواخر دوره برونز واوایل دوره آهن دانست ، چه برای اولین بار در وقت آریایی ها بود ، که آهن کشف ومورد استفاده قرار گرفت و انسانها به سوار کاری و استفاده از اسپ پرداختند .

او در باره اهمیت تجارتی بلخ در قدیم میگوید :

ــ بلخ علاوه از زراعت ، از نگاه تجارت نیز اهمیت خاصی داشت،چه راه ابریشم ازین شهر می گذشت علاوه بر آن وقتی شاهراه تجار تـی آسیا (ابریشم) به بلخ باستان مـی رسید .به دوراه علیحده تقسیم می شد که یکی بسوی با میان وتکسیلا ودیگری به سمت غرب تا دمشـــق امتداد می یافت .

امروز در شهر بلخ آثار باستانی وویرانه های زیادی دیده میشود که بقایای دوره های مختلف تاریخ این سر زمین می باشد .

در شماره آینده گزارش ما را ،در باره شهر با شکوه باستانی کـــه عصر ترین ساختمان های قدیم درآن کشف شده است ،مطا لعه میکنید . این شهر (آی خانم) است.

ژوندون

بقیه صفحه ۱۹

قلت مواد غذائی

هفته بخورند تامقدار زیاد ترغله را بـــرای استهلاك مردم محتاج جهان تهیه نماید ازطرف وزیر زراعت امریکا اول بنز مورد استفاده‌قرار گرفت اما درمورد این پیشنهاد که جیره بندی اجباری مواد غذایی‌صورت گیرد **یك‌متخصص** وزارت زراعت امریکا چنین تبصره کرد· (فکر میکنم این امر اغتشاشات غذائی رادر ســـر زمین خود مابار خواهند آورد)·

٦ ریفورم ا راضی

بعداز جنگ دوم جهان اشغال جاپـان از طرف امریکا به‌ملکیت اراضی ازطرف زمیـن داران غائب خاتمه **دادوزمین‌را درذست‌دهاقین** که‌زمین راقلبه می‌کردند قرار داد. **بالنتیجه،** گرچه فارم های زراعتی جاپان کوچك می‌باشد **(هریك تقریباً بصورت وسطی‌صدم‌حصه‌وسعت** فارم امریکا) **انگیزه** ملکیت شخصی وهمچنین سعی‌وعرقریزی زیادمردم‌جاپان **دهاقین‌جاپانی** راچهار چند مولد ترنسبت به‌دهاقین سائــــر کشور های آسیائی ساخته است ·

اقدامات مشابه‌برای ریفورم ارضـــی‌در تایوان ،مصر ،ومکسیکو افزایش قابل ملاحظ تولیدات زراعتی رابا ر آورده است ·

باآنهم ساحات وسیع زراعتی **در آسایا،** امریکای لاتین هنوزدردست **مالکین‌غاصب‌قرار** داده‌ودهاقین‌که **واقعا در روی‌اراضی‌عرقریزی** میکنند انگیزه کمتری دارندتازمین های زراعتی را بهبود بخشند ·

درقسمت های مختلف افریقا کنتـــرول جابرانه اراضی ازطرف‌روسای قبایل‌وقوانین ابتکارات فردی وسرمایه گذاری طویل المدت رادر زمین مختنق ساخته است ·

بهر حال چه‌در اراضی کوچـك وچـه در کوپراتیف های وسیع دهاقین انگیزه هائـی مانند سهم درمفاد ملکیت زمین انگیزه هائی کمك به‌بهبودملت ،نیازدارندیکی ازمتخصصین ریفورم ارضی موسسه غذا وزراعت ملل متحد گفت ·

انسان گذشته ازهمه متمایل اســت تادر زمین خود بیشتر کار کند ·

۷ـهمکار ی جها نی

اکثر ازمتخصصین مواد غذائی عقیده دارند که‌حل بحران‌موجوده‌غذائی نیازمندیك‌پروگرام وسیع همکاری بین المللی می‌باشد ·آنهاامید وارند تا باین پروگرام به پیوندند ومبالغی‌را درعواید بطرول خودبه یك صندوق وجهـــی مخصوص زراعتی بپردازند تااز آن قرضه‌های دارای شرایط سهل به‌کشـــور های فقیر داده شود همچنین، ازتاسیس‌یك سیستم‌جهانی‌که **ازقحطی مواد غذایی قبل‌از وقوع‌آن‌اخطاردهد** سخن هائی زده می‌شود ·

پیشنهادات دیگری که‌زیاد تر مورد بحث **قرار داردتاسیس یك ذخیره غله‌جات‌می‌باشد** تاکشور های گرسنه **بتواننددرمواقع‌اضطراری** باآن اتکا نمایند ·

یکی ازمتخصصین اقتصـاد زراعتـــی در **پوهنتون ایالت ایلونای گفت :**

ما مجبوریم تاسستمی راوضع کنیم که‌تحت آن‌بین ۱۰و۵۰ ملیون متریك تن‌غله ذخیـره شود تادر مواقع اضطراری ازآن استفاده بعمل آیــــــد ·

ولی حلقه های محافظ کار زراعتی امریکا **ازتاثیر این سیستم‌مشکوك بوده‌اظهارمیدارند** که‌همچو ذخیره باید دردست موسسات قــرار گیرد تاتا ثیر آن **بارز تر باشد .**

بهر حال همه **مااین‌امر متفقیم‌که وقت‌آن** گذشته است‌که‌پرابلم های‌مواد غذائی ازطریق صدور غله‌مازاد امریکا **به‌کشورهاازاین‌طریقه** میتواند حل گردد ·درس‌تلخی که ازاین طریقه گرفته شدنشان دادکه این‌امرنه برای خود امریکا خوب بوده است ونه برای کشور های کمك گیرنده ·معهذا کمك های اضطراری باید خواهی نخواهی **بـاوجود مشکلات سیاسی‌و-** اقتصادی به‌کشور های‌محتاج‌درمواقع اضطراری ادامه یابد ·اما درعین حال آنچه که‌باید تاکید شود اینست که‌کمك ها طوری داده شود تـــا کشور های نادار راقادر سازداوضاع زراعتی خودرا بهبود بخشند ·طـوریــــکه بسیاری از متخصصین، اظهار میدارند چینی ها برپرابلم مزمن قحطی‌خود **غالب‌آمدند بسیاری ازغربیها** تمرکز مساعی چینی هارا برای متکی شدن‌بخود درقسمت مواد غــذایی **توصیف مــی کننـد** انتخاب طرقی که روی جهان **جـهت حـل** پرابلم های غذائی باز است‌کار صعب ومشکل است. **پروفیور ریچارد کاردنر استاد پوهنتون** کولمبیا عقیده دارد که‌اوضاع جهان جدی است که‌کشور های انکشاف یافته وکشور های رو بانکشاف باید یك پیمان ذات بینی را برای زنده ماندن خود عقد نمایند **بایدبه‌کشورهای تولیدکننده** مواد غذایی **تضمین داده شود که** مواد خام شان‌به‌بازار های‌کشور های انکشاف یافته دربرابر **قیمت های مناسب‌رایابند وهم** مهارت های اداری وسرمایه کشور هـــــای انکشاف یافته **به‌کشور های روبانکشاف‌سرا** زیر شود **تحت این نوع‌موافقت‌های دوجانبه** کشور های انکشاف یافته مجبورند تامطابق یك‌سلسله نورم حرکت نمایند ·

به‌گفته‌دان پالبرك‌متخصص اقتصادی وزارت زراعت امریکا حل همه این پرابلم های جهانی میسر شده میتواند درصورتیکه همکاری جهانی موجود شود ·

امایك سلسله مسایل چون انفلاسیون بجهان بیرون‌ازخود فکرمیکنند افکارونظریات **شدید پرابلم های حاد داخلی وحس ملیت** شان بیشتر تحت‌تاثیر منافع ملـــی‌خودشان خواهی شدید بسیاری از کشور هارا بخـود وسیاست بیـلانس قوه قرار میگیرد تحت‌چنین متوجه ساخته است ·هنگامیکه این کشور ها شرایط همکاری جهانی نهایت‌مشکل خواهدبود

بقیه صفحه ٦۰

سوفیالورن

بیدار میکند وروی بستر با او ساعت تیری میکنم . **بعدطفل‌راغذا داده وصحبانه‌راترتیب** نمایم، تلویز و ن می بینم، برادیو گوش‌می دهم، نقاشی میکنم ، آببا زی **می نمایم،ویـا** برای نان طر حی می ریز انم، بر خی موارد کتاب می خوانم، ویا برای دوستا ن نا مـه می‌نوسم وبعضی او قات می نشینم و قتیکه کارو ل ساعت ۷و۳۰ دقیقه از کار بر گشت مدتی باسیپی بازی میکند وبعد نان خورده‌می خوابم·

کارو ل یگانه مردی دست که‌میخواستم·

اوهمه چیزم است ، شوهر، عاشق ، رفیق، نگهبان، و پناگا هی برای روز های توفانی ، اکنو ن عمیقتر از گذشته او را دوست دارم زیرا برایم سیپی وادواردورابه ارمغان آورد· من از اینکه کارو ل رایافتم خودراخو ش بخترین زن دنیا احساس مـی کنم·

مردمن باید مهربا ن، ظریف بذ له گو، هوشمند و آگاه بلشد· و کارو ل چنیـــن است· او بسیار احساس،و قدر تمنداست، او مشکلاتی راکه من قادربه حل آنها نیستم بمیان نمی گذارد وبه این ترتیب اومانندیك پدربزرگ وقوی است ·

روی بر خی مسایل مناقشه داریم بیاد دارم که روزی روی مساله ای دو سا عت گپ‌زدم رفت و فردا همه چیز فراموش شده بود·

من‌یك‌زن کا ملا و فادار برایش هستم‌نه ازلحاظ اخلاقی بلکه بخا طر اینکه‌نمی خواهم مرد دیگری تا هنگا میکه دوست ندارم نمی گذارم بمن دست بزند و تمام عمرم کارول رادوست داشته ا م وباز هم اگر احساس کنم که‌بمن وفا دار نیست ترکش میکنم·به این اصل که مرد هر چه می خواهدبکندوزن نکند، عقیده ندارم ·

من یکزن آزاد هستم البته در چو کات نظر خودم کار میکنم ، پول پیدا میکنم‌وبدون اوهم نمی توانم بخو بی‌زند گی کنم‌هرلحظه بدون ترس از تنهایی می توانم اورا ترك کنم ولی این دانمی خواهم·

طلاق در صور تیکه دو نفر با هم خوش نباشند ضرور تاست ·بنظر م بد ترین اثر روی طفل ماندن دریك ازدواج نا ساز گار است · فقط طفل نمی تواند پیوند زنـــا شو هری رامستحکم سازد و تداوم این‌کاربه خاطر اطفال برای هر دو وحتی طفل ویران کننده است ·

بر خی زنان آرزو دارند تابه سن‌دلخواه خودباقی بمانند و چون این آرزو خـــلاف قوانین طبیعی است آنان سعی میکنند تابـا پایین گفتن‌سن خوداین خلاء راپر کنندولی‌از این‌نیرنگ هم‌نمی توان کاری سا خت ·

من نمی تانم راجع به سنم دروغ بگویم زیرا آثار آ ن‌به چهره ام اثر گذ اشته‌است واز طر ف دیگر نمی خواهم درسن به‌اصطلاح توقف کنم·

ازطر ف دیگر معیار های سنی در جامعه مافرق می نم[illegible] واین معیار ها درموردمردان وزنان فرق میکند **پیروی مرد را (شخصیت)** می‌دهد **ولی برای زنان (آثار سقوط).**

بقیه صفحه ٤٩

آناتولی کارپف

فرانسه از پاره‌ای استادان نامـــــی خارجی شطرنج تقاضا کرد که عقیده خود را درباره نتیجه احتمالی‌مسابقه کار چنوی و کارپف بیان نمایند .

یان تیمان ـ

(از هلند) اظهارداشت کارچنوی بهر حال مانند سابق با ضیق وقت مواجه میگردد ودر مسابقه سخت‌و طولانی احیانا تفاوت سن تاثیردارد (سن او۲۰سال ودوماه زیادترازسن رقیب وی‌میباشد).

برعکس کارپف باسانی وبا نیروی ذخیره زیادی بازی میکند وبهمیـــن سبب هیچگاه با کمبود وقت جهت تفکر روبرو نمیشود .

همین موضوع ،بعیقده این استـــاد شطرنج هلندی ،تفوق آناتولی کار پف را نشان میدهد .

اولف اندر سون

ازسوئد وهمچنین لایوش پور تیش ازمجا رستان معتقد ندکه شانس‌آن دو رقیب تقریبا یکی است ،امـاولا ستمیل گورت استاد شطرنج چکـو سلواکی به‌حالت دائمی ورزشـــی بسیار خوب کارپف عطف توجـــه میکـند (این مطلب بهر حــــال در مسابقه المپیك هم تائید گردیــده است).

ضمنا گورت عقیده دارد که کار چنوی در نیتسس تا اندازه ای نیروی خود را حفظ میکرد چون میدید که تیم شوروی حتی بدون (امتیاز های اضافی وی مقام‌اول‌را بدست خواهد آورد، گورت تائید مینما ید کـــه مبارزه ای که در اواسط ماه سپتامبر در مسکو شروع خواهد شد بـــه (مبارزه اعصاب) مبدل خـواهـد گردید.

ازدوستان

مرز: فرید دهناد طهماس

نیست باورت؟

آمدی جفا کردی ،رفتی ووفا بردی
رفتن وفا بنگر ،آمد جفا رابین
دست برفلك دارم دیده در نگاه تو
ای زراه چشم من لحظه‌ای خدارا بین
هرکجا روم بیتو سبزه رویداز اشکم
نیست باورت ؟ بامن آوهر کجارابین
صبح آرزو شامست این گدای وصلت‌را
صبح این‌گدا بگذار شام این گدارا بین
عشق بحرودل قایق ناخدا تونی دلرا
ای‌خدا! درین توفان خواب ملاح‌را بین
ازدو دیده می‌بارم خون‌چو سرخ مرارید
ای بهای عمرمن! دربی بهارا بین

دراوصاف زلف معشوق عدیم

عدیم

بلای کافرستان است زلفش
بقصد ضبط ایمان است زلفش
دلم برده خط وخال‌لب‌او
کمند گردن جان است زلفش
چنان باد صبا ونافه چین
نسیم عنبر افشان است زلفش
بدور گلشن روی دلافروز
تو گوی سنبلستان است زلفش
بگرد قامت قلب صنوبر
مثال عشق پیچان است زلفش
زروی پرده عصمت مابی
حجاب روی خندان است زلفش
چو بخت شورو روز تیره می
بهر جانب پریشان است زلفش
بقربان گاه میدان شهادت
سرم چون گوی وچوگان است زلفش
دلم درپنجه عشقش اسیر است
سرچاه زنخدان است زلفش
بدور شمع رخسارش عدیما
توبنداری شبستان است زلفش

فضل هادی محصل پوهنځی طب :

ناله یار

آنچه از نعمت ممتاز جهان میخواهم
بیم دردل نظری جانشین از دور کنم
هیچ باور نکند گرچه بگویم او را
تاکه پیدا شودش ارزش پابوس کسی
سال دوم بود ازریشه مهرت بد لم
گر ستمکار شوی بردل من‌خوب بدان
دربرج این دفتر شوقست‌سراسرمهرت
ورجفا پیشه شوی در بدلش من‌خودرا
(هادیم) یار بس وفکر دگرنیست‌مرا

صحبت دلکش آن مونس جان میخواهم
چه‌توان گفت که اورا به‌چسان‌میخواهم
من آواره بیتاب وتوا ن میخواهم
خون دل دورهٔ این شوق روان‌میخواهم
هرکه بر میکندش دادن جان میخواهم
یاری از نا له وفریاد وفغا ن‌میخواهم
گرچنین است مرابرتو چنان‌میخواهم
ناله کش نوحه گر ونعره‌زنان‌میخواهم
من نه‌باغ وبهشت ونه جنان میخواهم

دوکتور محمد عزیز سراج

مقدر انسان ...

مکن کاهش توبرغم های فردا
که فهمت نیست فردایت چه باشد

اگر وصل است یا هجران کی داند
نصیب آن بجانان که باشد

مرا گفتند شری در قبال است
توان را شر بدانی شرنه باشد

تو پنداری که کارت نیست احسن
بظاهر قبح درباطن زه باشد
ترا مقصد اگر دنیای دون است
اگر اینست مطلب آن چه باشد

بظاهر نازو درباطن نیاز است
نیاز من مگر نازت نه باشد
همه کارم در اول رفت از دست
نمیدانم که انجامش چه باشد

همان ذاتی که هستم کردو هستت
خودش داند که تقدیرت چه باشد
توهم بسپار کارت بر خدایت
که بالاتر ازآن قدرت نه باشد
اگر طفلی اگر بر نا وگرپیر
خدا در هر زمان یارت به باشد
(عزیزا) درکتاب هست وبودم
نه فهمیدم که تفسیرش چه باشد

از :عبدالواحید (فقیر زاده)

تمناخشکیده

گل وفازدست توبی وفا خشکید
زسوز عجز تمنا بکام ما خشکید
بسوك رفتنت ازجوش‌وبیقراری دل
سمابگریه شد واشك درقضاء خشکید
دگر به میکده ساز وسرود نایدخو ش
که دست نازك مطرب به‌تارهاخشکید
به‌محفلی که‌بیاد تومی کشان بودیم
بانتظار تو چشم امید ما خشکید

بیاوو صل خودای شوخ کن میسر ما
که دست من‌بامید شب‌حناخشکید
دگر به‌عمر نبینی وصال یار (وحید)
که تارو پود.تواز هجر مه لقا خشکید

اثر علیشاه - ناشاد-

آتش غم

پر از رشك پر یشا نیست دامانیکه من دارم
گرفته‌آتش غم قلب بریانی‌که من دار م
گر آید بر پر سانم ز رو ی لطفو دلداری
فدایش‌میکنم ایدوستان جانیکه من دارم
نکرده هیچ در عمر ش بحال‌ابترم رحمی
نگار بی‌وفا و مسست پیمانیکه من دارم
بخوانی گر تو شعرم را شو ی واقفز احوالم
پر ازاشعار سوزانست دیوانیکه من‌دارم
کشیده سالها جورش دل غمدیده«نا شاد»
بخون دل‌کنم مملو لب نان که من دارم

بقیه صفحه ۷

شهرت دوگانه

سینمای هند است استفاده میکند و قسمتی از شهرت خود را مد یو ن تمثیل گیرنده و جانب اوست .

اکنون که (وجی انند) نر د بان شهرت و مو فقیت را در کارگردانی می پیماید و بقدر قابل ملاحظه ا ی خودش را مشهور ساخته میخواهد شهرت حود را از راه تمثیل واکت تکمیل سا زد دیده شود این دایر کتر مشهور چه گلبی را باب خو ا هد داد.

(وجی آنند) تاآنجاییکه، خو دشی اعتراف میکند در کار سناریو نویسی و دائر کشن نما لبا از یك شیوهٔ بخصو صی که می توان و جه آنرا نز دیکتر باطرز کار(چتین آنند) مشاهده کرد پیروی می کند وعقیده دارد که با ید سناریو های فلم های هندی از حالت مو جوده که درمقارنه یك تسو یه ست بیرون کشیده شود

وباید در سنا ریو ها و جو هی شامل کرده شود که ضرورت مبرم حیات اجتماعی مردم است اما این پد یده باید طوری تر سیم شود که در آ ن نوآوری و ابتکار محسو س با شد.

(وجی آنند)در موردفلم کوراکاغذ ابراز نظر نموده که فلم کورا کاغذ بایك موضوع عمیق و پر مفهو می تماس داشته، و یکی از پرابلم های عمدهٔ زندگی فا میل ها را باژرف نگری خاصی بشکل کاملا طبیعی آن بروی پرده آورده که در آغاز محدودیت صحنه ها مود روز وطرف پسند اکثریت مردم بار یکران حاضر بایفای نقش های ان نبودند نه این موضوع مایه تاسف عمیق ا ست مخصوصا برای انعده از هنرمندانیکه ادعای خد مت ن ری را میکنند.

اما وقتی فلم ماند و ایفا گر ی نقش اول ان بد و شی خو دم و منهم چارهٔ خود را در بر ابر این ما مو ل حضر یافتم دست بکار با زی نقش اول فلم زدم که سر انجام کور کا غذ بسر عت ناقابل تصور ببا زار آ مد وبعدا در اصطلاك ذهن بینند گا ن فلم پذیر فته شده از آب درآمد آنوقت امید وار شد م که مر دم تنها متمایل بفلم های سکسی وپراز زد وخورد نیستند و هر نوع فلم را می پذیرند مشروط بر اینکه در ا ن پر داز کار های هنر مندانه و جلوه های پر فروغ هنری بکار رفته باشد.

او میگوید تازه از فلم کو را کاغذ این نتیجه، برایش حاصل شده است که هنر مندان موجودهٔ سینمای هند باستثنای چند نفر محدود د یگران فقط بپول فکر می کنند که شد ت این اندیشه در فلمسا زان بمرا تب بیشتر است او می گو ید اگر چارهٔ بمنصهٔ عمل نیاید سینمای هندمواجه به شکست و زوال خوا هد شد که البته این زوال ما دی وپولی نیست بلکه استخفای قدرت هنری و زوال هنر مندان حقیقی خواهد بود.

بقیه صفحه ۹

مددگاران اجتماعی

میدانید تغیر دادن ذهنیت عامه نیز کارآسانی نیست ایجاب تحولات پیگیر وبنیادی رادارد وسهم گیری فعالانه تمام قشر روشن ،ما امیدواریم اکنون که تحولات بنیادی درتمام شئون زندگی مردم مافراهم آمده است در سا یه قوانین وضابطه ها ی مترقی وبا فعالیت گسترده تمام زنهای روشنفکر محیط بتوانیم هر روز گامی وسیع تر دراین راه برداریم تاآنجا که حتی به دور دست ترین روستای کشو رنیز نما یندگان داشته باشیم این را می است جالب ابتکاری ودر خور ستایش است .

که موسسه درپیش دارد د به آن روا ن است.

ازمنبع معلومات دهنده واز اعضای فعال مددگاران اجتماعی تنویر افکاراز جانب ژوندون تشکر میکنیم ووعده میگذارم که روزی خبرنگار خانواده گی این مجله همراه با آنان شیوه کارشان رادر میان خانواده ها مورد مطالعه قرار دهند وبعد از شعب کودکستان وشیر خوارگاه موسسه دیدن میکنیم که واقعا جالب وابتکار شان ودرخور ستایش است.

بقیه صفحه ٦

تشنجات شرق میانه

از آنرا موردعمل قرار داده اندچنانچه در مسافرت اخیر نکسن به اتحاد شوروی موافقتنامه همکاری انرژ ی غیر ذروی امور خانه سازی وتحقیقات علمی راجع به قلب بین طرفین امضا شد در سال ۱۹۷۲ هر دوکشور موافقتنامه های همکاری های خودرا در رشته ساینس تکنا لوژی و تحفظ محیطی امضاء کردند که این موافقتنامه ها اگر هم قد می بسو ی محدود شدن سلاح ذروی نیست بدون شك گامی بجانب محدود ساختن اختلا فات بین دو کشور به حساب می آید و یقینا با تطبیق این موافقتنامه ها گا م های مقد ماتی واساسی درراه حل مسایل مشکل تر بین دوکشور بر داشته میشود .

در اخیر باید گفت که ملاقات و مذاکرات فورد با بریژنف شاید باز هم در مورد محدود ساختن سلا ح ستراتیژیك ذروی به نتیجه مثبتی نرسد چه این سفر درست و قتی صورت میگیرد که معضله شرق میانه یك بار دیگر اوج گرفته و مبصرین سیاسی راجع به آن ابراز نگرانی مینمایند بدون تشنجات شرق میانه، تصادم بین اسرائیل واعراب این دوقوه بزرگ راهم وادار میسازدتابه نحوی از انحادرآن اشتغال ورزندبنا درچنین یك حالت این دو کشور روی معضله ایکه چند سال نتوانست راه حل یابد به این سادگی به نتیجه ای نخواهند رسید و لی اگر هم موافقتنامه را در این زمینه امضاء کنند یقینا این موافقتنامه در امر تامین صلح وامنیت در شرق میانه و برای حل معضله این گوشه جهان خیلی مفید ومؤثرخواهد بود واینجاست که گفته جرالد فورد مبنی برین که« میل ها مسافه رابرای صلح می پیماید و یك گام هم درراه جنگ برنمی دارد» مصداق پیدا می نماید .

بقیه صفحه ۱۵

اعصاب . .

حیاتی بشمار میروند .

آن ویتا مین ب(نان ، برنج، جگر) وویتامین سی (میوه ، سبزیجات تازه و تر کاری) کلسیوم (شیر،پنیر روغن زیتون) از ضروریات مهمه

پنج قواعد و رهنمای خوب حیاتی: تنها تر تیب مواد غذایی فوق برای سلامتی ونشاطی وجود کفایت نمیکند بلکه طرز زندگی لازمه طوریکه لازمست تغذیه کرد واز جانب دیگر عنعنات قدیمه را واگذار وبسوی جهان نو وطرق جدید گشت ، پنج قواعد زیر که از جمله ضروریات راحت روح و تقویه عصاب بشمار میروند چنین اند :

۱ــ خواب که ماساژ اعصات شمرده میشود لازمست تا مکمل ووقت منظمی داشته باشد . باید بخاطر داشت که تما ما عصبانیت ها از بیخوابی نشأ ت کرده وسرچشمه میگیرند .

۲ــ تنفس هوای تازه راز طول عمر عامل زیبایی و علاج بسیاری از کسالت مخصوصا خستگی است با قدم زدن، سپورت وادمان آزاد را در پرو گرا م خویش شامل ساخته که نسخه مجرب کاهلی هاو کسالت های روحی و جسمی بشمار میروند.

۳ــ تمرینات فزیکی ، حرکت که جز مهم حیات پیر و جوان بشمار میرود میتوان آنرا درکار سراغ کرد لهذا از کار های فزیکی(نه خیلی ثقیل هراسی نداشته، بر خلاف به تقویه عضلات خود بیافزاید .

٤ــ چشم پوشی از دخانیات و مشروبات الکولی ، زیرا تمباکو از بدن و یتامین ها را نصوص وویتامین سی را از بین برده ووجود رابه کسب امراض تحریك میکند .

٥ــ استراحت و میله ها ، این هم بذات خود در تقویه سیستم عصبی ما وکسالتهای یك هفتگی رول مهمی را بازی میکند .

دزلتی مطبعه